

دوره جغرافیا

۱۳۸۲/۹

برای سال هفتم و اول متوسطه

شامل مقدمات جغرافیای عمومی

موافق پروگرام جدید وزارت جلیله

تالیف

۶۳۶۴۲۷

میرزا عباس خاں قاجار استانی

معلم جغرافیا و تاریخ و فارسی

چاپ چهارم

محل فروش

خیابان میر

تجارت حاج الدک



دوره جغرافیا

برای سال هفتم و اول متوسطه

شامل مقدمات جغرافیای عمومی

عباس خاں قاجار استانی

(۲)

بسمه تبارک و تعالی

مقدمت جغرافیا

تعریف جغرافیا و تقیّمات آن - زمینی که ممکن انسان است
در روی آن زندگانی میکنیم که است تحرک در فضا

در سطح این کره غیر از انسان موجودات زنده دیگر از قبیل حیوانات و نباتات
گوشتخوار و دریا و دریاچه و آب و هوا و آتشفشان و غیره و مانند اینها و اقیانوس
دریا و کوه و دره و غیره و نیز در روی آن دیده میشود .

زمین و موجودات و آثار و اقسام در سطح آن موضوع علوم مختلفه است که یکی از
آنچه علم جغرافیا است .

علم جغرافیا علم با احوال و ضاع حالی سطح زمین است از این حیث که مسکن انسان
میشود و با آنچه که ساکنین و موجودات و آثار طبیعی سطح کره ارض و دریا و
آنها باید که بحث خواهد کرد .

از آنجا که قبیل از شرح موجودات ساکنین و آثار سطح کره شناسایی خوانده میشود
معمولاً قبل از شرح و توصیف سطح کره و موجودات آن مقداری از وضع کره

(۳)

زمین در فضای عالم گفتگو میشود و این قسمت را هم جزء جغرافیا بشمار میآورند
پس موضوع علم جغرافیا اجمالاً از این قسم است .

۱- بیان وضع زمین در فضای عالم و روابط آن با کرات دیگر آسمان
۲- آثار طبیعی غیر ذی روح .

۳- نظری موجودات دیگر سطح کره یعنی حیوانات و نباتات

۴- انسان که مهمترین ساکنین سطح کره است

از روی همین مختصر گذر شد تقیّمات عمده جغرافیا معلوم میشود از این قسم است
اول - قسمتی که از خصلت احوال کره زمین و روابط آن با کرات دیگر گفتگو میآید
این قسمت را جغرافیای ریاضی میگویند .

دوم - قسمتی که از آثار طبیعی و کیفیت ساختمان اقسام مختلفه آن بحث میباشد .

این قسمت جغرافیای طبیعی موسوم است

سوم - قسمتی که موضوع آن موجودات سطح کره (به غیر از انسان) و طبقات

و اقام آنهاست : این قسمت جغرافیای حیاتی میسازد

چهارم قسمتی که انسان و کلیه اموری بشمار میآید در آن دخالت دارد و اثر او را

دیده میشود موضوع است : این قسمت جغرافیای انسانی نامیده میشود

هر یک از این چهار قسمت جغرافیا را می‌توان به قسمتهای دیگر تقسیم نمود ولی عجایب
ذکر آنها در این کتاب پس برای ما لازم نیست فقط بناست بهت تقیسات جغرافیای
انسانی را ذکر میکنیم.

جغرافیای انسانی به شعبه تقسیم میشود یکی جغرافیای سیاسی که موضوع آن
بای مختلفه درجات زندگی انسان و ترتیب حکومت و مذهب و جمیعت دانسته
غیره است.

دیگر جغرافیای اقتصادی که در آن صنعت و تجارت و فراغت و کشاورزی
باید پس جغرافیای ترتیب پنج قسمت تقسیم میگردد بقدر ذیل.

۱- جغرافیای ریاضی ۲- جغرافیای طبیعی ۳- جغرافیای حیاتی ۴- جغرافیای سیاسی
۵- جغرافیای اقتصادی. و ما سال باید در کلیات جغرافیا این پنج قسمت را جدا
نخواهیم و قبل از شروع قدری بزمز فایده جغرافیا بحث خواهیم نمود.

فایده جغرافیا - از بیانات فوق دانسیم که موضوع عمده علم جغرافیا دو چیز
بست زمین و انسان

چون زمین ممکن است پس شناسائی آن از جمده واجبات است. بهر حال علم جغرافیا
مستوییم که زمین و ممالک مختلفه عالم حتی آنها که در فسخ از ما دورند و در وقت
در مقام عسر نتوانیم آنها را ببینیم بشناسیم و از موجودات و عجایب هر یک اطلاع حاصل

کنیم علاوه از علل تغییرات که در اوضاع طبیعی سطح زمین سابقا واقع شده
و امروز هم واقع میشود اگاهی یابیم.

از طرف دیگر چون خود جزو نوع بشهیم معرفت با احوال بشر و طبقات آن و اخلاق
و عادات و ترتیب زندگی و عدد و وجهه ترقی یا تنزل هر یک از اقوام برای ما
لازم است و علم جغرافیا علاوه بر آنکه این قبیل مطالب را مبایا آموزد ذهن و نظر
ما را باز کرده و بسیاری از حقایق آشنای ما را زود بسیاری از وسائل را که برای
پیشرفت زندگی و تحصیل آن لازم است با انسان معرفی بنماید.

قسمت اول

جغرافیای ریاضی

جغرافیای ریاضی قسمتی است از جغرافیا که از وضع کره زمین در فضا و در ابطان آن بنا
کرات آسمان گفتگو نمینماید و چون این قسمت بکلی اصطلاحات ریاضی و عمل حساب
بیان میشود از جغرافیای ریاضی بگویند.

جغرافیای ریاضی مستوییم پایه و اساس جغرافیای عمومی بدانیم زیرا در این قسمت
که ممالک زمین در فضا و در ابط آن را با سایر کرات بعینیم و از شکل و حرکات و تقسیم
آن بوسیده و ایرامو مورد اطلاع حاصل میکنیم (بیان احوال و در ابطان

کره با زمین هم جز این قسمت از جوافیات (پس مباحثه جوافی باقی
از این قرار خواهد بود .

۳- زمین در فضا و روابط آن با سایر کرات ۲- شکل زمین ۲- حرکات زمین

۴- دوائر موهومی روی زمین ۵- احوال کره ماه

۱- زمین در فضا و روابط آن با سایر کرات

قسمت نیکوئی که در بالای سر خود و فوق سطح زمین می بینیم به آسمان مسموم است
آسمان محدویت باین معنی که هرگاه بخيال فوق العاده سطح زمین را ترسیم و با
دست است یادت چپ پایت سر بپیش و حرکت کنیم بخیری که پهلوی ما را بگیرد
برنجوریم و این نکته ای که شاید همیشگی رنگ هوایت که از اطراف ما گرفته
را احاطه نموده مکانی را که که زمین و هوای خود در قسمتی از آن واقع است و از
طرف هم محدویت فضا میگویند .

کواکب - اگر در شب صافی در خیاب قمر ما آسمان را به قیاس نگاه کنیم
درخشنده در آن خواهیم دید که فاصله آنها نسبت به یکدیگر مساوی نیست بعد از
از جهت درخشانی هم با هم تفاوت دارند این نقاط درخشنده عموماً کواکب یا
میگویند - عدد کواکب معلوم نیست و با چشم پیش از ۱۰۰۰ عدد از آنها را
میتوان دید .

ستارگان سحابی - ستارگان سحابی مرکبند از غده های ستارگان
مجموعه آنها نور سفیدی از خود ظاهر میکنند و شکل قطعه ابری در آسمان کشیده شده
مهمترین این ستارگان سحابی که نشان است که یونانیها بنام ست سفیدی از آن
میگویند که نشان مرکب است از ۱۸ میلیون ستاره کوچک و بزرگ که هر چند عدد در
دور یک ستاره بزرگتر جمع شده به یک نیست یا مجموع میدهد و هر یک از این مجموعه
دارا عالم یا منظومه می نامند که نشان مرکب است از هزاران هزار از این منظومه ها .

منظومه شمسی

منظومه شمسی یا عالم شمسی یک جز از کائنات است مرکب است از اجزای که مرکز منظومه
محبوب میشود و یک عدد ستاره های دیگر .

نکته تفاوت درخشنده آسمان یا کواکب به قیمت تقسیم میکنند : یک قسمت آنها که
نسبت به یکدیگر فاصله خود را تغییر نمی دهند و خطه میرسد که همیشه نسبت بهم ثابت
این کواکب الثوابت میگویند قیمت دیگر کواکبی که فاصله آنها نسبت به یکدیگر
ثابت نماند و هر یک از آنها مکان خود را در آسمان تغییر میدهند این دسته از کواکب
را سیارات می نامند از کواکبی که ما می شناسیم غیر از وضع حرکت یک تفاوت
دیگر هم میان ثوابت و سیارات است : ثوابت مثل زمین و مریخ و زحل و مشتری و

از آنها در میگرفت دیگر اورا غیبیدیم حجم آفتاب برابر است با ۱۳۱۰۰۰۰
برابر حجم زمین .
۲- سیارات عمده - چنانکه گفته شد سیارات کراتی هستند که
بدور آفتاب دور میزنند و مدار آنها بعضی بعضی نزدیک به ابر است
سیاراتی که بدور آفتاب میگردند به دو دسته تقسیم میگردند : یک دسته سیارات عمده
که عده آنها شش است . دسته دیگر سیارات صغرا
سیارات عمده برترتیب فاصده از آفتاب عبارتند از عطارد . زهره . زمین
 . مریخ . مشتری . زحل . اورانوس . نپتون
عطارد - نزدیکترین سیارات با آفتاب و کوچکترین همه است در ۸۸ روز
یک دور در خود آفتاب میگرداند و کی قبل از طلوع آفتاب یا کمی پس از غروب
آن در افق مشرق یا مغرب دیده میشود و باینجه کمتر ممکن است از رویت کرد
زهره - بعد از عطارد واقع شده و نزدیکترین سیارات زمین است و مانند
عطارد فقط قبل از طلوع یا بعد از غروب دیده میشود و مدت حرکت آن به دو هفته
۲۲۵ روز در درخشانترین ستارگان آسمان است و بعضی اوقات آن را
در روز هم میتوان دیدن سیاره قریب و برابر عطارد و قدری کوچکتر از زمین

زمین - نیز یکی از سیارات مشتکاه است و بعد از زهره واقع شده (کلیات)
 راجع باین که اینهاست اینک ممکن است غریب بعضی ذکر خواهم نمود

مریخ - اول ستاره است که پس از زمین واقع شده از زمین کوچکتر است و شکل
 ستاره قرمزی در آسمان دیده میشود و قریب و برابر عطارد و نصف نهر روشنایی
 دارد مدت حرکت انتقالی آن قریب دو سال است (۷۸۷ روز)

مشتی - بزرگترین سیارات منظومه شمسی است و از حیث روشنایی
 در درجه دوم یعنی پس از زهره است و در ۱۲ سال یکبار در گرد آفتاب
 میگردد

زحل - از مشتی دورتر و کوچکتر است ولی بعد از آن سیارات تمام سیارات
 دیگر بزرگتر و حلقه نوزانی و در آن را احاطه کرده مدت حرکت انتقالی آن
 ۹ سال و نیم

اورانوس - قریب ۸۴ سال طول میکشد تا یک دور در
 آفتاب بگردد بدون دور بین عاده مریخیست . این سیاره در
 ۱۷۸۱ کشف کرده اند

نپتون - دورترین تمام سیارات است در ۵۰ سال یک دور در آفتاب

دور میزنند و در ۸۴ سال یک دور در آفتاب میگردند و چشم تنها دیده نمیشود و قدما چون
 دور بین نداشتند این دو سیاره خرمی را نمی شناختند

۳- سیارات صغار - مابین دو سیاره مریخ و مشتی عده زیادی سیارات
 خرد واقع شده اند که بی دور بین نمیتوان آنها را دید این سیارات موسومند

بسیارات صغار یا شباه سیارات (مفرد آن شبه سیاره) تا کون قریب است
 این سیارات کوچک کشف شده هیچکدام از این سیارات خرد چشم دیده نمیشود

۴- اقمار - اقمار سیارات کوچکی هستند که غیر از حرکتی که بدور خود میکنند
 دو حرکت دیگر دارند یکی حرکت بدور سیارات عمده دیگر حرکت با آنها بدور آفتاب

مدار اقمار بدور سیارات عمده بعضی نزدیک به ایره است و عده دانند
 شمسی ۲۷ میباشد مابین ترتیب که زمین یک قمر دارد - مریخ ۲ - مشتی ۱۰

زحل ۹ - اورانوس ۴ - نپتون ۱

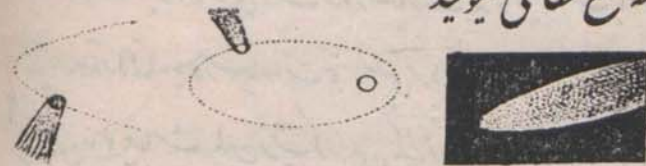
۵- ذرات الاذتاب - ذرات الاذتاب یا ستارگان دنباله دار

کواکبی هستند که بعضی اوقات در آسمان دیده میشوند و دارای دنباله
 در آنست آنهاستاره کوچکی واقع شده که آنرا از آنستاره گویند و در عقب

آن قمت ابر اندی کشیده شده که به دنباله یا دنباله موسوم است

(۱۲)

ذو ذنب بار دو قند : بعضی مدارشان بطیل و مسدود است بهین جهت در مدتی
میعین بدور آفتاب میگردند فتمرتین این قسم ذوات الا ذناب ذنوب بار است که در
۷۶ سال یکبار فذ بدور آفتاب میگردند یعنی ۷۶ سال بر ۷۶ سال مری میشود چون
در دفعه آخر در ۱۹۱۵ میلادی دیده شد پس رویت آیه آن در ۱۹۸۶ خواهد بود
نوع دوم ذو ذنبهای هستند که مدار آنها مسدود نیست و یک فذ با آفتاب شیر
نزدیک میشود پس از عبور از مقابل آن از منظومه شمسی دور شده دیگر مر اجبت
نیکند مدار این قسم ذوات الا ذناب خطی است منحنی و غیر مسدود که آزاد در اصطلاح
هندسه قطع مکانی میکنند



۲- شکل زمین

در نظر اول زمین سطح مسطح میباشد ولی میتوان پس از وقت با دلایل متین که در اینجا
اثبات نمود و در دور قدیم هم بعضی از حکای یونان که رویت زمین بی بر وجه و
در سطوح قویترین ایندلائل را بیان نمود اما دلایل که رویت زمین را نیز ابراست
۱- در دریا و قسکه کشتی از ساحل دور میشود شخصی که در نقطه (۱) ایستاده باشد تا محلی (ب)

(۱۳)

تمام کشتی را می بینند پس از آن بتدریج ابتدا قسمت تحتانی و بعد قسمت بط



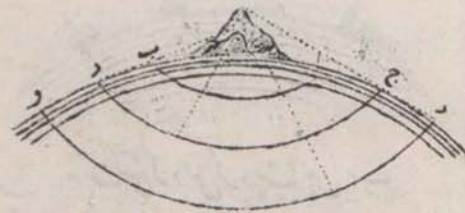
س - حرکت کشتی که دلیل کردیت زمین است

و بالاخره دکل و سیه قی آن از نظر محو میشود و در مراجعت عکس اینجالت مشاهده میکنند
اینرا معلوم میشود که سطحی که کشتی در روی آن حرکت نماید یعنی سطح زمین گردی است
متصبر که - اگر در بیابان با فضای بازی بایستیم بطوریکه بجای بایستیم در جهات
طرف خود فرو گردن آسمان را ببینیم مشاهده خواهیم نمود که آسمان زمین اطراف
بایکدیگر را قطع مینمایند . فصل مشترک آسمان زمین یعنی آن خطی که چشم تیر از آنرا
نیتواند ببیند و خطی که محبوب میشود بافق موسوم است

۲- هر قدر از سطح زمین بالاتر رویم وسعت افق بیشتر میشود مثلاً اگر شخصی در روی
دشتی باشد افق آن خط آب و اگر در دهنه کوه باشد خط جرد و اگر در قله
کوه قه ابرگیرد خط ه و است س
شبابی که بالای کوه کله خود را میسازد و در ترازو را می که در صحرا بل نیز مطلق

(۱۴)

آفتاب می بسند



ست - افاق و وسعت یافتن آن

۳- اگر مسافری در دریا از نقطه معینی بطرف مشرق حرکت کند پس از مدتی از نظر مغرب بهمان نقطه بر میگردد. این قسم مسافت را که مسافت دور دنیا میگویند دفعه در ۱۵۲۰ یکی از ملّاخان موصوم به مارثان انجام داد و عملاً ثابت نمود که زمین در موقع خورشید سایه زمین بر روی ماه مستدیر است (این دلیل اول دفعه در سطوح بیان نمود) زمین کره کامل هم نیست بلکه بواسطه بعضی علل اندکی از شکل کره کامل دور افتاده و بصورت شلغم درآمده است بهین جهت مسافتی که زمین شبیهی شکل است ابعاد زمین - مهندسین فسه اند دوره زمین با اصطلاح هندسه محیط آنرا به ۴۰۰۰۰۰۰۰ جز تقسیم کرده و یک جز را از امت است نامیده اند و آن را واحد

(۱۵)

طول قسره را در ده پس بموجب این قسره را در محیط کره زمین ۴۰۰۰۰۰۰۰ متر یا ۴۰۰۰۰ کیلومتر است شعاع متوسط زمین تقریباً ۳۷۰۰ کیلومتر و مساحت سطح آن ۵۱۰ کیلومتر مربع میباشد و چون سطح ایران قریب ۴۰۰۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع است پس کره زمین از حیث وسعت تقریباً ۳۲۰ برابر مملکت عالی است

۳- حرکات زمین

قدما گمان میکردند که در ظرف ۲۴ ساعت آفتاب و کواکب آسمان بهیبت اجتماع یک مرتبه دور زمین میگردند.

هر قدر دایره معلومات وسیعتر شد این فرض بشبه چهار مشکلات گردید بعد از آنکه شازدهم تمام علماء فرض بر نور را مطابق حقیقت میسند آنگاه در این فرض شخصی از آنکه زمین موصوم به کپرنیک (۱۴۷۳-۱۵۴۳ م) برای رفع مشکلات موجود زمین را متحرک فرض نمود و این فرض او بتدریج با ثبات رسید و عموم مشکلات موجود رفع کرد (۱)

زمین مانند سایر سیارات دارای دو حرکت عمده است: از یک طرف به دور خود میگردد و از طرف دیگر به دور آفتاب. حرکت اول را حرکت ضعیف Copernicus

و حرکت دوم حرکت انتقالی گویند

حرکت وضعی - زمین مانند ذره در طرف ۲۴ ساعت از مغرب به

بک دور دور خود میچرخد این همان حرکت وضعی است

محور - خطی که زمین حرکت وضعی خود را دور آن انجام میدهد به محور موسوم است

قطبین - طرفین محور قطبین میگویند یکی قطب شمال و دیگری قطب جنوب

قطب شمال طریقی است از محور که محاذی ستاره قطبی یا جدی و ستاره قطبی یا جدی

یکی از ستاره های صورت موسوم به دب اصغر است

برای یافتن ستاره قطبی باید در شبهای صاف هفت ستاره دب اکبر را که

در طرف شمال واقع است به سولت از ایستوان یافت پیدا کرد و بعد دو ستاره

روشنتر و نزدیک آن دب و دراهیم وصل نمود آن خط را باندازه پنج دانه

داد ما است و این خط از ستاره قطبی میگذرد (س) نقطه مقابل شمال

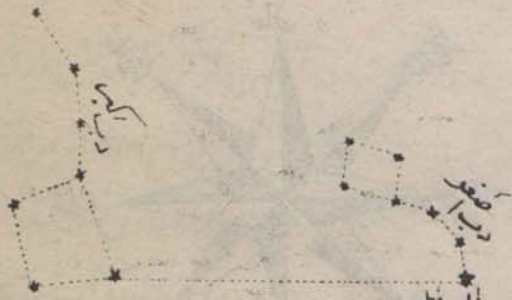
را که در افق ماضی نیست قطب جنوب میگویند

جهات اربعه - چون ستاره قطبی محاذی شمال است و محل آن بجز

تغییر نمیکند پس علاوه بر یافتن جهات اربعه توسط طلوع و غروب آفتاب بداند

نیز ایستوان جهت شمال ایافت در صورتیکه در ستاره قطبی باسیم دست راست

ما شرق و دست چپ مغرب است و از این دو جهت اولی سمتی است که آفتاب



که آفتاب از آن طلوع و دو دومی طریقی است که این کوکب در آن غروب میکند

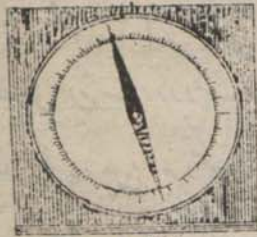
جهات اربعه را هم توسط قطبها میتوان یافت و آن جهت است درای عقرب یکی

مناطیسی که عقرب آن دانه اربع است

شمال توجه است (س)

جهات فرعی - مابین چهار جهت

فوق که آنها را جهات اصلی میگویند



چهار جهت دیگر هم وجود دارد که بجهات فرعی موسومند از این جهت

شمال شرقی (بین شمال و شرق) - جنوب شرقی (بین شرق و جنوب)

جنوب غربی (بین جنوب و غرب) - شمال غربی (بین غرب و شمال)

(۱۸)

جهات امید و غیبه را از روی شکل گلبا و بخوبی میتوانست در دست



استوا - استوا دایره عظیمه است که مانند کره بزرگ در زمین احاطه کرده
محوران عمود گشته و از دو قطب بیک فاصله است و علت آنکه از استوا گفته
انست که شب و روز تمام اوقات سال در نقاطی که بر آن واقعند اندکی کم است
و اختلافی بین مدت روز و شب آنها وجود ندارد.

استوار کره زمین را بدو نیمه مساوی تقسیم میکند: نیمکره را که در شمالی آن
واقعند نیمکره شمالی و نیمکره را که در جنوب آن اتفاق افتاده نیمکره
جنوبی گویند.

تبصره - دایره عظیمه دایره ایست که مرکزش مرکز کره باشد پس عموم
دایره عظیمه کره را بدو نیمه مساوی تقسیم میکنند و دایره عظیمه منبسط

(۱۹)

نقطه ای از آنها بر محور کره عمود و از قطبین بیک فاصله است و آن دایره
استواست.

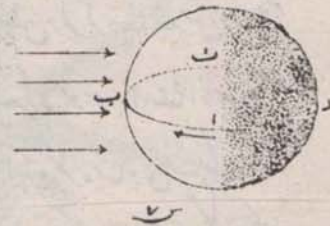
هر دایره که در روی کره رسم شود مرکزش مرکز کره نباشد مثل دایره که
اطراف قطب رسم میکنند به دایره صغیره موسوم است از همین تعبیر
بخوبی میتوان فهمید که دایره صغیره کره را بدو نیمه مساوی تقسیم میکند.

تبدیل شب و روز بیکدیگر - زمین نور و حرارت را از آفتاب گشت میکند
زیرا جرم آن بخودی خود تاریک است و چون در هر وقت بیش از یک نوا
نستواند بطرف آفتاب باشد در هر آن یک نصف آن بیشتر روشن نیست. اما
حرکت وضعی کره بتدریج نقاطی را که در تاریکی بوده در مقابل آفتاب میا
و در عوض نقاط از آن داخل تاریکی میشود باین ترتیب نوالی شب و روز
حادث میگردد در صورتی که خورشید نصفی از کره را که غیب است بیشتر روشن
نمکند و نصف دیگر آن که بسیار نموده شده تاریک است حد تماس این شش
بارگردد و نقطه ادب خواهد بود.

در موقع طلوع در نقطه اصح است و چون کره را بسمت ب حرکت میکنند
ا ب ب رسد زمان آن طرز خواهد بود و اگر بهت برسد عصر و چون در ب رسید

(۲۰)

شب تا آخر زمانی که محل اول خود را برگرد و صبح است پس می بینیم که تبدیل
بروز تدیری و نتیجتاً مستقیم حرکت یعنی این



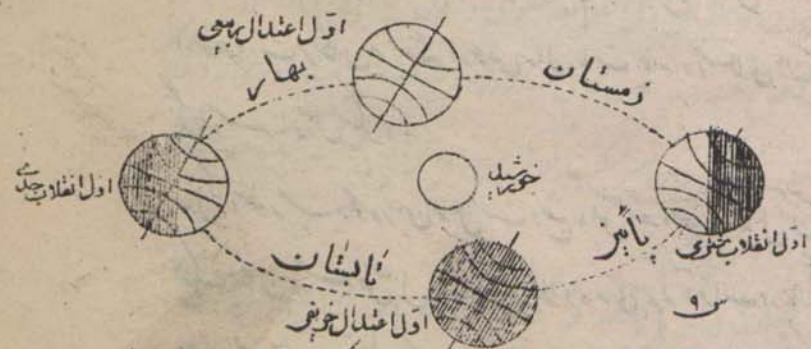
است
حرکت انتقالی - حرکت انتقالی
زمین حرکتی است که این کره در هر
۳۶۵ روز و ۵ ساعت و ۴۸ دقیقه

و کسری از مغرب به شرق بدو آفتاب می پیماید این مدت یک سال شمسی گویند
سرعت حرکت انتقالی زمین در هر ثانیه ۴۰ و یازدهم کیلومتر دقیقه ۱۰۸۰۰۰
کیلومتر است یعنی تقسیم یاب از برابر سرعت سریعترین راه آسمانی
امروزی است

سپهر بختی از آسمان که زمین در آن حرکت انتقالی خود را انجام میدهد منطقه البروج
یکصد و هشتاد و پنج درجه شامل ۱۲ صورت از صور آسمانی است ۲۲ قسمت مساوی را
کرده که یک را برج و هر برجی را بنا می میخوانند
زمانی را که زمین یکی از این ۱۲ قسمت را طی میکند ماه شمسی نامند و هر یک از ماههای
شمسی را هم با نام برجی که زمین در آن ماه از مقابل آن عبور میکند میخوانند

بروج دوازده گانه بر طبق عبارت است از: حمل - ثور - جوزا - سرطان -
اسد - سنبله - میزان - عقرب - قوس - جدی - دلو - حوت
در هنگامی که زمین بدو آفتاب حرکت میکند مدار خود را پیماید محور آن نسبت
به سطح این مدار قائم نیست یعنی آن زاویه قائمه تشکیل نمیدهد بلکه مقدار آن در
۲۷ دقیقه و ۳۰ ثانیه نسبت به خط عمود بر آن سطح متمایل میباشد و در هر موقع از
هم همین مقدار متمایل را دارد عبارت آن از جبری محور زمین تمام مدت حرکت انتقالی
به موازات امتداد اولی خود حرکت می نماید

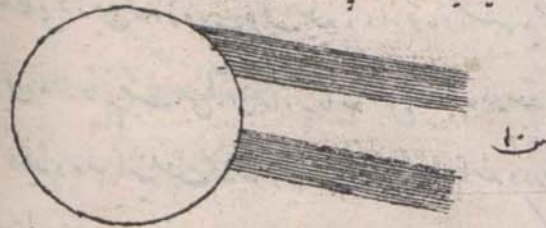
فصول - آفتاب بزرگتر نسبتی است که از آن سطح زمین حرارت میرسد نامی است
دانست که مقدار این حرارت برای همه نقاط یک اندازه نیست بلکه مقدار حرارت



از آفتاب بهر نقطه از سطح زمین میرسد مربوط وضعی است که آنست که خورشید بر آن می تابد

(۲۲)

اگر این شبهه نیست بیک نقطه نمودی بناید حرارت آن سمت نقطه دیگری که اندک بالا
بایل دارد آید زیادتر است چنانکه در سن ۱



اگر محور زمین نسبت به خط مدار آن بایل نموده باشد آفتاب هر یک از نقاط زمین بیک نقطه
مقابل میاید و تقابل آنها نسبت بیک نقطه در عرض سال تغییر نمیکند و یعنی همیشه در خط استوا
میایدند و هر قدر قطب زمین دیگر میزند بر تقابل آنند فاصله دورتر میگردد و یا در قطبین
گروهها میسکند و چون مقدار حرارت بر نقطه هم مربوط بوضع تابش آنست
درجه حرارت هر مکان نیز همیشه در عرض سال ثابت میماند و اختلافی بین مقدار
گرمای سه ماه حاصل نمیکردید

حال که بطور مختصر و محور زمین تمایل است و وضع تابش آنست و مقدار تقابل آن
بیک مکان در عرض سال ثابت میماند بعلاوه در آن هم که آفتاب در بالای
افق بر نقطه میماند در تمام اوقات یکسان نیست بعضی مواقع بیشتر میماند (در وقت طلوع و غروب)
طولانی تر است و بعضی مواقع کمتر همین امور سبب اختلاف فصول و حصول اختلاف

(۲۳)

بین درجه گرمای سه ماهی یک نقطه در عرض سال میشود
تابستان - برای هر مکان محلی است از سال که روزها از مدت طولانی
و اندک خورشید از مدت بود و دیگرند زیرا که همین کیفیت است که مقدار حرارت
زیاد میکند و فصل گرما پیش میآورد و برخلاف زمستان که مدت روزها از مدت
وقت کوتاه تر و اندک آفتاب هم پیش از هر هنگام از نمود و در زمستان همین جهت که کمتر از
سرما بیشتر میشود بهار و پاییز و اقلیم بین این فصل میباشند اگر اختلاف
گرما بهر جهت فصل را بپذیرد اگر بعکس از سرما بگردد است از بهار میماند

فصل بهار فاصله بین اول اعتدال ربیعی و اول انقلاب صیفی تابستان بین اول انقلاب
صیفی و اول اعتدال خریفی و پاییز بین اول اعتدال خریفی و اول انقلاب شتوی
و زمستان فاصله بین اول انقلاب شتوی و اول اعتدال ربیعی است

مناطق خمس - چون طول شب و روز و وضع فصول نسبت دوری یا نزدیکی
استوار در ردی زمین تغییر میکند که در عرض را ردی همین کیفیت بیک عدد مناطق
تقسیم کرده اند از آنست که

۱- منطقه حاره یا محترقه که منطقه است بین دو مدار رأس السرطان و رأس
الجدي خط استوا از وسط آن میگذرد ۰ عرض آن ۲۳ درجه و ۵۵ دقیقه

در دو موقع از سال در این منطقه وضع شده آفتاب عمودی و در مواقع دیگر خیلی
 نزدیک بخد عمود است بهین جهت حرارت آن در تمام مدت سال زیاد است
 ۲- منطقه معتدل که شمالی - بین ابرر اس الرطان و دایره قطبی
 شمالی منطقه معتدل که جنوبی بین ابرر اس الجدی و دایره قطبی جنوب
 در این دو منطقه تسبیح وقت شده آفتاب عمودی نیست بهین جهت حرارت آن
 در منطقه هم چندان یافیت بعلاوه مقدار حرارت هم در مواقع مختلفه
 تغییر نمینماید و فصول اربعه را احداث میکند

عرض هر یک از مناطق معتدل ۲۳ درجه و ۵ دقیقه است

۳- قسمت نظرف هر یک از دو دایره قطبی به منطقه منجمده موسوم است
 شمالی را منطقه منجمده شمالی و جنوبی را منطقه منجمده جنوبی میگویند

در این دو منطقه تا قبل از شده آفتاب از

تمام نقاط دیگر زمین بیشتر است

وضع تابش شده از خط عمود خیلی

دور میباشد بهین جهت همیشه حرارت

در مایخی کم است زمستان خیلی طولانی



در دو تابستان کوتاه و بی دوام میباشد و مدت آن از چند هفته تجاوز
 نمینماید. عرض هر یک از این دو منطقه ۲۳ درجه و ۵ دقیقه و ۲ ثانیه است
 اگرچه از روی مناطق ختمه درجه حرارت یک مکان را تقریباً میتوان فهمید
 ولی باید دانست مقدار حرارتی که در یک مکان وجود دارد فقط مربوط به وضع
 تابش شده نیست بلکه عوامل دیگر هم هست که در این امر تاثیر دارند و آنها را در
 آب و هوا ذکر میکنیم

۴- دوایر موهومی

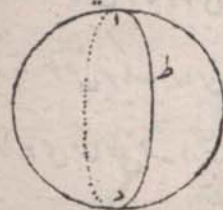
علمای جغرافیا برای آنکه در روی زمین محل نقطه را بدقت بیابند و تعیین کنند
 که چه اندازه از استوا یا از قطب و یا از محل مشخص دیگری فاصله دارد و نیز بجهت
 سهولت نمایش کرده بر نقیصات در روی سطح زمین یک عدد و دایره خیالی فرض
 نموده اند که بعضی از آنها موازی با خط استوا و بعضی دیگر بر آن عمودند این
 دوایر دو قسم میباشد دوایر عظام و دوایر صغار و ما تعریف این هر دو را پیش
 کرده ایم.

دو قسم دایره عظیمه در روی کره تصور میشود: یکی خط استوا که تنها دایره است
 که بر محور زمین عمود و از قطبین بیک فاصله است و دیگر نصف النهار

(۲۶)

دایره نصف النهار دایره عظیمه است که در قطبین بگذرد و دایره استوا

عمود باشد ۱۲



خط نصف النهار نصف دایره
نصف النهار است یعنی نیم دایره است که

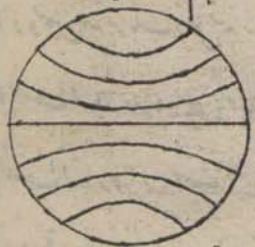
از یک قطب شروع و قطب دیگر ختم میگردد و نصف النهار هر شهر خط نصف
النهار است که از آن شهر بگذرد مثل ادرک نصف النهار طبرستان است

عموم بلادی که بر یک خط نصف النهار واقعند ظاهراً مانند یک آن واقع خواهند شد
نیکو به شرقی و غربی - هر دایره نصف النهار که زمین را به دو قسمت نماید
تقسیم میکند. آن را که در شرق دایره واقع شده نیکو به شرقی و آن را که در غرب
آن اتفاق افتاده نیکو به غربی میگویند چون عدد نصف النهار با منهای است
پس چندین نیکو به شرقی و غربی متساوی بهم ممکن است وجود پیدا کند که بر حسب
هر یک از نصف النهارات وضع استوا تغییر نماید بر خلاف نیکو به شمالی و جنوبی
که چون یک دایره استوا بیشتر داریم بیش از دو نیکو به شمالی و جنوبی متساوی
نخواهیم داشت

مدارات یومیه - مدارات یومیه دایره صغیری هستند که موازی

(۲۷)

خط استوا رسم شده اند و قطر آن با هر قدر بقطب نزدیکتر شویم کمتر شود
مدارات تمام با یکدیگر موازیند و عددها بنام محدودیت ۱۳



تصویر - هر دایره را به ۳۶۰ درجه
در هر درجه را به ۶۰ دقیقه هر دقیقه را
به ۶۰ ثانیه تقسیم کرده برای سهولت

بجهت هر کدام از این تقسیمات علامتی مخصوص قسماً داده اند از این قرار:

برای درجه (۰) برای دقیقه (۱) برای ثانیه (۲) مثلاً ۵۹ درجه
۳۷ دقیقه و ۲۶ ثانیه را چنین بنویسند: ۵۹ ۳۷ ۲۶

نقاط متقاطعه - دو نقطه را متقاطعه گویند در صورتیکه در دو دایره

یک قطر از کره واقع شده باشند مثلاً دو نقطه (د) و

متقاطعه زیرا در طیفین قطر (د) قرار گرفته اند

فاصله دو نقطه متقاطعه ۱۸۰ درجه است

طول و عرض جغرافیائی - برای اینکه در روی نقشه یا کره بتوانیم

موقع صحیح نقطه را بدست بیاوریم باید طول و عرض آن نقطه را بدین

طول جغرافیائی هر نقطه فاصله آن نقطه است بحسب درجه از نصف النهار شخصی

که آنرا نصف النهار مبداء میگویند

چون عده نصف النهار به نهایت است پس هر نصف النهاری میتوان مبداء داد و همین جهت هر یک از محل تمدن نصف النهار مخصوصی را مبداء گرفته اند مبداء اینها خط نصف النهار شهر پارس و مبداء انگلیسیها نصف النهار شهر گرین و یچ و مبداء

نصف النهار طهران است

مبداء قدما مطلق بود که از جزایر خالدهات واقع در مغرب از یاقا جو

میکرده است - امروز نصف النهار گرینویچ تقسیم یا بین المللی است

اگر نقطه که طول آن مطلوب است در مشرق نصف النهار مبداء باشد طول آن را از شرقی و اگر در مغرب آن باشد غربی گویند (طول از ۰ تا ۱۸۰ در مغرب نصف النهار غربی و از ۱۸۰ در مشرق آن شرقی است و هیچوقت ممکن نیست که طول از

۱۸۰ تجاوز کند)

عرض جغرافیائی هر نقطه فاصله آن نقطه است از دایره استوا و جهت درجه پس بوجه این تعریف مبداء عرض جغرافیائی دایره استواست در صورتیکه

برای طول هر نصف النهاری را میتوان مبداء قرار داد

اگر عرض نقاطی را که در روی استوا واقعند صفر درجه فرض کنیم عرض هر یک از

قطب ۹۰ درجه خواهد شد و چون جمع نقاط دیگر کره بین استوا و قطب نقشه اند پس عرض جغرافیائی تمام بین ۹۰ و ۰ خواهد بود و ممکن نیست که عرض نقطه از

تجاوز کند

تعیین موقع یک نقطه در صورت داشتن طول و عرض جغرافیائی آن اگر عرض و طول جغرافیائی یک نقطه در دست باشد موقع آنرا به سولت در روی نقشه یا کره میتوان بدست آورد مثلاً بخوابیم محل نقطه ۱ را که دارای ۲۵ عرض شمال

و ۱۲۵ طول غربی است در سطح کره پیدا کنیم (مبداء طول نصف النهار طهران است)

چون عرض نقطه شمالی است پس این نقطه در شمال خط استوا یعنی در نیم کره شمالی و چون طول آن نسبت به نصف النهار طهران غربی است پس نسبت به طهران در نیم کره غربی است و اگر کره را بتوسط خط استوا و نصف النهار طهران بچار ربع که تقسیم بنماییم نقطه ۱ در ربع کره شمالی غربی خواهد بود حال برای آنکه در همان ربع کره

شمال غربی موقع آنرا بیابیم باید دو کار کنیم

اولاً باید نقطه را که عرض و طول آن ۰ است در روی نقشه یا کره به دست بیاوریم

محل تقاطع نصف النهار طهران خط استوا یعنی نقطه ن است

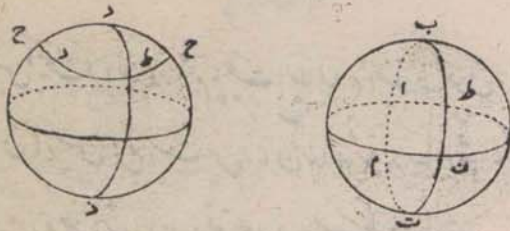
ثانیاً از نقطه ن در روی خط استوا به سمت مغرب نصف النهار طهران ۱۲ مایل میزدیم

(۳۵)

و از نقطه ۱۲۰ یعنی م نصف النهاری مثل نصف النهار بت عمود بر استوا مرد
 و بیسم چون جمع نقاطی که روی این نصف النهار جدید واقع شده اند دارای
 ۱۲۰ طول غربی هستند پس نقطه ۱ هم روی این نصف النهار است و لیست
 معلوم نیست که ام نقطه از این نصف النهار جدید محل صحیح نقطه ۱ است
 اگر از محل تقاطع این نصف النهار با خط استوا یعنی از نقطه م با اندازه ۲۵ بط
 شمال برویم نقطه درست میاید که عرض جغرافیائی آن ۲۵ شمالی و طول جغرافیائی
 آن ۱۲۰ غربی است چون در روی کره نقطه دیگری که دارای این دو
 یافت نمیشود پس این نقطه محل صحیح نقطه ۱ است که دارای ۱۲۰ طول غربی
 و ۲۵ عرض شمالی بوده است

نصف
 ممکن است بطریق دیگر محل نقطه ۱ را بدست بیاوریم که ابتدا در روی همان
 النهار مبداء یعنی د ف ۲۵ از خط استوا بطرف شمال بیایم بعد از این
 که دارای ۲۵ عرض شمالی است مدار میمانند ج ح موازات استوا
 رسم نمایم و در روی آن ۱۲۰ بطرف مغرب نصف النهار د د برویم و در
 صد و بیستی در روی مدار ج ح صحیح نقطه است
 و نقطه یکی شمال و دیگری جنوبی باشد باین ابریکه اگر دود

(۳۱)



اختلاف ساعت و نقطه - میدانیم که هر نقطه از زمین در ظرف ۲۴
 ساعت محیط یک دایره را که ۳۶۰ است طی میکند پس از ۲۴ ساعت به
 محل اول عودت میسازد اگر نقطه در ظرف ۲۴ ساعت ۳۶۰ بر پیماید
 در یک ساعت ۱۵ را خواهد پیمود و همین ترتیب

۳۶۰	۲۴
۱۵	۱
۶۰	۴
۱۵	۱
۶۰	۴
۱۵	۱

از این میفهمیم که اگر دو نقطه دارای ۱۵ اختلاف طول باشند زمان آنها یک
 یک ساعت فرق خواهد داشت و اگر این اختلاف ۱ باشد فرق زمانی ۴ دقیقه خواهد

(۳۲)

مثلاً پاریس پاتخت فرانسه در دم پاتخت ایتالیا اختلاف طول دارد یعنی
 ۸ در شرق پاریس واقع است پس زمان آنها $۸ \times ۴ = ۳۲$ دقیقه باید که اختلاف
 دارد و اگر در رم ظهر باشد ۳۲ دقیقه بعد در پاریس ظهر خواهد شد
 $۱۵ \times ۴ = ۶۰ = ۱$ ساعت از ظهر بقیه اوقات گذشت است

۵ - احوال کره ماه

کره ماه قمر زمین است از خشت حجم $\frac{۱}{۱۶}$ آن می باشد و فاصل آن از کره زمین
 مساوی است با ۶ برابر شعاع متوسط زمین
 ماه نیمه مانند زمین از خود نور و روشنی ندارد و نوری که در شب بر کره
 می بینیم از آفتاب متعکس می شود و بطرف متعکس می نماید
 ماه در مدت ۲۷ شب از روز و شب ساعت یک دور بر کره زمین می گردد و چون
 تقریباً در همین مدت هم یک قمر به دور می رسد از مابقی زمین پس چوخت
 بیشتر از یک طرف از او ببینند

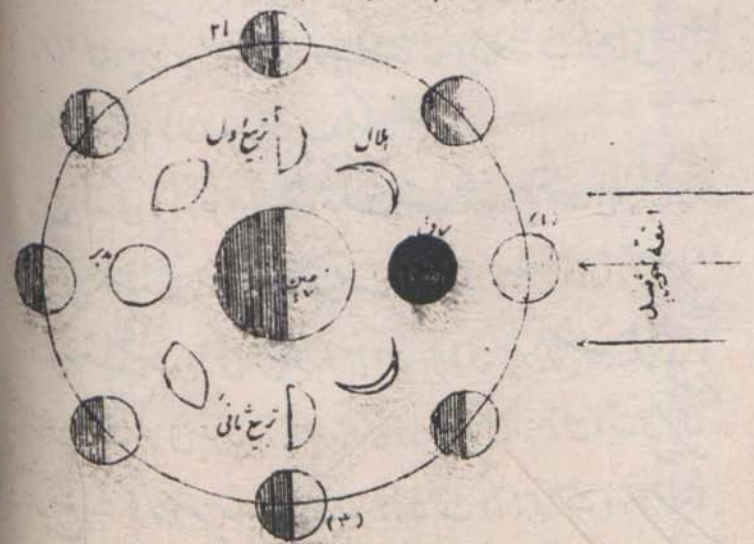
اهل قمر - وضع ماه همیشه در نقطه ای از زمین یکسان نیست بلکه در مدت یک
 قمری که مدت آن قریب ۲۹/۵ روز است ماه بجا شکل عمده دیده میشود که
 برای تبدیل هر یک از آنها بیکدیگر هفت شبانه روز مدت لازم است این چنان

(۳۳)

شکل عبارتند از هلال - تربیع اول - تربیع - تربیع ثانی
 هلال - در این صورت ماه در افق مغرب شکل ناخن بریده و بعد از غروب
 آفتاب دیده میشود و جزو آن بطرف مغرب است
 فرض میکنیم (د) کره زمین (خ) شبه خورشید و (م) کره ماه باشد در حالت
 (۱) چون از کره ماه بیشتر از نصف بطرف خورشید میت خورشید هم همان نیمه تاریک
 روشن نمیکند اما باید دانست که از آن کره نیمه تاریک آن موجد زمین است
 پس مابقی زمین از زمین آرزو می شود و رویت کنند این صورت اگر محقق می شود
 در شبهای ۲۹ و ۳۰ وجود پیدا میکند
 پس از آنکه ماه از محل اول خود حرکت می نماید و به تدریج قسمتی از نیمه تاریک
 داخل روشنی می شود و در عوض قسمتی از نیمه روشن را در تاریکی می بینیم
 در این وقت قسمت تاریکی از نیمه نوری آن را مابقی زمین می بینند و این قسمت تاریک
 همان است که هلال میگویند و اولین اول رویت هلال را اول ماههای قمری میگویند
 تربیع - کره (م) بعد از هفت روز از حالت (۱) بحالت (۲) می آید در
 حالت (۲) از نیمه روشن ماه یک ربع و از نیمه تاریک آن هم یک ربع موجد زمین است
 پس مابقی زمین یک ربع آنرا بیشتر نخواهند دید و این صورت را در شبهای ۲۷ و ۲۸

(۳۴)

رودیت می شود تریج اول میگویند و تریج دوم که در حالت (۴) اتفاق افتد
نظر حالت (۲) یعنی تریج اول است فقط در حالت (۴) ربع مری غیر از
ربعی است که در حالت (۲) رودیت می شود
بدر - حالت (۳) را که نیمه روشن ماه بتامی مقابل زمین است و ماهی که
ارض آنرا مشاهده میکنند در میگویند و این حالت در ماه ظاهر میگردد در
کریه ۱۲ ساعت بعد از آفتاب غروب خواهد کرد



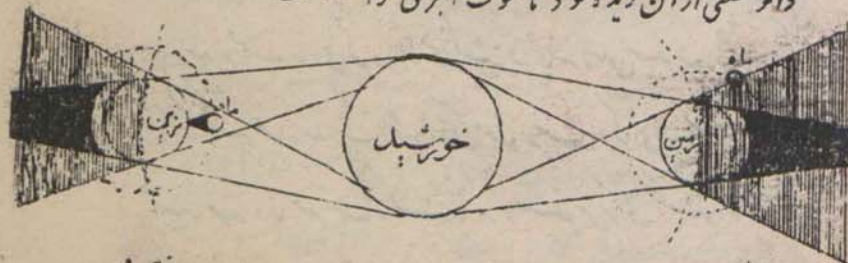
خوف و کوف - می بینیم که بر گاه جسم کروی بین یک جسم نیز دیگر جسم

(۳۵)

دیگر که از آن کب نور می کند قرار گیرد و این جسم از رسیدن نور از جسم دیگر
دیگر جلوه گیری می نماید و سایه در جهت مخالف بر روی آن می افتد مثلاً اگر کره (خ)
را منبع نوری فرض کنیم که کره (م) از آن کب نور می نماید در صورتیکه جسم کروی
مثل (ذ) مابین آن دو فاصله شود این کره ثالث از رسیدن نور کره (خ)
کره (م) جلوه گیری می نماید و سایه (اب د) را که شکل مخروط است بر روی آن می افتد
این سایه مخروطی را مخروط ظل
میگویند پس حال اگر ماه بین



زمین و خورشید فاصله شود
یعنی نگذار که انداخته خورشید بط زمین دارد آید تا قسمتی از آفتاب دیده نشود و آنجا
را گرفتگی آفتاب یا کوف خوانند اگر تمام جرم خورشید مری نباشد کوف کلی
و اگر قسمتی از آن دیده شود یا کوف جزئی خوانند پس



دقی که بعکس زمین بین آفتاب و ماه فاصله شود ماه در مخروط ظل زمین می افتد و

نموده. خوف نیز ممکن است جزئی یا کلی باشد مابقی قسمتی است که جرم با کوه و دره
غل زمین داخل کرده و در جریا موقعی است که یک قسمت آن داخل محوطه زمین و
دیگر آن خارج باشد

قسمت دوم

جغرافیای طبیعی

اصل کوه زمین - بموجب فرض چندین از علماء که مشهورترین ایشان
لاملاس (۱۷۴۰-۱۸۲۷) خوانوی است کوه زمین در است از
آفتاب بوده و از آن کوه جدا شده
در زمانیکه زمین را آفتاب جدا کرد و یکی بخار که در اوج ارت فوق العاده بود
این ارت به روز زمان نقصان حاصل کرد و قسمت خارجی کوه ابتدا از مایع و بعد
جامد شده و قسمت خارجی کوه را که مجامع کشته قمر جامد زمین میگویند و قسمت مرکزی
از آن اکثر عمل عذاب بدون آن معتقد نبسته مرکزی یا تپش مرکزی
مینامند و ما معتقدیم این رشته جامد و بسته مرکزی کهنه و خوابیم
نمود

از وسط زمین تا سطح سطح است. اول طبقه بخار یا جو (آتمسفر) دوم
طبقه مایع یا اقیانوس سوم طبقه جامد یا خاک قدامی ما بر یکساز این
طبقه را بلفظ کوه یاد میکردند و ما هم در اینجا اصطلاح ایشان را حفظ مینماییم
طبقه هوا که کلی است که از اطراف زمین را احاطه کرده است ولی کوه آب
که در زیر کوه هوا و ردی کوه خاک قسمی را گرفته بواسطه نامسواری خاک در
قسمتهای منقطع کشته خاک از آن خارج شده و خشکی را تکمیل داده است
۱- کوه هوا

اجزای هوا - هوا سیکه کوه زمین را از اطراف احاطه کرده و مخلوطی است
از چند بخار که دو بخار از آن جداست یکی ازت و دیگری کثیر
مقدار این دو بخار در هوا مساوی نیست بلکه در ده اجزای هوا ۷۹ جز ازت و ۲۱
کثیرن است غیر از کثیرن ازت بخارات دیگر نیز در هوا وجود دارند که قسمتی
اند رید که رنگ است که از سوختن اجسام قابل حترق و آتش فشان
بهم میآید و همین جهت در نو آتش فشان در مواقع رستان بالای شهر تیره
از نقاط دیگر است دیگر بخار آب که از اجزای اصلی هواست و در آنهم
همه جایگان میباشد

(۳۸)

چون این رسته تجزیه آب است عموماً در وی یا از خشکی در قسمتهای مجاور
از طبقات بالاتر و در تابستان از رستان بیشتر است

اندر یک کره یک در جزایا چندان مورد توجه نیست از بخارات آرایا
مخصوصی است و همین جهت در موقع جو باران توجه خواهم کرد
ارتفاع کره هوا - ارتفاع کره هوا دست معلوم نیست بعضی از
کیلومتر بعضی ۷۵ و برخی ۲۰۰ کیلومتر میگویند ولی این مطلب ثابت است که در
طبقات فوقانی هوا صعود کنند رقت آن بیشتر شود و همین جهت تقش در آن شکل
امروز بوسیله طائرات و سفاین هوایی ممکن است در هوا صعود نمود لیکن
شدن این بخار در طبقات بالاتر و بعضی کیفیات دیگر بعمل اقدم بقدم شکل
و همین سبب اکنون نوشته اند چندان زیاد در آن صعود کنند، آخرین حد
که در ۱۹۱۹ پیوده شده (۱۰۱۰۰ متر است) و این نسبت بعضی است که
قابل ملاحظه میباشد

وزن و فشار و حرکت هوا - سابقاً تصور میکردند که هوای جوی
وزن و فشار نیست لی بعد از آنکه در سال ۱۶۴۳ میزان الهوا (بارومتر) را
کرد ثابت شد که هوای هم دارای وزن است و هم صاحب فشار

(۳۹)

وزن هوا در وی یک قسمت از سطح افقی برابر است با فشار یک از هوا بر آن
دارد میاید. و از علم فزیک بوسیله تجربه ثابت میکنند که فشار هوا بر قسمتی محدود
از یک سطح برابر است با وزن یک تنون بخار جو که فاعده آن همین قسمت محدود
دارد قاع آن برابر با ۷۵ سانتیمتر باشد

فشار که از هوا بر اجسام وارد میاید بسیار زیاد است مقدار این فشار بر یک متر
مربع از فضایی که از کسار دریا واقع باشد برابر است با ۱۰۲۳ کیلوگرم
هوا جوی بسیار است یعنی ذرات آن میتوانند بر وی یکدیگر غلبه نمایند
بخوبی میتوانند حرکت کنند و قسمتهای از آن از محلی محل دیگر منتقل شود
اما رجوی - چون هوای جو دارای بخار آب است و مقدار این بخار آب هم
در همه وقت در همه جای یکسان نیست دائماً بواسطه بعضی کیفیات که بعد توضیح خواهد
کم و زیاد میشود و کم و زیاد شدن آن از ضایع هوای جو تغییر میدهد و همین
وجود دارد و برای فشار حرکت هوا

از تغییر مقدار بخار و فشار و حرکت هوا و حالات مختلف آنها آثاری بر ذرات
که آنها را آما رجوی میگویند و این آثار یعنی باد و باران و غیره است
در زندگی انسان موجودات زنده و دیگر حالات کلی دارد و همین علت قابل

(۴۰)

بعد از آنکه در کث آب هوا خواهد آمد.

اهمیت هوا - هوا در زندگی موجودات زنده و ادخال سطح زمین است کلی دارد و اثرات عمده آن از این قرار است.

۱- اگر هوا وجود داشت در موقع طلوع حرارت آفتاب تا فاصله اثر می کرد زمین گرم می شد و در موقع غروب بعکس یکبار سطح زمین سرد می گردید تمام حرارتی که در ظرف مدت روز وارد آمده پس از آنکه فاصله یک مرتبه بیشتر می رفت آنوقت وجود در موقع تابش می گدازد که تمام شد آفتاب زمین برسد و سطح این کره زیاد گرم شود و در موقعیکه آفتاب از افق ناپدید می گردد بعکس می شود که تمام موجود در سطح زمین از آن خارج گردد و بار این هوا برای کره زمین بمنزله پوششی است که از عبور نوری حرارت جلوگیری می کند و همیشه تعدای از کره مارا در خود نگاه میدارد.

۲- هوا نوزد انعطاف می که آفتاب بر آن تابیده باشد پراکنده نماید و همین جهت آنرا روشن می سازد و علاوه سبب انتقال صوت از محلی بمن دیگر می گردد.

۳- بواسطه احداث آتار جوی (باد باران بر و غیره) در زندگی موجودات زنده و ادخال طبیعی سطح زمین اثر می کند.

(۴۱)

۴- عناصر مرکب کننده هوا مخصوصا اکسیژن داریت انیدرید کربنیک نوزد اثرات عمده در حیات موجودات حیه دارند و چنانکه میدانیم زندگی مابته با اکسیژن است که بواسطه عمل تنفس می گیریم اگر یک خطه اکسیژن بدن ما زنده حیات در خطر است بعلاوه اگر اکسیژن نباشد عمل احتراق تبسج و صورت نمی گردد و دیگر نوزادان هیچ ممکن ازت انیدرید کربنیک برای زندگی نباتات و نورستینا از لوازم می باشد و بی وجود آنها حیات نباتات و چارمخاطره می گردد.

باین ترتیب می بینیم که هوا از عوامل عمده است در زندگی انسان و موجودات زنده دیگر بیش از همه چیز دخالت و تاثیر دارد.

۲- کره آب یا اوقیانوس

کره آب یا اوقیانوس مجموع آبهای سطح زمین است که خشکی در بعضی قسمتها از آن بیرون آمده و زمین به این جهت از آب جدا می شود.

این کره از ۷۱ میلیون کیلومتر مربع که وسعت تمام سطح زمین است قریب ۷۰۴ میلیون کیلومتر مربع را شامل است باین جهت سطح خشکی ۳۶ میلیون کیلومتر مربع است و سطح آب سه برابر سطح خشکی است.

اوقیانوسها - خشکی ها که از داخل کره آب سر بیرون آورده اند به قسم

(۴۲)

تیم میوه قسمتهای بزرگتر از بریا قطعه و قسمتهای کوچکتر از جزیره میانه
 عدد جزایر کوچک معلوم نیست شماره آن خیلی زیاد است ولی برابری
 خشکهای بزرگ عبارتند از همان سه بر قدیم و جدید و جنوبی که شامل قطعات
 خندان - این و آن سه قاره هم در طرف قطب جنوب گشت شده که هنوز احوال
 کوچکی مشخص نیست

آنها نیز که بین خشکهای سطح کره قرار گرفته اند برای سهولت کار اصطلاح و اعتبار
 دیگر تقسیمهای چند تقسیم کرده اند. تقسیمات را که سلطان و سعت بیشتر دارد و بین
 برای قرار دارند محیط یا اوقیانوس و قسمتهای کوچکتر را دریا یا خلیج
 میگویند. دریا و خلیج باید یک چیزند آن تفاوت ندارد فقط دریا بزرگتر است
 یک قطعه خشکی جلورفته باشد بالاخص خاص خلیج میخوانند

در سطح زمین پنج اوقیانوس وجود دارد که از جهت مساحت و کیفیات دیگر خیلی با یکدیگر
 متفاوت اند از این قسمتهای

اوقیانوس کبیر	دست	۱۷۵۶۰۰۰۰۰۰	کیومتر مربع
اوقیانوس اطلس	"	۸۸۶۰۰۰۰۰۰۰	"
اوقیانوس هند	"	۷۴۰۰۰۰۰۰۰۰	"

(۴۳)

اوقیانوس منجمد شمالی ۲۵۴۰۰۰۰۰۰

اوقیانوس منجمد شمالی ۱۵۲۰۰۰۰۰۰

۱- اوقیانوس کبیر یا ساکن بین آسیا و امریکا و اوقیانوس شرقی دارد و غیرت
 اوقیانوسها و بستنهای بانه از هر تمام خشکی است و قریب ثلث سطح زمین را پوشانده
 علت آنکه از ساکن میگویند آنست که طوفان آن کمتر دیده میشود. عدد جزایر
 داخلی آن خیلی زیاد است

۲- اوقیانوس یا محیط اطلس بین اروپا و آفریقا و امریکا واقع شده و جزایر
 در آن وجود دارد و دلی بجا و خیلی آن بالنبه و وسیع و تمام است. علت آنکه آن
 با اسم اطلس خوانده اند آن است که سلسله جبال اطلس (در ایتالیای شمال غربی)
 در مجاورت آن کشیده شده.

۳- اوقیانوس هند چون مجاور هند است باین نام موسوم شده و بسیار
 از قبیل اوقیانوس شرقی محدود است. جزایر این اوقیانوس چند
 زیاد نیست ولی طوفانهای آن شدید است

۴- اوقیانوس منجمد شمالی و اوقیانوس منجمد جنوبی اولی در طرف
 شمال و دومی در طرف جنوب واقع شده. چون در این نواحی حرارت خیلی

(۴۴)

کم است آب اوقیانوسها و انما بنجد و عبور در دریاها بنایت شکل می باشد
اعماق اوقیانوسها - انالی نواحی مجاور دریا از خیلی قدیم بابت اوقیانوس
و جمع آوری اطلاعات این باب پرداخته اند ولی قدامت فهم علمی از چندی
پیش شروع شده و بسوز از ابتدا ای آن نیم قرن گذشته است
امروز اطلاعات دقیق و علمی ارجح بر حدس و شوری و وضع تخیلی
و جنس موجودات و اغذیه های اوقیانوسها موضوع علم مخصوصی است که آن
علم اوقیانوسها میگویند و جمع آوری اطلاعات برای تکمیل این علم
بوسیله یک عدد آلات مخصوص انجام میگردد که کشتیها و ایستگاههای مخصوص آنها
بجای احوال اوقیانوسها سپردند

از روی تحقیقاتیکه تا کنون بعمل آمده ثابت شده است که عمق دریایا صاف و یکنواخت
نیست بلکه اقلام نامساویهای و پستی و بلندیهای نظیر پستی و بلندیهای سطح
دریاز آب دیده میشود. این نامساویها از جهت ارتفاع و عمق باید که فرق
یعنی در بعضی قسمتها ارتفاع بلندیها و عمق که در آنها و در پارچه نقاط بر خلاف آن
اگر ارتفاع بر جنبگیهای دریا خیلی زیاد باشد قسمتی از آن از آب خارج میگردد
و قسمتی از خلل را بکسب میدهد و برعکس که باین نظر میتوان تمام همگی را در ارتفاعی از دریا

(۴۵)

دانست که قسمتی از آنها از آب خارج شده است
اما اعماق اوقیانوسها بیشتر در مقابل و مجاور سواحل کوهستانی و جنگلهای مرتفع
میشود و عمیق ترین آنها یکی که دال نرو است که از اوقیانوس کبیر وجود دارد و عمق
۹۶۳ متر است یکی که دال نزدیک جزایر فیلیپین یعنی ۹۷۸ متر و یکی
قدری از ارتفاع ارفع قله خللی یعنی از ۸۸۸ متر که ارتفاع بلندترین
همایات غیر می باشد

چنانکه گفته شد اوقیانوس کبیر دارای گودالهای عمیق است و یکده از اعماق
آن قریب ۸۰۰۰ متر عمق دارند بعد از آن از جهت اوقیانوس طلستلی
گودالهای آن مانند اعماق اوقیانوس کبیر نیست فقط یکی از آنها از ۸۰۰ متر
تجاوز نمینماید

خواص آب دریا - آب یا از جهت ارتقا و موجوداتیکه شامل
و انقلاباتیکه می بینند با آبهای جاری سطح خللی یعنی آبهای سطح و درون خانه
چندین شیرینیت بلکه دارای اختصاصهای دیگر است که آنم آنها را شیرین است
۱- آب در مباحثات شور و از آب شیرین سنگین تر است بطور متوسط در هر
آن و جز نمک طعام وجود دارد

(۴۶)

هر قدر در دات دریا بیشتر و بجز آن گسترده باشد آب آنم شیرین تر و در عکس انجالت
نورتر است. مثلاً بحر بالستیک چون بجز آب آن کم دور دات آن زیاد است
آب آن در ده ۱۰۰ جزو نیم جزو نمک دارد و در بحر احمر بعکس در ۱۰۰ جزو ۴
جزو نمک موجود است

۲- در جرات سطح دریا تغییر میکند ولی تغییر آن شل و در جرات سطح زمین
شدیدیت و هر قدر در آب دریا سرد و رویم در جرات تزلزل میکند بطور کلی
قدر بعضی جزایلی یک نقطه زیاد تر شود فاصله طبقه آب از سطح دریا بیشتر باشد در
حرارت کمتر است در حالت عکس بیشتر

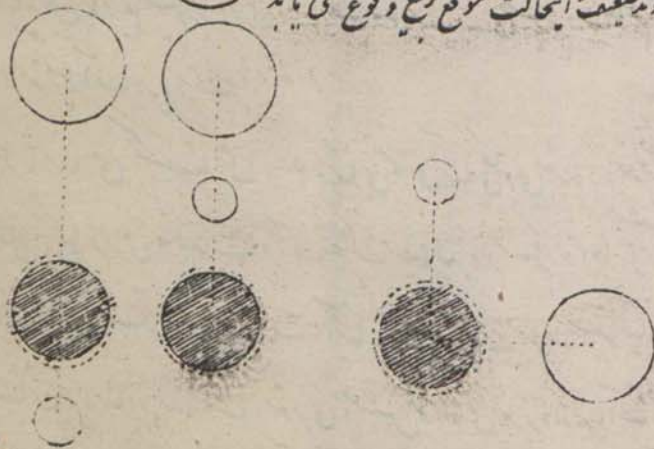
۳- آب دریا ۲ یا ۳ درجه زیر صفر منجمد میشود

۴- عموماً نمک آب دریا آبی است و تجربه ثابت شده که آب دریا شود و دریا
بیشتر از آب آبی جذب میکند بهین جهت نمک آن از آبی تیره تر و در تغییر نماید
حرکات آب دریا - سطح آب دریا کمتر ساکن بماند چه ساهر غالباً با
حرکت آن میشود آن را عبارتند از جزو و دریا نهایی بحر می امواج
جزر و مد - جزو و مد حرکتی است که بر اثر جاذبه خورشید مخصوصاً جاذبه
دو وجود حاصل میکند. آب دریا در مدت ۲۴ ساعت و ده دقیقه دو دفعه بالا

(۴۷)

و دو دفعه پایین میرود و این دو حرکت متعادل و منظم را که هر یک قدری بیش
شش ساعت طول میکشد جزو و مد میگویند

جزو و مد های خیلی شدید و موقع اتفاق می افتد یکی در موقع بروز طغری در سوا
مال این موقع اوقاتی هستند که بجز سیدم کر زمین ماه اقیانوس در وی یک
متعادل باشند و در صورت جاذبه ماه و اقیانوس جاذبه ابهای اطراف زمین قوی
باشد که هر دو متعادل نمایند بعکس در موقعی که اگر ماه و اقیانوس در وی یک خط باشد
یعنی در خطیکه از مرکز اقیانوس ماه بر مرکز زمین وصل میشوند یک اوج و یک گسل بهر دو
و در ضعیف این حالت در موقع ربع و قوس می یابد



ع
ارتفاع
جزر و مد مختصراً با دو قیاس و سه اورد و در دریا های بسته کمتر دیده میشود و اختلاف بین

(۳۸)

خزوه در دریای بازشل او قیاسها چندان محسوس نیست ولی در میان
اطراف آنها ساحل اعظم کرده و خلاف خیلی زیاد است مثلاً در خلیج بومنی
شمال شرقی کانادا) غالباً ۲ متر اختلاف بین جزر و مد حاصل میشود
امواج - امواج هر کاتی هستند که بادی بجهت جزر و مد آنها میگذرد در ارتفاع
در هر جای که نیست هر قدر وسعت و عمق دریا زیاد باشد سطح آن برای زدن
باد و امواج در ارتفاع امواج زیادتر میشود و این ارتفاع ممکن است تا ۳۰ متر
ارتفاع امواج هر قدر زیادتر باشند مایش آن سطحی است یعنی اگر مقدار دریا
دریا پایین برویم همچو جاذبه اثری از قاطع و حرکت آب نمی بینیم و در قاطع
۲۰ متر زیر آب دریا است

جریانهای بحری - جریانهای بحری بهای جاری هستند در داخل
بعضی در سطح و برخی در طبقات زیر آب حرکت میکنند و در حکم رودخانهها
آبهای گرم استوار اطراف قطب یا آبهای سرد قطب اطراف استوای
آب این جریانها از جهت رنگ و شوری و جنس مواد که در بر دارند از آب
متفاوتند و همین علت جریان آنها در وسط او قیاسها بخوبی نمایان ظاهر
تا چند پیش علت تولید جریانهای بحری را نمیدانستند ولی این دانش

(۳۹)

اظهار کرده اند که بجهت وجود آنها و درش باد است مخصوصاً بادای منظم ثابت است
در این امر در حالت میدهند

مهمترین جریانهای آب گرم عبارتند از جریان خلیج (گلف ستریم) که در اقیانوس
اطلس از خلیج گرنیک متوجه ساحل غربی اروپا میگذرد و از کنار انگلیس میگذرد
میگذرد و جریان کوروشیود (نیک سیاه) یا کوروشیود که در قیاس
کبیر از ساحل شرقی ممالک متحد به سمت جزایر فیلیپین و از آنجا بطرف این متوجه
میشود

جریان مؤثر دیگر در اقیانوس هند که در ساحل شرقی هندوستان جاری
میشود و در جنوب غربی هند است که در نزدیکی آب برنگ
میشود و پس از آنکه در شمال غربی جریان یافت به سمت جنوب غربی متوجه هندوستان
جریانهای بحری در وضع آب هوای ممالکی که از مجاورت آنها عبور نمایند خیلی
دارند مثلاً جریان خلیج آب هوای ممالک غربی اروپا و کوروشیود آب هوای
را گرم میکنند و از شدت سردی آنها میمانند و اثر جریانهای آب سرد بر عکس
این قبیل جریانها بکشتی رانی خدمات بزرگ کرده و در شناها حرکت یک عدد
اقوام از نقاط مختلفه بکلیه کربوا سده و وجود آنها انجام گرفته

(۵۰)

موجودات زنده دریا - در نظر اول چنین مینماید که دریا بندهای
جاذبه زیاد داشته باشد و اگر هم از این قسم موجودات متعددی در آن دیده شود
از انواع مختلف باشند بر خلاف تصور آب دریا مساعدترین محیط برای
موجودات زنده ممکن است ای حیوانات و نباتات بسیار است و
بنظر میرسد که زندگی کافی اول دفعه در قعر دریا بطایفه و بعد از آن
بخش انتقال یافته باشد

در خشکی چنانکه بخوبی واضح است هم نقاط از برای زندگی مساعد نیست اگر موجودات
چندی باشند که بتوانند در نواحی غیر مساعد زیست نمایند عدد آنها چندان
نیباشد در صورتیکه در هر عمق از آب دریا انواع مختلف متعده از موجودات زیست
نقاط چون برای شد نباتات و موجودات از عوامل ضروری است نباتات در اعماق
میروند که نور آفتاب با آنها میرسد و چون این نور نمیتواند بیش از ۵۰ متر عمق
دریا پائین و منطقه رستن نباتات دریائی از حوالی سطح دریا تا ۵۰ متر عمق
و تقریباً بیشتر از آن جنس خورده می شود

حیوانات دریائی جنسی مختلف بعضی از آنها بقدری چابک اند که باید آنها را با
بینای قوی شاهده نمود و جثه آنها بقدری ضعیف و خرد است که چندین

(۵۱)

آن یک گندم وزن حاصل نمیکند بعضی دیگر مانند زبزرگند که در روی خشکی بزرگی
عظمت آنها حیوانی دیده میشود مثلاً بالین که یکی از آنهاست قریب ۲۰ متر طول
وزن جثه آن برابر با وزن ۲۵ فیل و یا سر کاه و یا ۱۳۲۳ نفر شخص متوسط
است

بطور عموم حیوانات دریائی مجاور سطح دریا تا ۲۰۰ متر عمق بیشتر ماهیهای
و صدف از ۲۰۰۰ متر تا ۲۰۰۰۰ متر حیوانات عظیم الجثه مثل بالین و ماهیهای
و در اعماق خیلی کم بعضی از ماهیهای خیلی غریب و حیوانات کوچک بسیار
دقت است

اهمیت دریا - اهمیت وجود دریا برای زندگی کافی موجودات زنده سطح
خشکی که اتم آنها انسانست بقدریست که میتوان زندگی این موجودات را
بر آن دانست یعنی گفت اگر دریا وجود داشت در سطح خشکی موجودات زنده باقی
نماند اینک توضیح این امر :

۱- آب دریا بواسطه اثر حرارت بخار میشود و بخارات آن شکل ابر روی خشکی
فرامیگیرد و سرمای هوا برای زبور را باران تبدیل میکند و قطرات آنرا
که مایه زندگی برای همه موجودات زنده محبوب میشود بر سطح خاک میریزد و همین

است که حیات جاندارهای خشکی را از نباتات و حیوان انسان خط نکند
آنها را همیشه زنده نگاه میدارد و بعد از آن شکل منور و شاد در وی خشکی را
میسازد و از آنرا هم خواهد بی نشان میرساند و این سگد یعنی خواهدی که بشر از او
فایده حاصل میکند مطلب قوی است که در جای خود ذکر خواهد شد

۲- دریا سبکترین طرق ارتباط است یعنی ملکی که بر آب از خشکی است با چنان
قدیم برای حمل و نقل اموال التجاره ارتباط مل تمدن با یکدیگر طرف توجه است
انسان قسرا گرفته و برودی از آن همسرتین خواهد یعنی ارتباط مل مختلف
یکدیگر و معادله مال التجاره انتشار تمدن درودی زمین عاید گردیده
یقین است که اگر دریاد وجود داشت تمدن باین سرعت در عالم انتشار نمی یافت
و این ترقی و آبادی که امروز در عالم شایه میشود پیش نمی آید

۳- انسان بواسطه حیوانات بحری (ماهی - صدف - اسفنج) حصول
مرجان و دریا را از دریاستفاده های عظیم دیگر می یابد

۴- بواسطه کشیدن کبرشته سبهای تحت البحری مخابرات بین قلهات مختلف
خشکی با یکدیگر بهتر از طرق ارتباطیه بری انجام میگردد

۵- چون آب در تمام دریاها یک سطح می یابد سطح دریا میزان سخن ارتفاع نقاط

سطح زمین است با چنانچه معمولاً ارتفاع آن اخصر میگردد و ارتفاعات دیگر را با
می سنجند

۳- کره خاک

کره خاک مانند کره آب هوار و سطح نیست بلکه هموار بسیار پستی و بلندبها
دارد که آنرا از بسیاری جهات از دو کره هوا و آب ممتاز مینماید
وجود همین ناموار بسیار باعث شده که آب در قسمتهای پست تر خاک جمع آید و
او قیاسها را تشکیل کند

قسمتی از کره خاک که از آب خارج است و خشکی نامیده میشود دست چندان
مزار و از جهت مساحت ثلث سطح کره زمین محبوب میگردد

با وجود این اهمیت کره خاک از همه جهت بیشتر است زیرا تنها همین قسمت از
زمین است که ممکن خاطر انسان میباشد و چون کره زمین از جهت موضوع
جغرافیا است که ممکن انسانست باین نظر غیر مباحثات علم جزا فیا بکره خاک
راجع میگردد

تقسیم خشکی - تمام قسمتی که از آب خارج است و تشکیل خشکی را میدهد در
تقسیمات بلاد آب و قیاسها از اینچند قسمت تقسیم مینماید

(۵۴)

خیشکهای بزرگ سطح زمین ابر یا قاره و خیشکهای کوچکتر را جزیره میگویند
۱- در سطح زمین سه بزرگ وجود دارد این سه بزرگ پنج قطعه تشکیل
برادرل بر قدیم است که بزرگترین براری است و باقیمانده بر قدیم میگویند
قدما فقط همان قاره را می شناساختند و از وجود براری دیگر خبر نداشتند
آن ۸۲ میلیون کیلومتر مربع و شامل سه قطعه :

در سمت شرق آسیا وسعت ۴۲۰۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع

در جنوب غربی افریقا " ۳۰۰۰۰۰۰۰۰ "

در مغرب اروپا " ۱۰۰۰۰۰۰۰۰ " رتف

بر جدید یا نیکی دنیا بر سطحی است که یکی از ملایمین ایتالیایی ترا دوسوم بر
کلمب (۴۳۶) - (۱۵۰۶) آنرا در سال ۱۴۹۲ میلادی کشف

کرده بهین جهت بر جدید یا (نیکی دنیا) دنیای جدید معروف گردید این بر
شامل دو قطعه است

آمریکای شمالی وسعت ۲۳۰۰۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع

آمریکای جنوبی " ۱۷۸۰۰۰۰۰۰ "

بر جنوبی یا قاره جنوبی بری است که بکلی در نیمکره جنوبی قرار گرفته و دو
قسمت

(۵۵)

آنها همین است این قسمت از خشکی شامل عده زیادی جزایر بزرگ و کوچک است
که مساحت مجموع آنها با تمام جزایر ماری قریب ۱۱ میلیون کیلومتر مربع باشد
چون عموم جزایر آنرا با قیاس از اطراف احاطه کرده آن را با قیاس
یا عالم بحری مرسوم نموده اند بزرگترین جزایر آن استرالیاست که تقریباً
۷ میلیون و نیم کیلومتر مربع مساحت دارد

۲- جزایر خیشکهای هستند که آب از همه طرف آنها را احاطه کرده و رابط آنها
با خیشکهای بزرگ قطع نموده است . این جزایر بیشتر در نیمکره جنوبی مخصوصاً در قاره
آمریکای جنوبی دارند و ما در جنبه افای و قیاسی سه شش آنرا را بیان خواهیم
کرد

تأثیر کره هوا و آب در خشکی - کره خاک که ممکن انسان در روی آن
قرار دارد چون محصور در کره هوا و آب است اما در تحت تأثیر آن دو
کره واقع می باشد

برای آنکه احوال کره خاک بخوبی معلوم باشد و حل استیج اوضاعی که در سطح
آن اتفاق می افتد واضح گردد و دانستن تأثیرات این دو کره لازم است
کره هوا بواسطه آثار جوی یعنی باد و باران برف و غیره در اوضاع سطح خشکی

(۵۶)

میکنند بعلاده بواسطه دخالتی که در تنفس موجودات حیوانه انتقال حرارت می‌نماید
و غیره دارد شدت در اوضاع خشکی موثر می‌باشد
که آب نیز در خشکی بهین نوع تاثیر دارد. از بکلاف میسر باران بخار آب
موجود در هواست و از طرف دیگر گازه‌های گوناگون است باعث یک نوع تغییرات
نمایان می‌گردد و بعلاده در اوضاع مکنه سطح خشکی دخالت عظیم دارد
بهمان وجه که در کوه‌ها و آب در خشکی تاثیر دارند خشکی هم در هوا و آب موثر است
ولی تاثیر آن نسبت به تاثیر هوا و آب اهمیت چندانی ندارد
و اوضاع حایه سطح زمین پس از احوالی که علم جغرافیا آنرا موضوع در مطالعه
از نتیجه تاثیر این سه گانه در یکدیگر حادث شده و چون آن تاثیرات نامرئی که در
وجود است باقی خواهد بود همیشه و اوضاع سطح زمین تغییر می‌یابد و انسان موجودی
که در میان این اوضاع تغییر باید زندگی کند
اما حال نسیم - چنانکه ذکر شد حالیه نسیم سطح زمین در تحت تاثیر یک نوع
حوال و قوای است که داماد وضع آن را تغییر می‌دهند و وجود این احوال و قوای
بر دوزناده می‌شود که آنرا آثار حالیه می‌گویند
تغییراتی که در در طبقه‌های زمین بطور مستمر از دو مبداست و یک نوع تغییراتی که

(۵۷)

بر باده و احوال قوای خارجی از قبیل باد و باران و تابش آفتاب و غیره است
دیگر تغییرات یا آثار مربوط به داخل زمین
مهمترین آثار مربوط به داخل زمین عبارتند از زلزله و آتش فشان
زلزله - سطح زمین که ظاهر آن ساکن می‌نماید همیشه در جنبه ساکن نیست بلکه در تمام احوال
از تعاشات سخت و ملایم متزلزل می‌باشد. این نوع از تعاشات
زمین لرزه یا زلزله می‌گویند.
در موقع زلزله سطح زمین تکانه‌های عظیم حاصل می‌کند که پس از آنکه مدت کمی می‌گذرد
ولی گاهی هم بهمان حال باقی می‌ماند.
مرکزی که در آنجا زلزله زیاد دیده می‌شود عبارتند از مجمع‌الجزایر ژاپنی و دریای
و حوالی دریای مدیترانه و جزایر فیلیپین و امریکای مرکزی
اثر از تعاشات سخت زلزله در سطح اوقیانوسها هم مشاهده می‌شود و قوه انتشار آنها
بقدری است که در زلزله‌های ساحل شرقی اوقیانوس کبیر آبهای ساحل
غربی آن دچار تزلزل می‌گردد
آتش فشان - کوه آتش فشان کوهی است مخروطی شکل که از دانه آن بخار آتش
کوگردی و مواد مذاب و شعله‌های بیگردد.

آتش فشان بر دو قسم است: مشتعل و خاموش. مثل کوهی است که باتش فشان
مشتعل باشد و مواد مذاب بخارات از دهانه آن خارج گردد. و خاموش کوهی
کوهی است که از این آثار محسوس شده باشد.

عدد آتش فشانهای سطح خشکی نجومی معلوم نیست تا کنون قریب ۸۰۰ عدد از آنها
شماره اند که از این عدد قریب ۲۷۰ عدد مثل می باشد.

بیشتر آتش فشانها در سواحل دریا دیده میشوند چنانکه در اطراف اقیانوس کبریک
سلسله آتش فشانهای است که اقیانوس مزبور را حلقه دارد از اطراف آن
کرده اند و مجموع این آتش فشانها را حلقه آتش اقیانوس کبریک گویند
علت صحیح زلزله و آتش فشان در دست معلوم نیست. چون اکثر علما امر و
مرکزی زمین انداد میدانند این دو اثر را هم مربوط بوده و بسته مرکزی میباشد
آثار اصلی و آثار فرعی - عده آثار و تفسیراتی که حایه در سطح زمین
بنظر میرسد مربوط به احوال خارجی از قبیل باد و باران و درجه حرارت و هوای
جو و غیره است.

این آثار چنانکه پیشتر هم گفته شد همه از نتیجه تائیرات سه کره آب و خاک
و هوا در یکدیگر بوجود می آیند بمسلک خود آن آثار هم در یکدیگر تاثیر دارند و

بعضی سبب ایجاد بعضی دیگر میگردند.
از این آثار آنهارا که علت و سبب وجود آثار دیگرند آثار اصلی و آثار
نتیجه و معلول آثار اصلینند آثار فرعی مینامند.

آثار اصلی عبارتند از موقع و جنس خاک و بستی بلند و آب و هوا.
آثار فرعی عبارت باشند از وضع رودخانه ها - وضع هوا
جنس نباتات و حیوانات.

موقع - موقع هر ناحیه عبارت از این است که نفیسم ناحیه مزبور در کجای
قرار گرفته و با کدام نواحی دیگر مجاور است. و این مطلب با تعیین دو مرتبه
اول موقع نجومی دوم عدد در موقع نجومی هر ناحیه همان عرض و طول جغرافیایی
یعنی فاصله درجه آن ناحیه از خط استوا و نصف النهار میباشد است طول جغرافیایی
در ادضاع طبعی یک ناحیه مسجوبه دخالت ندارد و با نتیجه چندان بدین
آن نتایج نیستیم لیکن برخلاف عرض جغرافیایی نهایت اهمیت ادا دارد
زیرا از دانستن آن معلوم میشود که ناحیه مزبور نسبت بخط استوا یا قطب چقدر
فاصله دارد و همچنین نکته میفهماند که تابش اشعه آفتاب در آنجا بچه وضع و درجه
حرارت و فصول و اختلاف شب و روز آن بچه نوع و بچه نسبت است.

(۹۰)

مقصود از تعیین حدود هر مملکت این است که بدانیم آن مملکت با چه نواحی با چه عوارض
طبیعی مجاور است. اطراف آن را که در رودخانه و دریا گرفته با ممالک آباد
در جمعیت یا مسکن قابل بروی و حشی با آن مجاورت دارند
اگر حد و مملکتی را عوارض طبیعی از قبیل دریا و رودخانه و کوه مشخص کنند آن
طبیعی گویند و اگر بر خلاف مردم از اوسیل قرار داد و خطوط خیالی تعیین نمایند
آرکیسای نامند

یکی از اموری که علامت حسن موقع یک ناحیه شمرده میشود دست داشتن آن ناحیه
بر ریاست نیرو ادبیا مناسبتین و سهلترین طرق ارتباط با خارج است اما
نواحی مجاور آن سهولت می توانند با ممالک دیگر دریافت و آمد و داد
کنند بر خلاف مواقع داخله خشکی مثل کوه و صحرای افوق العاده سبب اشکال ارتباط
را فراهم میکنند اگر مملکتی با ممالک متهمه همایه باشد در راه اتصال آنها سبب
محبوب شود خوش موقع و بخت و بر خلاف اگر با مسکن قابل وحشی و غارتگر مجاور
باشد بد بخت و نام درخت است. ممالک نوع اول برودی آبا و توندن نواحی
نوع دوم بکس خراب و محل تاخت و تاز دیگرند

پستی و بلندی

(۹۱)

سطح خشکی همه جا هموار نیست در بعضی نواحی قسمتهای بالنده سطح افقی و در بعضی نواحی
دیگر برجستگیهای عظیم مشاهده میشود. مجموع نامسمواریهای سطح خشکی را پستی و
بلندی میگویند

در سطح خشکی سه قسم پستی و بلندی تمیز دیده میشود: کوه، جلگه و فلات. کوه
۱- کوه - کوهها عبارتند از برآمدگیهای خیلی مرتفع سطح زمین که سطح
هموار نیست و بحسب اختلاف جنس اجزای و شکل با انواع مختلفه دیده میشود
کوهها بعضی تشکیل یک رشته متصل و پیوسته داده و بعضی دیگر شکل سلسلهای
متوازی قوسدار گرفته اند سلسلهای از نمونه نوع اول و جبال مغرب ایران
نمونه نوع دوم است

کوهها در نتیجه چین خوردگی زمین تشکیل یافته اند و چون زمین چندین دفعه چین
خورد پس کوههایی که از چین خوردگیهای اولیه تشکیل گردیده اند از کوههای دیگر قدیمتر
فاصله دو کوه را در میگویند و آن بر دو نوع است دره طولی و دره عرضی دره
طولی آنست که در امتداد کوه واقع شده باشد و عرض بکس دره است که سلسله
قطع نماید و با امتداد آن در یک جهت میباشد

۲- جلگه - جلگه زمینی است سطحی و هموار که یا سطح زمین را بجا دو چار چین خوردگی

(۶۲)

نشود و آثار خارجی سطح آن را هموار نموده اند. این قبیل اراضی غالباً دارای ارتفاع خفیفی کم هستند و چون ارتفاع در آن سطح در یکگزیده عمدتاً اراضی پست ترازه ۲۰ متر ارتفاع جلگه میگویند و ممکن است جلگه در سطح دریا هم پست تر باشد.

۳- فلات - فلات یا بنجد زمینی است مرتفع و وسیع که غالباً در سطح رشته کوههای متعدد دیده میشود و ارتفاع فلات از ۲۰۰ تا ۵۰۰ متر تغییر میکند و ۵۰۰۰ ارتفاع قوت است که ارتفاع عالم شود و میشود.

ارتفاع قتل ارض قد و درست است که قریب ۸۸ متر ارتفاع اردوین قد در سلسله هیمالیا که در شمال هندوستان کشیده شده قرار دارد و سابقاً از آنجا بود و دیگری موسوم به کالور نیز از آنجا که ارتفاع یکدند و اوردو ثابت شده که کالور قد دیگریت از هیمالیا که بیش از ۱۴۰۰ متر ارتفاع ندارد.

در زیر آب اوقیانوس نیز سی و بلندی مشاهد میشود و اگر آب اوقیانوسها میشد جبال و فلات و جلگه های که در زیر آن قرار گرفته ظاهر میگردد.

اثر پستی و بلندی - پستی و بلندی اوضاع سطح کره زمین گاهی انسان دارای تاثیرات مهمی است

۱- در یکملکت کوهها و فلات مرتفع از جلگه و دشتها که حرارت دارند و چون

(۶۳)

دارای آب هوای معتدل و باران غیر منظم هستند و اراضی قابل زراعت نیز در آنها دیده میشود و زمین گاهی در آنجا شکل میگیرد و بهین مناسبت و کوهها و فلات چندان زیاد نیست و علاوه بر خلاق آنها نیز خشت و سخت میشود و بنا بر این این قبیل اراضی انسان را از خود دور مینمایند. جلگه با بر خلاف اراضی مزروع کافی دارند و کوهها

محل مساعد و مناسبی هستند باین لحاظ مردم آن نقاط جمع میآیند چنانکه مراکز اجتماعات اولیه نوع بشر جلگه های حاصلخیز بوده اند و در هم گشته شهرهای پر جمعیت در جلگه اوردو است جلگه های با قاتی و بد آب هوا و نام سازگار از این حکم باید خارج داشت

۲- فلات منطقه حاره و بعضی فلات مناطق دیگر قابل مستعد سکونت هستند و حکم مناطق معتدل را دارند (مثل فلات ترکیه و مصر)

۳- فلاتی که کوهستانی اطراف آنها را احاطه کرده اند اغلب حکم بیابانهای خشک را دارند زیرا این کوهستانها مانع از داخل شدن بخار آب بخار آب آنها میشوند چنانکه فلات قوت و ایران بهین حالند.

۴- کوهها با وجود دره های خود مانع عبور و مرور در سبیل میباشند برخلاف جلگه محل ارتباط اقوام با یکدیگر و مراکز تجارت و داد و ستد محبوب میشوند.

علاوه بر کوهها اغلب خالص و از یک نژاد و مردم جلگه برخلاف مخلوط

(۶۴)

در هم میباشند

۵- پستی بلندی چنانکه خواهیم دید در جهت حرارت باران باد و جنس خاک و نباتات تأثیر شدید دارد.

جنس خاک

طبقه خاک یا اصطلاح مهر قلا از جنس اجزای مختلفه جاده زمین از یک جنس اصل نیستند بلکه خیلی مختلف میباشند و اختلاف آنها از چهار جهت است از جهت اصل زمان شکل جنس و خواص.

۱- بعضی از اجزای که قشر جاده زمین ترکیب گردانده اند مواد میباشند که بواسطه اثر آتش فشانی از دهن زمین خارج شده اند این قبیل اجزای اجزای آتش فشانی میباشند (میکویند) زیرا که پس از سرد شدن شکل مندی حاصل میگیرند (بعضی یکبار از شیخ رسوب در زمین شدن مواد آتشی که بر روی یکدیگر رسیده و بر روی هم نشسته اند و شکل بافتن این نوع اجزای اجزای رسوبی یا سبطق میباشند).

۲- عمای معرفه الارض قشر جاده زمین از ابتدای تشکیل تا کنون چهار دوره بزرگ تقسیم میکنند و هر کدام از آنها را که قشرهای متفاوتی بود

(۶۵)

گشاده و در طی آن آثار خارجی و داخلی پیوسته سطح زمین تغییر پیدا کرده عمدتاً میگویند. عمدای چهار گانه از عبارتند از عمد اول و عمد ثانی و عمد ثالث و عمد رابع.

غیر از اجزای اصلی که در ابتدا از سرد شدن قشر خارجی مواد مذاب تشکیل یافته اجزای دیگر قشر زمین از رودی مان تشکیل آنها چهار دسته تقسیم نمایند از آنجا اجزای اولیه - اجزای عمد دوم - و سوم - و چهارم اجزای هر عمد هم بدو دسته تقسیم شوند: اجزای رسوبی و اجزای آتش فشانی

۳- جنس مواد که اجزای تشکیل داده اند با آنکه ممکن است در یک عمد تشکیل باشند خیلی با یکدیگر اختلاف دارد و از همین نظر هم اجزای استیجات چند قسم میآید

اجزای عمد آتش فشانی عبارتند از سنگ ساق و سنگ خنجر و اجزای رسوبی و عمد رسوبی از آنقسمت دارند: گل رس - رمل - سنگ رسوبی - خاک زراعت - سنگ آهک و غیره

۴- اجزای از جهت صفات و خواص با یکدیگر فرسودگی دارند بعضی خیلی سختند (سنگ ساق و سنگ آهک و مرمر) و بعضی بسیار نرم و شکننده (رمل رسوبی) یک عدد از اجزای برای نفوذ آب مساعد میباشند و با اجزای قابل نفوذ

(۶۶)

درل - کج - سنگ آهک (دسته دیگر قابل ترنیش باشد) (بکل رس)
 پاره از اجار چون آهک و فغز یا در دانه برای زراعت گندم و آلبوینا
 (سنگ آهک) و بعضی دیگر بواسطه قلت این مواد چند آن حاصل می نمایند
 (سنگ ساق) بالاخره در میان اجار بعضی رجه تکی که در صنعت بنام آن
 بنامند اهمیت خاص دارند مثلاً یک عده تهیه فرات قیمی میکنند (مطلو و نود)
 و یک عده تهیه فرات مواد متعده بعضی هم تهیه مصالح بنا (سنگ ترش) میکنند
 (کج)

اثر جنس خاک - دانستن جنس خاک یک مملکت برای تحصیل جغرافیای آن
 کمال اهمیت دارد و زیر پس از اطلاع بر احوال جنس خاک است که میتوان عمل
 اهمیت زراعت یا صنعت یا کمی و زیادای آب یا کثرت دریاچه و برکه و
 آبشار را در یک ناحیه ادراک نموده و حقیقت این امور را فهمید بطور کلی
 جنس خاک یک ناحیه علت بسیاری از آن آثار جغرافیائی از بیان میاید

آب و هوا

آب هوا مهمترین عوامل جغرافیائی طبیعی است و اثر آن از هر یک از عوامل
 دیگر در ادضاع سطح زمین و زندگی گانی موجودات دی که بیشتر است

(۶۷)

آب هوا شامل جریات منصل است از اثر سه گانه خاک و هوا و آب در یکدیگر
 تشکیل میگردد.

در مورد تیکه از موقع و جنس خاک و پستی و بلندی ناحیه اطلاع در دست باشد
 میتوان کلیات آب و هوای آن ناحیه را کشف نمود لیکن چون آب و هوا مهمترین
 عوامل است خود در ادضاع پستی و بلندی و جنس خاک و امور دیگر در حالت
 دارد از آن در تحت عنوان مخصوص ذکر میکنیم. آب هوا شامل جزو عده است

درجه حرارت - باد - باران

درجه حرارت - درجه حرارت هر مکان مقدار حرارتی است که در آن
 نقطه وجود دارد و از با آلتی اندازه میگیرند که به میزان آن حرارت که (ترمومتر)
 موسوم است

در درجه حرارت یک مکان چند امر در حالت دارد

۱- عرض جغرافیائی - پیش گفتیم که اشد آفتاب در نقطه حاره نیست
 زمین عمودی میباشد هر قدر که قطب نزدیک شویم تا میل اشعشع بیشتر میگردد و آنجا
 در مناطق قطبی اشد با کوه تماس میشود پس نقاط سطح کره هر قدر از خط استوا
 و نزدیک قطبین نزدیکتر شوند حرارت آنها کمتر میشود یعنی درجه حرارت هر

(۶۸)

نقطه با عرض جغرافیائی آن نسبت معکوس دارد

۲- موقع نقطه نسبت به دریا - در یک ارتفاع موقع تابستان دریا سردتر از خشکی و در زمستان از آن گرمتر است بعلاوه در خشکی تغییر درجه حرارت ناگهانی محسوس در دریا برخلاف در زمینی غیر محسوس میباشد

نقاطی که در نزدیکی دریا واقع شده اند در تحت تاثیر دریا و نقاطی که از آن دور بر اگر بر آری نزدیکند در تحت تاثیر خشکی قرار میگیرند و درجه حرارت آنها نسبت نزدیکی دریا خشکی تابع درجه حرارت دریا و خشکی میگردد

۳- ارتفاع مکان - تجربه ثابت شده است که هر قدر ارتفاع مکان از سطح دریا زیاد تر شود درجه حرارت آن تنزل نماید مثلاً در دوازده گویی نسبت که بالاتر رویم بر سر دی هوا فسرده و دوده میشود بطوریکه در از ابر هر ۱۸۰ متر یک درجه رقیق میزان کسر کرده پائین می آید. بعضی عوامل دیگر مثل جریانهای بحری باد های مرطوب یا خشک و وضع قرار گرفتن نقطه نسبت با قباب نیز در درجه حرارت و حالت و ارزندگی آنها چندان تاثیر ندارد

خطوط متحد الحرارة - اگر در مدت معینی مثلاً در یک روز یا یک ماه یا یک نقطه ساعت باعث یا هر روز یک ساعت بعد از ظهر میزان حرارت در سایه

(۶۹)

بکیم بازاء هر دفعه عدد مخصوصی را بهم یافت که نماینده درجه حرارت آن نقطه در موقع ملاحظه میزان الحرارة است

حال اگر این اعداد را با یکدیگر جمع و حاصل آنها را بر عدد دفعاتی که میزان آنرا را ملاحظه نموده ایم تقسیم کنیم عددی بدست می آید که عبارت از حرارت متوسط آن نقطه در مدت یک روز یا یک ماه یا یک سال است

اگر همین عمل را در جمیع نقاط کرده مداومت دهیم درجه حرارت متوسط آنجا یا میان یا سالانه آنها را می توانیم بدست آوریم اما باید دانست که جمیع این درجات نسبت به یکدیگر با یکدیگر اختلاف اند فقط یک عدد از آنها یکسانند

اگر در روی کره یا نقشه جمیع نقاطی را که دارای درجه حرارت متوسط مساوی هستند به نقطه خطی بیکدیگر وصل کنیم این خط را خط متحد الحرارة (ایزوترم) میگویند جمیع نقاطی که در روی یک متحد الحرارة واقعند حرارت متوسط آنها یکسان است

خطوط متحد الحرارة دو قسم اند: خطوط متحد الحرارة تابستان خطوط متحد الحرارة زمستان متحد الحرارة های تابستان حرارت متوسط نقاط را در تابستان و احرار های زمستان حرارت متوسط آنها را در زمستان نشان میدهند بادها (ریاح) - سابقاً گفتیم که هوا دارای فشار است لیکن باد

(۷۰۰)

دانت که چون هوای گرم از هوای سرد و هوای مرطوب از هوای خشک
سبکتر است پس در تمام نقاط جو فشار هوا یکسان نیست بعضی نقاط دارای فشاری
زیادتر و برخی دارای فشاری کمترند. عموماً نقاطی که دارای فشاری زیادترند یعنی آن
مکانها در فشار خود بر نقاطی که فشارشان کمتر است تحمل گشته بهین نظر هوای سنگین
از محل خود بطرف مکان هوای سبکتر متوجه میشود و چون هوا خود جسیالی
است و ذات آن میتواند بر روی یکدیگر بغیرند این عمل سهولت انجام میگردد
حرکت هوا را برای یکسان کردن فشار باد میگویند پس با عبارت از حرکت هوا
باد نام برده میشوند: بادهای منظم ثابت و بادهای موسمی و بادهای متغیر
بادهای منظم - در اطراف خط استوا چون اشو آفتاب عمودی بطرف
میان برعلاوه بمیان است اینک بشیر خط استوا را در قیاس عبور میکند و تغییراتی
زیاد است بهین جهت دائماً در اطراف خط استوا استوایستوای بخار آب عموداً
بطبقات فوقانی صعود میکند

ناحیه را که این ستونهای بخار از آن متصاعد میشود و بمیان استوا که دارای
هوای آن سالت آرام است ناحیه سکونت استوائی میگویند
پس از آنکه ستونهای بخار آب از سطح زمین بمقت طبعات فوقانی صعود کرد

(۷۰۱)

هوای اطراف بهم میخورد و هوای نقاطی که در زیر دو قطب اطراف دو قطب
بجای در آن سرطان واقع شده اند چون دارای فشار زیاد و در طرف خط
استوا جریان میکنند تا زمانی که فشار خود را بر نقاطی که ستونهای بخار آنها
متصاعد شده تحمل کنند از این ترتیب بادائی تولید میشود که آنها را بادهای الیزه
میگویند

ستونهای بخاری که از اطراف استوا صعود میکنند چون بطبقات فوقانی هوا
صعود کردند به تدریج سرد میشوند و چون سرد شدند بر وزن فشار آنها افزوده
میشود این بخارات پس از آنکه دارای فشار زیاد گردیدند از طرف فوقانی هوا
اطراف و مدار و قطبین متوجه میگرددند تا بر نقاط کم فشار خود را تحمل نمایند این
را چون جهت مخالف بادهای الیزه است بادهای الیزه (۱) مینامند

بادهای الیزه و کتر الیزه بواسطه حرکت
(۱) آیه زبان فسرند یعنی منظم و کتر الیزه چنان
مخالف الیزه است

وضع زمین دارای جهت مستقیم شمالی جنوبی یا جنوبی شمالی نیستند بلکه الیزه ای
نیزه شمالی از شمال شرقی و کتر الیزه ای همان نیمه از جنوب غربی میوزد



(۷۲)

و معکس آینه های نیکه جنوب شرقی و کتر آینه های نیکه و زوار شمال
غربی بطرف نقاط مقصود متوجه شود: ۲۲



باد های موسمی . - باد های موسمی مانند باد های هستند که در موقع
معینی از خشکی بطرف دریا و در موقع معینی دیگر از دریا بطرف خشکی متوجه میگردند
و چون پیدا کردن آنها مربوط با اختلاف درجه حرارت دریا و خشکی است
در تابستان چون سطح خشکی بیشتر از دریا گرم میشود خشکی دارای فشار کمتر و دریا دارای
فشار زیاد تر است باد های موسمی آن فصل از دریا بطرف خشکی میوزند و در زمستان چون
دریا گرم تر از خشکی است عکس این حالت بروز میکند بهین وجه در سواحل دیابش چون
سر در است نیم از خشکی بطرف دریا و در روز چون دریا سرد تر است از دریا بطرف
خشکی توجه مینماید ۲۳

معروفترین باد های موسمی دمای اقیانوس هند است که در تابستان از سواحل
بطرف هندوستان و در زمستان از هندوستان بطرف اقیانوس میوزند

(۷۳)



باد های متغیر . - باد های هستند که در موقع معینی به معینی میوزند بلکه
بسیار قسم نظامی در کار آنها وجود ندارد و اغلب این قبیل باد ها در نیکه شمالی و شرقی
میوزند

گرد و باد ها . - هرگاه دو جسم در میان هوای آلوده متخالف بایند و یکدیگر
تصادف حاصل کنند گرد یکدیگر و در زده از گرد خاک توزه طویلی که دارای حرکت
دورانی است تشکیل میدهند . این قبیل باد ها را گرد و باد میگویند ۲۴



اثر باد در اوضاع سطح کره زمین
باد در اوضاع سطح کره زمین دارای اثر
عظیمی است . گاهی تولید گرد و باد
و طوفانهای مینماید که بسیار خطرناک

(۷۴)

و محتر است و گاهی بر خلاف سبب وجود بارانهای نافعی گردیده بآب
آبادی کمک مینماید.

با دل خشک و بری باشد بهای مجاری میانه باطله قنار خشک میکند و اگر بطوری
و بحر باشد از دریای خشکی بخارات بر آن انتقال میدهد و تولید بارانهای شدید و نا
میناید در قدیم قنار از وجود بادهای نظم موسمی استفاده نموده بای قلم میکشیدند
آنها بیشتر فسیلهای دریائی خود را بخطر انجام میرسانند.

باران. — باران نتیجه رطوبت است به تخریب اشباع و مرشدن بخار
آب موجود در هوا. آبی که در سطح دریا و در دو خانه و دریاچه و دریاچه و دریاچه
بواسطه حرارت آفتاب تبدیل بخار میشود و بسمت طبقات فوقانی هوا صعود میکند تا
تخریب بکونید.

تخریب سطحی هر قدر سطح آب وسیعتر و حرارت زیادتر باشد تیزتر میشود.

بخاراتی که باین ترتیب صعود کرده و مجذب هوا میشوند و هوا چنانکه میتواند از اجذب
یکدیگر و قند و گزند و نتوانست بخار آب اجذب نماید بگویند هوا اشباع شده و هوا چنان
که تر باشد بیشتر میتواند بخار آب را اجذب کند و هر قدر سردتر باشد کمتر.

بعد از آنکه هوا بدرجه اشباع رسید و طبقات فوقانی مانع صعود آن میگردد و بقیه

(۷۵)

از حرارت آن کاسته میشود بهین جهت قابلیت جذب بخار آب متدرجاً از آن سبب و ناچار
بخار آب در از دست میدهد. این بخار آب بتدریج متراکم و سه دشت ابتدا بگل
ابر و در مرتبه دیگر در بعد بواسطه اثر جبال و فشاری که از فوق بر آن ارمیایند با
بارش یا تگرگ تبدیل میشود.

تقسیم بارانها. — مقدار باران بر حسب درجه حرارت نوع و جهت و رطوبت و
و بلندی و نزدیکی و دوری بدریا تغییر مینماید.

۱- درجه حرارت هر قدر بالاتر باشد تخریب تیزتر و در نتیجه باران زیادتر میشود
در منطقه حاره باران از نقاط دیگر بیشتر است.

۲- بادهای بری خشک بادهای بحسری طل بارانند بهین جهت نوع بادها در
باران نقاطی که از آنها عبور مینمایند و حالت دارد.

۳- کوهها عموماً بباران در از مجبور رسد و شدن مینمایند. و از آن جهت
دریا متوجه است همیشه دارای بارانهای شدید و روان است و بعکس از آنکه تخریب
باران بخود نمی بیند مثلاً جبال البرز که بین بحر خزر و عراق حجم کمشده و شده بخار
دریای مازندران بخود جذب نموده سرد مینماید و آنها را در دانه های شالی
خود فرو میرد بهین جهت در گیلان و مازندران بارانهای نافع دنیا و در میرند.

(۷۶)

در صورتیکه دانه های جنوبی آن یعنی طران و جلد های اطراف آن تقریباً از آن
محرورند.

۴- سواحل دریای گتیه از دایره براری بیشتر باران دارند زیرا بخارات دریا
بیشتر از سواحل دریای سرود میانه و کمتر قیوان بر اگر براری برسند.

۵- جنگلهای تیره در وضع باران حالت دارند توضیح آنکه در جهات عمود بر جهت
مجا درخوردن پائین میگردند و بخار آب هوای مرطوب در اطراف خود جلب نموده و باران
تبدیل می نمایند بهین جهت نقاط با جنگل دارای باران میباشند.

نواحی مجاور خط استوا از تمام نقاط دیگر گرمتر است و بیشتر باران دارند و ممالکی که باران
آنها قابل ملاحظه است عبارتند از سودان و هندوستان و جزایر ماری و نواحی
خانه آمازون.

ناحیه چراپونجی (در شمال شرقی هندوستان) از تمام نواحی دیگر گرمتر است
باران دارد و به سبب کثرت باران در این محل بیشتر نیست که چراپونجی در محل درختان
سوسنی و قیونس هند و در آنجا جبال بسیار واقع شده.

آب هوا و اقلیم آن - آب هوا در دو قسم است: معتدل و شدید
و هوای معتدل ثابت است و هوای است که تغییر درجه حرارت بسیار در شب و روز

(۷۷)

در آن کم باشد چون این نوع آب هوا بیشتر در ممالک مجاور دریای شبهه و سودان آب
و هوای بحری هم میگویند.

در آب هوای شدید با مختلف بعکس تغییر درجه حرارت زیاد است به سبب آنکه
قیوت آب هوا بیشتر در دایره براری وجود دارند و آب هوای تری نیز میخورند
در آب هوای تری اختلاف فصول زیاد است یعنی نقاطی که این قسم آب هوا دارند
زمستانشان خیلی سرد و تابستان فوق العاده گرم است در صورتیکه در آب هوای بحری
این اختلاف چندان محسوس نیست.

مناطق آب و هوا - سطح کره زمین از حیث آب و هوا بر پنج منطقه تقسیم میشود
۱- در نزدیکی استوا بین ۵ و ۱۸ عرض منطقه است گرم و مرطوبی و دایره
تجربهای شدید بارانهای فراوان درجه حرارت این منطقه تقریباً همیشه ثابت
بین ۲۵ و ۳۵ است.

۲- مابین ۱۸ و ۳۰ عرض منطقه است خشک در این منطقه تقریباً هیچوقت
باران نیبارد آسمان صاف بی ابر است و درجه حرارت آن تغییر میابد و
طرف ۲۴ ساعت میزان انحراف ممکن است در سایه از ۴ تا ۵ و تغییراتی
این قسم آب هوا در صحرای کبیر عربستان و در بیابانهای که از طوفان بادهای

(۷۸)

بحری محمدوند دیده شود

۳- مابین ۳۰ و ۴۰ عرض. منطقه است معتدل و کم رطوبت دارای حرارت معتدل مایل گرمی و بارانهای محدود و زمستانی مانوس این قسم آب هوا در سال بحر میتراند و جنوب از یقا وجود دارد.

۴- مابین ۴۰ و ۵۰ عرض. منطقه است معتدل و رطوبت دارای بارانهای کثیر در حرارت آن معتدل مایل سردی است. این قسم آب هوا در فصل زمستان و بهار و بعضی نقاط سبزی و رویش و گاه دانه دیده شود.

۵- مابین ۵۰ و قطب منطقه واقع شده که زمستانهای آن سرد و خوف و آن تقریباً هیچ است. تابستان آن کوتاه و منحصراً بچند هفته و اختلاف بین شب و روز بسیار زیاد و در حرارت متوسط این نواحی از ۴۰ تا ۵۰ درجه میگذرد.

وضع رودخانه ها

چنانکه پیش از این ذکر کردیم بخار آب که از سطح دریا بواسطه تبخیر صعود میکند پس از آنکه بطبعات هوا رسید و به ابر تبدیل شد مجدداً بصورت برف باران و برف خشکی فرو می افتد و در آمدن باران و ذوب شدن برفهای قتل جبال سبب میشود که در دریا جاری آب متولد و دریاچه های چند وجود دارد.

(۷۹)

رودخانه هاییک در سطح خشکی شتول جریان دارند از سطح سرچشمه میگیرند اولاً از برفها و بخیلهای طبیعی جبال مرتفع ثانیاً از آبهاییک در داخل زمین نفوذ کرده اند مثلاً از جویهاییک بر اثر ذوب آمدن باران تشکیل یافته.

۱- برفهای بعضی از قتل مرتفع بواسطه ارتفاع جبال نمیتوان تمامی ذوب شوند بلکه یک مقدار از آنها در مدت سال باقی میماند و در زمستان برفهای جدیدی بر روی قرار میگیرد این نوع برفها را برفهای دائمی میگویند.

برفهای موقتی یا ذوب شده بصورت جویهای کوچک در دانه جاری میشوند و باقی توده های عظیم تر اکم با سرعت زیاد در امتداد دانه های جبال سرریز میگردند. این توده های برفی را که از قتل بطرف دانه استوسط میکند و غالباً اسباب جاری کلی میشود بهمن میگویند.

فرد آمدن بهمنها در دانه جبال دره ها و جمع شدن برفها در روی آنها تولید

بخیلهای عظیمی میباشد که در موقع ذوب شدن آب و دانه لک میمانند.

۲- یک قسمت از آب باران در موقع ریزش در داخل خاک نفوذ میکند تا طبقات غیر قابل نشر مثلاً تا طبقه که از خاک رس تشکیل شده فرو میرود و بعد از آنکه آب باقی میماند برسد دیگر نمیتواند از آن فضا تر و با چار در زیر زمین در سطح آن طبقه جریان حاصل میکند.

(۸۰)

این آب و شکل ممکن است از زیر زمین به وسیله نایب کی شکل چاههای آرتزین که با زمین اباالات خصوصی کند تا آب بالا ببرد دیگر شکل چشمه

هرگاه این قیم آبهای زیر زمینی بقدری در زیر زمین جریان کنند که خود را بطبقات بالا و نزدیک سطح زمین برسانند زمین اشکافته اند و اخلاص میجویند و در سطح خاک جوان

میایند این قیم مجاری را چشمه میگویند



هر قدر از این چشمه تا در راه جریان و دخانه

زیادتر باشد مقدار آن افزایش مییابد

۳- آب بارانی که پس از فسد و دانه ن بلا فاصله جریان میکند تولید جویبارها و سیلابها متعدد میسازد این جویبارها و سیلابها یکدیگر متصل شده تشکیل رودخانهها و سطوح مییابند مجاری آب بزرگ در صورتیکه مجاری بزرگتر از خود ملحق شوند برود دخانه و اگر

مستقیم بدون اتصال بسبب هم بدو یا برینند بطور مستمر

نیش و دخانه - نیش و دخانه یا ملایم است یا تند نیش قوی ملایم است که رودخانه در هر کیلومتر بیش از ۱۲ تا ۱۵ سانتی متر نزول نماید هرگاه نزول آن در هر کیلومتر بیش از این مقدار شود نیش را تند خوانند هرگاه این مقدار از یک متر تجاوز کند رودخانه را کوهستانی گویند هر قدر نیش و دخانه تندتر باشد سرعت برود دخانه

(۸۱)

زیادتر و بیشتر برای کشتی رانی خطرناک تر میگردد
نیش و دخانه بیشتر مربوط است بوضع پستی و بلندی ناحیه که در آن جریان نیاید اگر این ناحیه کوهستانی باشد نیش و دخانه تند و اگر بعکس حلقه است باشد نیش آن ملایم خواهد بود

مقدار آب و دخانه - مقدار آب و دخانه حجم متوسط آب است که این در یک مدت معین حاصل میسازد

مقدار آب هر رودخانه در تمام مدت سال یکسان نیست بعضی اوقات آب آن قوی و زیاد و برخی اوقات هم بآب بند کم میشود زیاد شدن آب و دخانه را طغیان میگویند

هر رودخانه را بطول مجرای خود به قسمت میتوان تقسیم کرد قسمت علیا قسمت سفلی و قسمت وسطی قسمت علیا قیمتی است که رودخانه در آنجا تشکیل میشود و این عموماً کوهستانی است و استعداد کشتی رانی ندارد

قسمت سفلی عبارت است از قسمت مجاری و مصب و دخانه این قسمت عموماً زمین قابل زراعت است قسمت بین و قسمت علیا و سفلی را که قسمت دره مجاری رودخانه است قسمت وسطی میگویند

(۸۶)

حوضه هر دو خانه ناحیه البت که شب و دو خانه در آن جوان میاید
مقدار آب هر دو خانه مربوط است بمقدار رطوبت حوضه علیای دو خانه هر قدر
در حوضه علیای دو خانه بیشتر باران بیاید مقدار آب آن زیادتر میشود
چون حوالی استواری ناحیه البت که از تمام نقاط که بیشتر در آن آب فرو میاید و در
آبی پر آب مثل آمازن و گنگو در آن جاری هستند
پر آب ترین و دو خانه های عالم اول آمازن و پس از آن گنگو است
اغلب خطوط اندکی قبل از داخل شدن بر این بجهت تقسیم میشوند و غالباً بیک شش
میدهند که رأس آن بر روی شطرنج دارد و قاعده آن ساحل دریاست
قبل ششها را چون شبهه دال (۵) یونانی است و لذا میگویند
اثر رودخانه در وضع زندگانی - رودخانه در وضع زندگانی
انسانی از چند جهت تأثیر دارد.

اولاً - چون آب و دو خانه برای زندگانی بنای حیوانی لازم است حیات
انسان نیز متوقف باین دو است از این رو مجاری میابان مست
بزرگی میسایند.

ثانیاً - آب و دو خانه در شقوق حکم فوه محرکه را دارد و در دریا و پادریکا

(۸۳)

برای حرکت دادن محرکهای ماشینهای بزرگ بکار میبرند و اگر از خال نسبی
ثالثاً - مجاری میاب و سبکترین و مناسبترین ابهای تجارتی و وسائل ارتباط
و باقی انتقال تمدن و محصولات و مصنوعات غالباً مل از نقطه نقطه دیگر بود
رودخانه را انجام میگیرند.

رابعاً - رودخانه در صحن جبریان و مواقع طغیان مقداری کل و لای اطراف
خود برانگیزد و بکند و این بواسطه از رطوبت و شدن اراضی محب و رودخانه
را برای زراعت منع نمیشاید (مثل حوالی نل)

(وضع ساحل)

ساحل یا کناره خط فصل مشترک دریا و خشکی است. این خط همیشه بیک حالت در بعضی
نقاط مواج آب دریا است ساحل پر آب میکند و اجاری خط ساحل را از آب
کرده است.

باین اصطلاح میگویند و خط ساحل تغییر میساید و در بعضی نقاط دیگر شطایر و دو خانه
یک مقدار رسن و گل و لای با خود بیاورد و این موجب آلودگی دریا و ساحل
منتهی جابرای آن ساحل جدیدی تشکیل میدهند. اگر زمینهای بکر یا منتهی نشود
و بلکه باشد ساحل طبعی پست دریا یا مجاور آن کم عمق خواهد بود و بعکس اگر زمین

(۸۴)

کوهستانی و مرتفع باشد ساحل مرتفع و دریا عمیق شود پس ساحل بر دو قسم است : ساحل
در ساحل مرتفع

ساحل مرتفع هر وقت زمین کوهستانی یا فلات بدریاستی شود ساحل در
عمق نسبی و دیواره اگر اجزای این ساحل از یک جنس به شیبی نرمی و سطحی آهنا بیک
اندازه باشد از تمام اجزای ساحل یک قسم مقام و در مقابل آب بهر خواه رسد
در این صورت ساحل همیشه مستقیم و عمودی خواهد بود برخلاف اگر جنس اجزای مختلف
اجزای آن می توانند با اندازه اجزای سخت مقام کنند در این صورت ساحل بر یکی
و تقاریر آن می شود و چنانچه جزیره و دماغه در آن قسمت وجود می یابد
ساحل پست - ساحل پست همیشه مرکب است از شن و گل و لای که رودخانه
دریا آورده اند آب دریا شنهائی را که از ساحل کند شکل نیم دایره در مقابل ساحل
متوقف می سازند و رودخانه نیز موازی رودی و کجائی را که همراه دارد و در قسمت
این ساحل و این نیم دایره جدید میسرزد و متدرجاً آن فاصله را میسازد و در
اوقات جزایر بهین طبع برابری مربوط و با آنها اتصال حاصل می کنند اگر ساحل
پست باشد آب دریا در مواقع طوفان جزیره بطرف خشکی سرار می شود و از ساحل
فرایکیرد

(۸۵)

برای جلوگیری از پیش آمدن سیل باید جلودریا را تسدبست چنانکه دهند و سوا
شالی آلمان این کار معمول است

از آنچه گفته شد معلوم می شود که ساحل بر سه قسم است : اول ساحل پست . دوم
ساحل مرتفع مستقیم و عمودی . سوم ساحل مرتفع بریده (منقرض) از این
قسم ساحل منقرض در قدیم برای کشتی رانی از سایر اقسام بهتر بود ولی امروز
کشتیهای بخار چندان بریدیکی ساحل اهمیت نمیدهند

جغرافیای حیاتی

چنانکه پیش گفتیم در جغرافیای حیاتی از نباتات و حیوانات و توزیع جغرافیائی آنها
در سطح کره و اثر محیط در وجود آنها بحث می شود
توزیع نباتات و حیوانات در سطح کره نتیجه تقاضای اتفاق نیست بلکه کاملاً
موافق کیفیات طبیعی و قوانین طبیعی است

۱- جنس نباتات

نباتات موجودات دنجیاتی هستند که برای ادامه زندگی خود محتاج به نور
و حرارت و مواد معدنی میباشند

احتیاج تمام نباتات به نور و حرارت و رطوبت و مواد معدنی بیک اندازه نیست

(۸۶)

بعضیها بنور خفیلی محتاجند و بعضی دیگر بحارات ، دسته رطوبت بیشتر لازم دارند
 و باره دیگر برخلاف خشکی و بهین قیاس
 پس دیده میشود که جنس نباتات یک ناهیه در تحت تأثیر دو عامل فسرار میگردد اول
 آب هوا (در جوارات مایطوبت ، نور) دوم جنس خاک
تأثیر آب هوا در جنس نباتات - آب هوا بچند طریق در جنس
 نباتات یک ناهیه تأثیر مینماید :

- ۱- بوسیله نور . نور برای نمو نباتات لازم است مخصوصاً وجود آن برای
 تحریک الورق (کلروفیل) که اگر نباتات آن ندارند ناکزیر است . بر قدر
 شدت نور در ناحیه زیاد تر باشد نمو نباتات آن بیشتر خواهد بود
- ۲- بوسیله حرارت . در جوارات و حرارت متوسط سالیانه یک ناحیه
 در جنس نباتات آن دخیل است . بعضی نباتات برای شدت حرارت زیاد و بعضی
 دیگر حرارت کمتر لازم دارند .

۳- بوسیله رطوبت . مقدار رطوبت یک ملکیت نیز در جنس نباتات آن دخیل
 میکند ، بعضی نباتات برای زندگی در نواحی مرطوبی ساخته شده اند ، این نباتات
 نمودار دارای برگهای زیاد و پهن هستند تا آبی را که ریشه آنها زیاد تر از حد نیاز

(۸۷)

جذب کرده به سبب تجزیه کنند تجزیه این نباتات بطور کلی زیاد و پوست آنها غالباً
 کم ضخامت است . بعضی نباتات دیگر برخلاف قابل مستعد برای زندگی در نواحی
 خشکند : این نباتات کلیه دارای برگهای کم وسعت و پوستهای ضخیم اند و این
 است که از تجزیه سریع آبی که داخل عروق آنها شده و جلوگیری بعمل آید ، بهین قسم
 نباتاتی هستند که قسمتی از سال را بر رطوبت و قسمت دیگری از آنرا بخشکی محتاجند مثلاً
 گیاهی است که پس از رویدن در بهار باران در تابستان خشکی کافی برای نمو خود لازم
تأثیر خاک در جنس نباتات - خاک نیز بچند طریق در جنس نباتات
 میکند .

- ۱- بواسطه ارتفاع . میدانیم هر قدر ارتفاع مکانی زیاد تر شود در جوارات آن
 نقصان میابد و اهمیت در جوارات و تغییرات آن در جنس نباتات محتاج تکرار نیست
 ارتفاع مکان باعث در جوارات و تغییرات باعث تغییر جنس نباتات میگردد مثلاً در
 یک کوه جنس نباتات قسمتهای پائین با جنس نباتات قسمتهای بالا تفاوت دارند
- ۲- بواسطه جنس شیمیائی خاک . بعضی خاکها گل رس بیشتر از مواد دیگر دارند ، این قسم
 خاکها را خاکهای سنگین میگویند . بعضی دیگر شن بیشتر دارند و آنها را خاکهای
 ریزانند . خاکهای گرم جراتند از خاکهای آبی . این قسم ارضی آب بسیار

(۸۸)

جذب میکند و حرارت را در تنی خط میسازند. خاکهای سرد بکس خاکهای سردتر از خود نگاه دارند. خاکهای سنگین یا خاکهای خیلی سبک و خاکهای سرد برای زراعت چندان مناسب نیستند. خاکهای خوب عبارتند از خاکهای مخلوط از شن و خاکهای سنگی و خاکهای زراعتی و غیره.

بعد از خاکهای غیر مساعد را هم بوسیله کود و روشی میتوان برای زراعت مناسب کرد. ۳- وضع قسمی از فتن اراضی در مقابل آفتاب یا بادای مرطوب خشک هم در جن نباتات و حالت میکند. مثلاً در دانه یک که چون از بجهت تحت آفتاب و نوری که بهر کدام میرسد از حیث باد و دمای که به سمت هر یک میوزد با یکدیگر اختلاف دارند نباتات آنها هم چنان با یکدیگر تفاوت حاصل میکنند.

مناطق نباتات - در میان عوامل جغرافیائی عاملی که از همه واضحتر در نباتات تأثیر میکند آب است بهین جهت نباتات سطح کره معمولاً از روی مناطق آب هوا به پنج منطقه تقسیم میکنند از این قرار:

۱- منطقه استوایی و حاره. منطقه ایست گرم و مرطوب دارای نباتات نمونند با شاخ و برگهای دائمی که غالب آنها در یکدیگر پیچیده و جنگلهای استوایی یا جنگلهای بکر را تشکیل داده اند نباتات مفیده این منطقه عبارتند از برنج. پنبه. شکر. قهوه.

(۸۹)

۲- منطقه حاره خشک یا منطقه حاره صحرائی. منطقه ایست خشک و گرم دارای نباتات کم فقط در اطراف بعضی چشمه های آن آبادیهای کوچکی دیده میشود آنها را واحه میگویند نباتات این منطقه دارای برگهای کوچک کم مساحت پوستهای ضخیم و خارهای متعدد زراعت در این منطقه بجز در نواحی طوب غیر ممکن است در این قسمتها برنج. ذرت. شکر و پنبه بعل میآید.

۳- منطقه معتدل خشک. بیشتر دارای بوته های خار و نهال است. نباتات مفیده آن عبارتند از: مو. درخت زیتون. قوت.

۴- منطقه معتدل مرطوبی. دارای جنگلهای قدری از جنگلهای استوایی با درختان مفیده مسکون ترین پر جمعیت ترین مناطق دیگر است بهین جهت دست انسان آن را تغییرات زیاد داده است. نباتات مفیده آن عبارتند از: غلات.

سیب زمینی، نباتات صنعتی (چغندر. کتان و غیره) و مو. ۵- منطقه منجمده. منطقه ایست فوق العاده سرد و بکلی منجمد با تاقهای منجمدی بودند را میگویند در این منطقه دیده میشود نباتات آن لیکن از جنس خزه و غیره است.

۲- جنس حیوانات

(۹۰)

مقصود از جزای حیوانی بیان طبقات حیوانات از روی وضع زندگانی و توزیع
جزای فی آنها در سطح کره و عواملی است که در وجود آنها تاثیر دارند.

عواملی که در جنس حیوانات تاثیر میکند عبارت از درجه حرارت و رطوبت و ارتفاع و جنس
نباتات

۱- تاثیر درجه حرارت: بعضی حیوانات جز در منطقه حاره منطقه دیگری نمیتوانند زندگی
کنند مانند (میمون) و بعضی دیگر مخصوص نواحی بارده میشند (مانند خرسهای شیب)

۲- تاثیر رطوبت: عموم حیوانات بیک اندازه طاق تحمل تشنگی و بی آبی را ندارند
بعضی محتاج آب منظم هستند و بعضی دیگر مانند شترهای صحرائی از نیل و آسیابا چندان
برون آسایدن آب نمیتوانند طلی طریق نمایند

۳- ارتفاع: چون درجه حرارت با تغییر ارتفاع تغییر میکند پس در ارتفاع یک جنس
حیوانات دیده میشود مثلاً در دشتهای چین بیک ارتفاع نیستند جنس حیوانات

(دانه شالی) جنس حیوانات هندوستان (دانه جنوبی) بکلی تفاوت دارد
۴- جنس نباتات: چون در تمام نقاط کره یک جنس نباتات وجود دارد در بعضی

مقدار نباتات هم در همه جای یک نیست حیوانات نیز بر حسب اختلاف جنس نباتات و
وزیادی آنها بیکدیگر جنسها مختلف حاصل میکنند مثلاً در ناحیه جنگلهای استوایی

(۹۱)

میوه اشجار و ادوات است که حیوانات آن را جنس بالار وندگان بوسیله اشجار و در
آنها زندگانی میکنند و برای آنکه سهولت این امر را انجام دهند اصولی آنها بطوری ساخته
شده که میتواند با ساقی از اشجار بالار و دند بر خلاف حیوانات صحرائی و دشتهای
وسیع چون مجبورند برای تهیه غذای خود اصل زیادهای اعلی کنند و بهر ترتیب
نقطه نقطه دیگر بدوند اگر از جنس وندگان باشند.

حیوانات این قبیل نواحی یا از غلات و حبوبات تغذیه میکنند یا از گوشت حیوانات
دیگر (از غذاای نباتی برای تمام بقدر کفایت وجود ندارد)

اما باید طفت بود که توزیع جزای فی حیوانات در روی کره خیلی کمتر از توزیع نباتات
ثابت است زیرا چون حیوانات دارای حرکت هستند سهولت می توانند از منطقه

دیگر مهاجرت کنند و خود را موافق مقتضیات محیط ثانوی تغییر دهند تا بتوانند در
محیط زندگانی کنند انسان نیز بواسطه آنکه بعضی حیوانات ابرای خدمت و تربیت
(حیوانات بارکش حیوانات شتر و غیره) و فل بعضی دیگر اگر بحال و سفر قطع

در جنس حیوانات تفاوت دارد

مناطق عمده حیوانات — هر یک از مناطق باقی یک نوع حیوانات
کوچک و نظریات مخصوص همان منطقه است

(۹۲)

۱- منطقه استوائی و حاره از حیادی پرند و خزنده و حشره و بعضی حیوانات
عظیم الجثه است که اغلب در جنگلهای استوائی زندگی میکنند حیوانات تمام این منطقه
عبارتند از کرگدن، شیر، ببر، پلنگ، مار، بوا، ارانکو، تانک (یک نوع میمون) حیوان
این منطقه فیل است.

۲- منطقه صحاری - چون آب و هوای معتدل در حیوانات آنهم معتدلت چون مخصوص
و میفید این منطقه شتر است

۳- منطقه معتدل خشک نیز حیوانات مختلف و معتدلند و حیوانات میفید آن عبارتند
از اسب، گوسفند و بعضی حیوانات اهلی دیگر.

۴- منطقه معتدل مرطوب که مسکن انسان شتر در آنجاست بهین نظر حیوانات اهلی و میفید
زیادتر و مختلف است مهمترین آنها گاو و گوسفند و اسب الاغ و غیره است

۵- منطقه برفه همچنانکه نباتات آن بود حیوانات آنهم کم است انواع مختلف معتدل
ندارد و حیوانات عمده آن عبارتند از بعضی حیواناتی که چربی بدن آنها طوطی است
انسان مثل (فک)، دیا از پوست آن میتوان فایده بدوش (خوس) بعلت
اقسام گوناگونی شالی نیست در آن منطقه دیده میشود که قبایل اطراف قطب آنها را
برای بارگشتی بکار میبرند

(۹۳)

نتیجه - از آنچه تاکنون گفتیم متوانیم مطالب ذیل را نتیجه بگیریم
۱- جغرافیا علمی است که از زمین گفتگو میکند از این جهت که سطح آن محیطی است از برای زندگی
یک عدد موجودات که بنظر جغرافیا هم آن انسان است پس این از این جهت مخصوص جغرافیا
میباشد که ممکن انسان است

۲- این محیط مرکب از سه گره یا سه طبقه آب، خاک و هواست
۳- چنانکه پیش دیدیم هیچیک از این سه طبقه از یکدیگر بسیا زنجیره یعنی خاک در آنجا
در خاک و آب و خاک در هوا تاثیر دارند و بهین طریق هوا در طبقه خاک و آب تاثیر میکند بطور
مسکونی موجودات از نتیجه تاثیرات این عوامل دوی در یکدیگر فسرده میشود
۴- چون عوامل دقوای طبیعی و کرات ثلثه سطح زمین در یکدیگر تاثیر دارند و کیفیت
در جغرافیا آنها را موضوع بحث قرار میدهند بعضی علتند و بعضی معلول یعنی بعضی امارات
آثار دیگر نتیجه میشوند بنابر این آثار بر دو دسته تقسیم کرد: آثار اصلی و آثار
فرعی آثار اصلی علت آثار فرعی معلوم میشوند

۵- آثار یا اوضاع اصلی عبارتند از موقع، پستی و بلندی، جنس خاک و آب هوا و اوضاع
فرعی عبارتند از وضع رودخانه، اوضاع سواحل، جنس سادون، نباتات و حیوانات
۶- موقع هر ناحیه پیمایش دو امر معین میشود: اول تعیین طول و عرض جغرافیا

(۹۴)

آن اوضاع بخوبی میگویند و فهمین حد و آن

۱- هرگاه بخوابیم مکان نظاره را در روی نقشه با یک زمین کنیم چنانچه در زمین طول و عرض
هر دو است و نام دلی و جزایای طبیعی به استن طول چندین محاج بستیم زیرا طول و عرض
ناجیه در نوع طبیعی آن بهیچ وجه و حالت ندارد بر خلاف عرض جزایای خیلی که یکی از عرض
درجه حرارت و وضع آب است باین در جزایای طبیعی عرض جزایای خیلی بیشتر عرض
لایمت دارد و در استن آن قبل از شروع بحرانهای طبیعی یک ناحیه از اوجیات است
۸- حد و در ملکات طبیعی است یا سیاسی طبیعی قتی است که این قسم طبیعی قبل
یا که با آن شخص کنند و یا سیاسی بعکس قتی است که مردم آنرا بموجب قیام و دو خطه طرح
عیین نمایند

۹- اگر در جز حد و ملکتی دریا وجود داشته باشد آن ملکات به سواست میتوان با مالک مگر
دینا ارتباط حاصل کند زیرا دریا بهترین اشیاء را بکس میدهد و بعکس اگر با دریا مجاور باشد
داخلی مثل کوهها و خطوط و صحاری ارتباط آنرا شکل مینماید

۱۰- اگر ملکتی با مالک متدنه مجاور و بر سر راه آن مالک با یکدیگر قرار گرفته باشد
موقع آن ایست حاصل میکند و ملکات برادر از این راه فواید عاید میشود و بعکس در افتاد
از مالک متدنه و مجاور شدن اقوام وحشی یا نیمه تمدن آن ملکات را دایم در

(۹۵)

میدهد و موجبات ترقی برای آن بعد رکعات فراهم میگردد

۱۱- غیر از موقع در اوضاع طبیعی یک ناحیه پستی و بندی نیز دارای اثر و همیشه
۱۲- منصوب از پستی و بندی می مجموع با هوای سیاح زمین یعنی ملکات و دولت
۱۳- اقام پستی و بندی در اوضاع یک مکان از چند جهت تاثیر میکند
۱۴- کوه همیشه سیر باد را مانع میشود و جوی آن را میگیرد
۱۵- کوه چون جامه است بر باد که دارای بخار آب هستند برای آنکه حرارت آنها
بگیر و بمنت آنها

۱۶- بواسطه همین اثر بر دانه در اطراف کوه و قتل آن بیشتر از نواحی دیگر میشود
و چون کوه حرارت آنها را بگیرد و بر باد مجبورند بصوت برف یا باران و یا بجا فرود
این است که عموماً در روی کوهها بیشتر از نقاط دیگر باران میبارد
۱۷- کوهها برای عبور مردم در هر دو مانع بزرگی هستند بهین جهات مالک کوهستانی
کنترل اشیای طبیعی دارند و در مقابل میل هجوم خارجیها نیز که ستمگری میباشد این خط
مالکی که در درخت کوهها مانند واقع شده اند محفوظتر مانده و سکنه آنها کمتر خطرات
۱۸- منصوب از جنس خاک زمین بودی است که قشر جامد زمین را ترکیب کرده
۱۹- مواد که قشر جامد زمین را ترکیب کرده اند دو قسمند: اجزای شش فانی و اجزای

(۹۶)

۲۰- جن خاک در اوضاع یک مکان دارای چند قسم و حالت است: اولاً در جن معتدل
تأثیرات زیر اقامت نباتات هر کدام مربوط به یک قسم اجزای باشد. ثانیاً بعضی از اقسام
اجزای قابل نشر و بعضی دیگر غیر قابل نشرند. علاوه بر بعضی میسوزند حرارت اندکی در خود نگه
داری میسوزند دسته دارای اینک نیا در نزد بارهشن بیشتر از این امور هر کدام
نوع خاصی در جن نباتات تأثیر میکند. ثالثاً جن خاک در آب هوا در وضع خود خانه نایز
دارد چیزی قابل نشر اگر در دو خانه در روی آن جریان داشته باشد مقداری از آب
جذب میسازد و زمین غیر قابل نشر نمیشد.

۲۱- وضع آب هوا در هر ناحیه نتیجه موقع پستی و بلندی جن خاک است چون
در هر دو در این اوضاع و اوضاع طبیعی دیگر بطور کلی تأثیر دارند از مهمترین عوامل طبیعی باشد
۲۲- وضع آب هوا می یک ناحیه را انعکاس و تقریباً میتوان از موقع و وضع پستی و بلندی
و جن خاک آن نتیجه گرفت زیرا که خاک که ذکر شد وضع آب هوا را در وجود آن سه عامل
آثار در یکدیگر نتیجه میشود.

۲۳- آب هوا شامل سه جزو عمده است: درجه حرارت: وضع باد و بخار
آب موجود در هوا، و هر یک از این سه جزو بر خود تابع موقع و وضع پستی و بلندی
و جن خاک میباشد.

(۹۷)

۲۴- در جغرافیای هر ناحیه پس از شناختن موقع و وضع پستی و بلندی جن خاک
و احوال آب هوا و اوضاع دیگر آن اقیاناس می توان استنباط کرد. زیرا مثلاً وضع
رودخانه تابع آب هوا و جن خاک پستی و بلندی وضع سواحل تابع پستی و بلندی
و جن خاک و بهین در جن نباتات و حیوانات تابع آب هوا و جن خاک و زمین هم تابع جن
خاک است.

۲۵- در وضع رودخانه ها - خاک که گفتیم آب هوا و جن خاک پستی و بلندی
و حالت دارد از این سه ار: اولاً اگر حوض رودخانه دارای طوبیت زیاد باشد
آب آن زیاد میشود ثانیاً اگر جن خاک مجرای آن غیر قابل نشر باشد آب آن نقصان
حاصل میکند ثالثاً اگر سیر رودخانه کوستان باشد ثقیب آن تنگ میشود.

۲۶- وضع سواحل - اولاً اگر فلات یا کوستانی بدریا ختم شود حاصل کوستان
در تعلق است اگر جلگه بدریا ختمی گردد سواحل پست در سوبی است ثانیاً اجزای
اگر هم از یک جن یعنی تمام دارای یک نوع مقاومت باشند ساحل به یک قسم میماند
و اگر در درجه مقاومت آنها اختلافی باشد در ساحل تضاریس حاصل میشود.

۲۷- جن نباتات نیز تابع آب هوا و جن خاک است. اولاً تغییر مقدار نور
و حرارت در طوبیت و جن نباتات تغییر میدهد هر چه نباتات فارغ از این عوامل

(۹۸)

نبی بند چون در تمام که مقدار نور و حرارت و رطوبت یکسان نیست . نباتات هم همه جای یک وضع نیستند . ثانیاً مقدار نور و حرارت در مقدار نباتات نیز تأثیر میکند یعنی نقاطی که دارای نور و حرارت زیادند (مثل فواحی حاره) علاوه بر آنکه نباتات آنها عظیم و دارای شاخ و برگهای زیاد هستند از حیث مقدار هم بر نباتات نقاط دیگر برتری دارند ثالثاً چون نباتات غذای خود را از خاک میگیرند پس من خاک هم وجود آنها مؤثر است

۲۸- جنس حیوانات تابع آب و هوا و جنس نباتات است چون جنس نباتات خود مربوط به جنس خاک و آب و هوا است پس جنس حیوانات هم تابع آب و هوا و جنس خاک میشود از این جهت اما اولاً تمام حیوانات یک درجه طاقث ثانی و تحمل حرارت ندارند بهین جهت هر منطقه از مناطق آب و هوا دارای یک نوع حیوانات مخصوص است ثانیاً هر منطقه در تحت تأثیر آب و هوا دارای یک نوع حیوانات مخصوصی است ثانیاً هر منطقه در تحت تأثیر آب و هوا و جنس خاک مخصوص خود نباتات خاصی دارد و چون غذای اکثر حیوانات نباتات با گوشت حیوانات علف خوار است جنس نباتات هم در وجود آنها مؤثری است

۲۹- جنس معدنیات فقط تابع جنس خاک است زیرا معدن قسمی است

(۹۹)

قشر جامد زمین که بکار انسان می آید چون آجر و قشر جامد زمین همه یکدفعه تشکیل شده و طبقات آنها نیست بلکه گریخته و پراکنده و در پس هر طبقه هم یک نوع معدن مخصوص دارد بطور کلی فلزات و زغال سنگ و طبقات قدیمه (تورب) که زغال سنگ ناقص یا جدید میگویند در طبقات چرب یافت میشود فلزات و طبقات مجاور زمین هم بدست می آیند ولی بالا آمدن آنها نتیجه چین خوردگی قشر جامد زمین و گاهی پیسنه رودخانه بعضی از فلزات مثلاً طلا را از معدن دخیلی کوه کنده جاد همراه می آورند .

۳۰- از این بیانات و نسبتیم که سطح زمین محیطی است برای سکونت انسان این محیط از تأثیر کلیه عوامل و قوای مذکوره فوق در یکدیگر تشکیل یافته است چون این تأثیر همیشه باقی است پس انسان یکی از موجوداتی است که باید در تحت تأثیر همین عوامل زندگی کند بنابراین احوال انسان بدست اجتماع و جمعیت و هر مکان تابع اوضاع طبیعی آن می شود و اهمیت جغرافیای طبیعی ما از همین جهت است .

اینک بعد از آنکه کلیات راجع به جغرافیای طبیعی و اهمیت آنها را از جهت کلی که بخواهیم سیاسی بینمایند ذکر کردیم داخل جغرافیای انسانی می شویم





قسمت سوم

جغرافیای سیاسی

جغرافیای سیاسی قسمتی است از جغرافیای انسانی و موضوع جغرافیای انسانی امری است که وجود انسان در آنها حالت دارد

این مورد را به دو قسمت تقسیم میکنند. اول قسمتی که راجع است به محیط انسانی بشری و چگونگی احوال آن. دوم قسمتی که از فراموشی و از زمین توسط انسان بحث است آن شعبه از جغرافیا که قسمت اول موضوع است به جغرافیای سیاسی آن شعبه که از قسمت دوم بحث میاید جغرافیای اقتصادی یا اثراتی موسوم است

عده ناقص از جغرافیای سیاسی قدری بیشتر از احوال انسان از جهت اختلاف بدنی و تفاوت قوای عقلانی و تقسیم نژاد بحث می نمایند و با آنکه این امور جزو جغرافیا نیست آنها را برای جغرافیای سیاسی مقدمه ذکر میکنند

اثر اوضاع طبیعی در وجود انسان - چنانکه گفتیم انسان موجودی است که باید در تحت تاثیر اوضاع طبیعی محیط سکونی خود زندگی کند یعنی اوضاع طبیعی بر انسان اثر میگذارد و انسان خود سکن خستیار کند خواهی نخواهی در وجود و تاثیر نماید از اوضاع

(۱۰۸)

طبیعی در وجود انسان دو قسم تاثیر دهنده میشود یکی تاثیرات طبیعی که از اول خلقت تا کنون در طی قرون متاد میزند و این اوضاع در وجود جسد او در دم روزی بطور رسیده است بجز تاثیرات سکونی یعنی تاثیرات که عاید به اوضاع طبیعی در وجود انسان می نمایند

چون مهمترین انواع تاثیرات که در وجود انسان امور راجع به زندگی او دیده میشود همین دو نوع تاثیرات پس اختلاف مهم که امروز در طرز زندگی و وجود افراد و اقوام مختلف می بینیم باین نتیجه همین تاثیرات بد اینهم اختلافاتی را که امروز در احوال افراد طبقات مختلف بشری می بینیم می توانیم بدو دسته تقسیم کنیم. اول اختلافات طبیعی و جزئی در خلقت بدنی و اخلاق و عادات و وضع زندگی افراد مختلف بشری که اثر آنها هم به نوع خاصی تغییر نماید. دوم اختلافات کلی که اثر آنها بقدری ثابت نظر میرسد که تصور میسر و در روز اول چند نوع مختلف از انسان با اختلافات بدنی و عقلانی مخصوص خلق شده باشند اما علایق تاریخی طبیعی عقیده ار مذکر این اختلافات کلی هم نتیجه تاثیرات اوضاع طبیعی است منتی چون این تاثیر در طی قرون تمام شده و از اینهم بقدری مستحکم و ثابت گردیده که امروز از آن این اختلافات فاحش برزور کرده است

(۱۰۲)

اینطور بنظر میرسد که روز اول یک نوع انسان وجود داشته که افراد آن پس از تقوین شدن در محیطهای مختلف در تحت تأثیر اوضاع طبیعی یکی با یکدیگر اختلاف حاصل کرده اند. اما اختلاف احوال انسان امواتی و دو نوع تأثیراتی که از اوضاع طبیعی در وجود او پیش میاید بدو قسمت تقسیم میکنیم: اول اختلافاتی که مربوط بتأثیرات اوضاع طبیعی است. دوم اختلافاتی که مربوط بتأثیرات کونی آن اوضاع است. مثلا فرادار باید مربوط بتأثیر نوع اول و بقیه کیفیات را تابع تشکیل سنیت اجتماعیه و تأثیر نوع دوم است.

نژاد های بشری - نوع بشر را مرز و زردی صفات ظاهر و خلاف رنگ و کوتاهی و بلندی قد و وضع لب و دندانها چشم و مو بطبعاتی تقسیم میکنند سابقا رنگ را از همه بشر امتیاز میدادند و انسانها را چهار نژاد سفید و زرد و سیاه و قهقر تقسیم میکرد ولی امروز با آنکه اصطلاح سابق باقی مانده چندان بر رنگ اهمیت نمیدهند زیرا رنگ از حیث است که خیلی زود تغییر مییابد و وضع مجسمه و پشانی و سینه از همه بشر اهمیت دارد چه در هر قدر پشانی بلند تر باشد قیافه صورت از حیوانیت دور تر شود و نژاد باهوش تر است و اگر بعکس وضع صورت بصورت حیوانات شبیه تر و پشانی عقب تر قرار گرفته باشد نژاد کم هوش تر خواهد بود.

(۱۰۳)

۱- نژاد ابيض یا سفید - مسکن عمدتاً آنها مرز قسمت میانی از اروپا و قسمتهای غربی و جنوبی قسمتهای از امریکا و اقیانوسیه است که آنها را سفید پوستان کوچ نشین خود قرار داده اند. صفت ظاهری نژاد سفید: صورت کشیده و موی سیاه و موج دار یا خراشیده رنگ بینی باریک و مستقیم و لبهای با نسبت نازک و ریش نازک است بدو دسته تقسیم میشوند اول آرینها شامل هندو، افغانها، ایرانیان، راجها، ارمنی، کردها، اروپاییان (بمستثنای اقلی فلانده و عثمانی و بلغارو شمال اروپا که زرد پوستند) دوم بنی سام یا سامیها شامل بنی اسرائیل و عرب سوم بنی حام یا حامیها شامل بربرهای شمال هندو، اقلی صومالی، حبشها و چون نمونه های کامل نژاد سفید یعنی افرادی که صفات ممیزه سفید پوستان آنها بهتر از همه ظاهر باشد در صفت زرد دیده میشود نژاد سفید را نژاد قهقرای هم میگویند نژاد سفید امروز متدن ترین تمام نژادها هستند و بیشتر تمدنها و دلهای متمدنه را هم اقوام مختلفه این نژاد تشکیل داده اند.

۲- نژاد اصغر یا مغولی - مسکن این نژاد شمال و شرق و بعضی قسمتهای غربی و شمال و شرق اروپا است علاوه دسته های کوچکی هم از این نژاد در جزایر شرقی آسیا و اقیانوسیه دیده میشود. صفات ممیزه آنها، حجمه مستدیر، لبهای

(۱۰۴)

چشمهای بادامی شکل، پوست زردیستیه و موهای نرم و سیاه و ریش کم است
اقوام مختلفه این نژاد چهار تنه از سولها و ترکها و آلمانی چین و هند و چین و ژاپن کرده
و فلانیه و عثمانیه و بلغار و مجاری. بعضی اقوام از این نژاد هم مثل حبشیه
و ژاپونیه از برای تمدن مستعد بوده و قبول تربیت کرده اند ولی کبشیه اقوام
بصره اگر دی غارت و دستبرد بهر میرند

۲- نژاد آسودیکسیاه - ممکن این نژاد در کفر خسر قیام خصوصاً سودان
که با قبا تجار برده فروش مقداری از آنها را با امریکا بخصوص قسمت های جنوبی
مالک مقداره امریکا و جزایر استیل و برزیل برای زراعت و کارهای دیگر برده اند
از طوایف آنها هم در جزایر اوقیانوسیه شاهد میشوند

صفات میزده آنها، بینی پهن، پوست قهوه ی سیاه، ماکو زهای برجسته و لبهای
کلفت است این نژاد بی استعدادترین تمام نژادها میباشند و هنوز پوششهای بدی
۳- نژاد امریقسیه فر - ممکنه اصلی امریکا هستند و پیش از ورود سفید پوستان
بان قله بعضی از طوایف آنها تمدن دولتهائی داشتند ولی بعد از داخل شدن قبا
بان قله آن طوایف هم بحالت وحشیگری برگشتند، امروزه قسیمی از آنها
در بیا با بنا و جنگلهای وحشی امریکا دیده میشود و آنها را اروپاییان بندگی میکنند

(۱۰۵)

در دوزخ دوزخه آنها کاسته میشود

مده تقسیری هر یک از نژادهای چهار گانه

نژاد سفید	۸۴۰ میلیون
نژاد زرد	۶۴۰
نژاد سیاه	۱۵۰
نژاد قسیره	۱۰

تکلیف است اجتماعه - زندگانی انسان غیر مندن با نژادهای گوناگون
ساده است. نرل و در صحرا و جنگلهای می باشد. غذای او ریشه و برگ تنبا
دیمه و اشجار و گوشت حیواناتی است که آنها را بکار میکشد، لباسش صحیح
ندارد و غالباً بدن خود را با پوست حیوانات حفظ میکند، انسان این نژاد گاهی ساق
موانع طبیعی بسیار از سر ماکر و ماکله حیوانات درنده بی آبی و غیره در پیش دارد
در هر قدم با مشکلات عدیده مواجه میگردد

در مقابل این موانع، انسان قوه فاعله و مدبره دارد که او را پیش بینی دادار میکند
و برای حفظ خود مجبور با ایجاد وسائل تدبیریه می نماید.

تدبیر اهل که انسان از روز اول برای رفع موانع و مشکلات موجود در خط خود تسهیل

(۱۵۶)

زندگانی نمودن یکسبب است اجتماعیه است

در زندگانی ساده چون افسردنهای نمودن است و چون زندگانی خود را رفع نماید و در مقابل مشکلات و موانع معاشرت کنند و چارشد و اندک بیکدیگر دست یازند و داده در میان ساختن و مسائل معیشت و بر طرف نمودن محضورات بهم کمک نمایند این قسم کمک و تعاون گویند.

در سبب اجتماعیه تعاون بیشتر وجود دارد زیرا هر قدر جمعیت انسان زیاد تر و قوی تر شود و بر حوائج او افسردن میگردد و برای رفع این حوائج روزافزون یک رشته مشاغل و کارائی لازم میشود و برای انجام هر یک از این مشاغل و کارها به جماعت مخصوصی چون هر کسی تنهایی قادر نیست که از عهده انجام تمام این مشاغل و کارها برآید و چارمسند تقسیم کار و تقسیم میاید تقسیم کار نیست که هر شخص بجای آنکه تمام مایحتاج خود را خود تنهایی بسازد فقط عهده دار ساختن یک شیئی معین میگردد و آنرا از یاد ترازی احتیاج خود فراموش میآورد و بعد از آن احتیاج خویش را ب دیگران داده برای خود لباس و کفش و مایحتاج دیگر در عوض آن میگیرد و بهین قیاس است حالت مردم دیگر در جمعیت اجتماعیه - تقسیم کار ترقی را سرعت میدهد و بعد از آن قادر با انجام کارائی میسازد که قبلاً تنهایی قادر انجام آنرا ندارد. از اینرو

(۱۵۷)

میگویند در سبب اجتماعیه - تقسیم کار ترقی را سرعت دادن و تقسیم معیشت اتفاق دانستن کامل لازم است بدون این کیفیت امروز زندگانی متزلزل خواهد بود.

این قسم زندگانی اجتماعی را در صورتیکه بعد از آنکه رسیده باشد با مجموع مقادیر را که انسان برای تحمیل معیشت خود احتیاج میسازد تمدن میگویند.

در جات معیشت - بنا بر شرح فوق مقصود از تشکیل سبب اجتماعیه و تیره و تار آن تقسیم معیشت است و معیشت جات مختلفه دارد و اینک علت این اختلاف

۱- پیش گفتیم که انسان در هر محیطی که باشد اوضاع طبیعی آن محیط در وجود او تاثیر نماید و زندگانی او تابع مقتضیات محیط میگردد.

چون اوضاع طبیعی تمام نقاط یکسان نیست از هر کدام یک نوع تاثیر شاید بشود پس زندگانی مردم هر ناحیه به صورت خاصی حاصل میاید مثلاً در مازندران چون باران در عرض سال زیاد و آب مهولایم است

اولاً - جنگل و نباتات آن نسبت به زیاد و بسبب وجود نباتات و جنگل حیوانات آنهم فراوان است

ثانیاً - نباتات آن از جنس نباتات نخله معتدله و مرطوبی مخصوصاً میوه است

ثالثاً - زمین آب و هوای آن از برای زراعت گندم مساعدت نمیکند زیرا که گندم

(۱۰۸)

در سرزمینی که دارای آب هوای برشی باشد پس باید بعد از آب یا درختان نیت و
کثرت طوبت بشود از آنجا که میگذرند بهین جهت االی مارند از آن منازل خود را
از چوب میازند غذای عمد و ایشان در پنج غسل عمد االی هر ششگنی و شکار است
در نواحی پاچون اذضلع طبعی و محیط و همو مثل مارند از آن نیت وضع زندگانی نام
با االی آن لایت تفاوت کلی دارد

۲- گذشته از این مردم نژاد االی بشردارای یک وجه استعداد و هوش
تبریز نیستند بهین جهت وضع معیشت تناسب تبری نیز که در این راه بکار برده شود
تغیر مییابد بنا بر این در جمعیست هر قوم تابع داور است : اول محیط و اوضاع
طبعی دوم - استعداد فطری

امروزه در زندگانی در میان نوع بشردیده شود : زندگانی وحشی - نیمه
تمدن یا بدویت - تمدن عالی

۱- زندگانی وحشی - این درجه از زندگانی در محیطهای نامساعد
و نواحی نیمه جنگلهای دور دست در میان اقوام کم استعداد و بی تربیت و دیده
کسانی که در این درجه از زندگانی بسر میبرند اغلب با همگیری و شکار نیت میکنند
فرزندان در صحاری و کوچه ها با یکدیگر قهر دارند و اغلب بنده و یا بوسید

(۱۰۹)

پوست حیوانات خود را میپوشانند، سیاهان مرکز هند قیاد و میان استرالیای
امروز در این درجه از زندگانی بسر میبرند این مردم غالباً اجتماع صحیح ندارند و اجتماع
فقط شکارچیان بوده است بعضی از مردم این طبقه شکار است ساده نیند دارند، بنا
بر این و تمدن میکنند.

۲- نیمه تمدن یا بدویت - در دشتهایی که در فصول بارانی دارای
نباتات ضعیف و در مواقع دیگر خشکند یعنی در استپ از است که طایف نیت با حیوانات
عظموار در آن نواحی میتوانند زندگانی کنند این است که مردم این قوم نواحی اغلب
چوپان و گله دارند و چون باید دامها گله های خود را در دشتهای وسیع بچرانند و در
مربع بروند مجبورند سبب امانت زندگانی خویش را با خود حمل نمایند همیشه در حالت
باشند بهین سبب نمیتوانند در یکجا مقیم شوند ناچار زندگانی چادر نشینی و صحراگردی
اختیار مینمایند، غذای مردم این طبقه لبنیات (شیر و ماست و پنیر و کره) است

و لباس ایشان هم از پشم حیوانات
آبامید دانست که بدویان گله دارند نیستند بعضی هم بقادر گری دزدی زندگانی میکنند
ساکنین دشتهای سیبری و ترکمن و آسیای مرکزی و صحرای هند قیاد و بعضی
نواحی ایران جسته بدویان محسوبند

(۱۱۰)

و محیطهای مساعد تر یعنی در محیطهای که حاصلخیز و آب بقدر کفایت موجود باشد انسان
تیم شده بکار در اعمت میرد و با کاد و دیاسب بین انجم کرده بقوه انسانی
دکود دادن خاک از زمین حاصل برسد و این نوع معیشت را زندگانی زراعتی
میگویند.

چون در این قسم معیشت بیشتر از زندگانی صحرانگیزی چادر نشینی است زندگانی
زراعتی را عالی تر از زندگانی چادر نشینی و جز تمدن شمارند در نیمه تمدن صنعت چندان
طرف توجه نیست زیرا این امر خیلی بیشتر از زراعت تدبیر لازم دارد

۳- تمدن عالی - تمدن عالی معیشت نژادهای با تدبیر و صنعت است
و در منطقه معتدل یعنی در محیطهای مساعدی که گیاهات خوراکی و آب هوای معتدل
برای معیشت مساعد باشد ظهور مییابد.

نژادهای با استعداد و کارکن منطقه معتدل بقوه همت و سعی در مقابل موانع طبیعی
مقاومت مخرج داده و صنایع نامساعد را با خود مساعد کرده اند یعنی باطن قهار را شک
نموده که چهار برای عبور لغت نوده مجاری میانه را نظم کرده در مقابل ندها
تدبیر قوه آب را برای حرکت محرکهای کارخانه های خود استخدام نموده
از بعلاده این مردم برای تکمیل زندگانی و قوای روحانی خود آثار عالی

(۱۱۱)

دارند که آنها را علم و هنر میگویند
این قبیل اقداماتی را که انسان تمدن برای مساعد نمودن و ضایع طبیعی میسازد
بجمله تخیل معیشت است آن صورت نیک و مکرر بوسید آلات و ادوات مخصوصی که با
از راه علم و هنر صنعت تهیه شود.

بر قدر علم و صنعت بیشتر ترقی کند زندگانی سلسله و موانع بهتر بر طرف میگرداند و هر
معیشت سلسله باشد و موانع بهتر بر طرف کرده تمدن را تیرست پس میزان پیشرفت
تمدن عالی درجه ترقی علم و هنر و صنعت است. امروزه مثل راقیه دنیا مثل الماس
و انگلیسها و آلمانی ممالک متحده و فدراسیونها علی هستند که عالیترین آداب علمی
و صنعتی و هنری را در عالم مالکند.

حکومت - مقصود از تشکیل هیئت اجتماعی تخیل زندگانی است زیرا این
آن شرایطی دارد که از آنجمله است حفظ نظام هیئت اجتماعی
در اجتماع انسان مجبور است که برای حفظ نظام و محفوظ ماندن از تخطی دیگران
مطیع یک رشته قواعد نظامی باشد که عده مخصوصی با امور حفظ و اجرای آنها
هستند این هیئت حافظ نظام را دولت یا هیئت حاکمه و مأموریت
ایشان را حکومت میگویند

(۱۱۲)

حکومت مقتضای درج و رتبه کافی و استعداد مردم و مناسبات محیطی مراتب مختلفه دار و مقربین اقسام آن را اقرار است

۱- حکومت بدوی - در این قسم حکومت اختیار در دست پسران و خانان است و مالک مال و جان افراد می باشد و صاحب همه نوع قدرت و اختیار و افراد مجبور با طاعت احکام و اوامر او می باشد.

۲- حکومت دینی - در این ترتیب حکومت و ساسی نبی ریاست دینی نیز مالکند و در آن واحد رئیس دین و پادشاه هر دو محسوب می شوند چنانکه در صدر اسلام همین ترتیب معمول بوده

۳- سلطنت مستبده - در این قسم حکومت اختیارات در دست یک نفر است که او را بخلاف مالک شاه یا سلطان یا سپه طور می خوانند و او خائن شاه و زانیان مطلق است و در کارها ابداً با کسی مشورت نمیکند، عامه را خود میزدند و او امر و احکام خویش را مطاع، قانون ملکات و مال عایانیت و لی شل کفر رئیس ایل بطلم در آنها تصرف مالکانه می نماید. شاه یا سلطان یا سپه طور غالباً بارت مالک تحت و تاج می گردد و ابداً ملاحظه کثابت لیاقت در کار نیست.

(۱۱۳)

۴- حکومت شوروی - در حکومت شوروی عامه می تواند در ترتیب کارها و مصالح خود صاحب رای باشند و بشور کارهای خویش بپردازند و چون برای عموم ممکن نیست در یکجا جمع شوند و در باب امور خویش رای دهند پیش برای این امر جماعتی را از میان خود انتخاب می نمایند که آنها را نمایندگان یا وکلای ایشان میگویند، این نمایندگان حق وضع قوانین و بستن ایالات و انجام کارهای در باب اموری که موافق صلاح مردم باشد دارند و مجلس این جماعت را مجلس شورای ملی یا پارلمان یا مجلس مبعوثان می خوانند

اجرای قوانین در حکومت شوروی بایست مجریه است که متعارفاً از آن بدولت تعبیر می نمایند، ریاست هیئت دولت در بعضی ممالک ارثی و در بعضی دیگر انتخابی است حکومتی را که ریاست و لسان ارثی باشد سلطنت مشروطه و رئیس آن را خاندان کنستیم شاه یا سلطان یا سپه طور می نامند و حکومتی را که ریاست دولت آن انتخابی باشد جمهوری میگویند

در حکومت شوروی مجلس نمایندگان اختیارات دولت را بوسیله قوانین اساسی محدود و مشروط میکند و استعمال لفظ مشروط و حکومت اساسی نیز بهین مناسبت مذاهب - مذاهبی که بن افراط و تفریط است تعدد می باشد و

(۱۱۴)

آنها را به دست تقدیر کرد : بت پرستی - شرک و توحید

۱- در بت پرستی موضوع پرستش اشیا است مثل سنگ و درخت و حیوانات و طبیعت آفتاب و ستارگان و غیره است ، این قبیل پرستشها بنیانی برای مرکزی فسرتهای بومیان استرالیا و جزایر اقیانوسیه و بعضی نقاط آسیای شرقی میباشند

۲- شرک کسی است که بخند و ندان متعده عقیده داشته باشد ، امروزه در هند و در دنیا وجود دارد یکی از مذہبها و دیگری مذہب بودا که صورت ظاهر آنها شرک است مذہبها در هندوستان روح کامل دارد و هندو را اغلب متعده باین مذہبند شهر مقدس آنها بنارس است که کنشگاه گنگا ساخته شده و هر سال جماعتی بزیارت آن شهر میروند

مذہب بودا مذہبی است که اساس آن مذہب برهمناسمی شده امروزه در تبت و منچول و چین و ژاپون و هندو چین و سرزمین تبت است ، ریاست این مذہب بودا است که آنها را ملا میگویند ، مهمترین آن دو کبهه والایی لاما معروف است و آنها را پانتخت تبت قرار دارد .

۳- مذہب عمده توحید عبارتند از اسلام و دین مسیح و مذہب یسوعی .

(۱۱۵)

اسلام مذہب مانعین است بیشتر در آسیای غربی و چین و هند و فسرتهای شمالی و مرکزی و جزایر مالزی افشار دارد ، شهر مقدس یمن که متعلق است که در عربستان واقع شده و قبله مسلمان محبوب میگردد

دین یسوعی در مجسمه دارد : کاتولیکی و ارتدکس و پروتستانی .

شعبه کاتولیک مذہب بیشتر االی اروپای جنوبی و جنوب غربی و امریکای جنوبی و رئیس روحانی ایشان پاپ است که در شهر رم پایتخت ایتالیا مقدر دارد . پروتستانی مذہب االی اروپای شمالی و شمال غربی و ممالک متحد و کانادا و قطر فداران آن بریس و روحانی مانند پاپ عقیده ندارند - ارتدکسها عبارتند از روسها و کشته االی شبه جزیره بالکان .

مذہب صیوی و اسلام و مذہبی هستند که هر روز رو با فشار مذہب صیوی بیشتر میشود بتلفیق در آسیای اسلام در فسرتهای شرقی میگردد

مذہب موسی مذہب قوم یهود است چون قوم یهود در تمام اطراف عالم پراکنده اند این مذہب هم در همه جا دیده میشود ، مذہب موسی با اکثر مذہبهای مذہب توحید است از چندان پیسریزاد ندارد . شهر مقدس موسیان در شلیم

(۱۱۵)

(پرو سالم) است که در فطین واقع شده و پیش از دیویان هم محترم است
 مذنب و دشمنی هم که مذنب قدیم ایرانیان بود و یکی از مذائب و حید است و
 آن در ایران بند وستان تفرقند و عدد شانهم خندان زیاد است (۱۰۰۰۰۰)
 عدد تقریبی سپیدان مذائب عدد از این قدر است

۶۸۰۰۰۰۰۰	دین مسیح
۴۰۰۰۰۰۰۰	بودائی و مذائب دیگر چین و ژاپن
۲۳۰۰۰۰۰۰	اسلام
۲۰۰۰۰۰۰۰	بت پرستی
۱۸۰۰۰۰۰۰	برهمنائی
۱۶۰۰۰۰۰۰	مذنب یهود

مجموع = ۱۷۰۰ میلیون

جمعیت - هر دزد عدد تقریبی جمعیت که ارض قریب ۱۷۰۰ میلیون
 نفوس در این جمعیت بیک نسبت در سطح که توزیع نشده ، عموماً در
 فلاتها و صحاری و کوستانها کم جمعیت و جلگه ای حاصلخیز و حوالی رودخانه
 پر جمعیت است ، هر گاه عدد سکونت یک ناحیه را بر دست آن تقسیم کنیم

(۱۱۶)

کنیم خارج قیمت اجمعت بنی آن ناحیه میگویند ، جمعیت بنی مملکت بزرگ
 از تمام ممالک دیگر بیشتر و قریب ۲۴۵ است جمعیت ایران از بجا تا میگویند

قیمت چهارم

(. خرافای اقتصادی)

در درجات میشت ذکر کردیم که انسان تمدن برای گذراندن زندگی و تزیین
 از آب و مساعدت هوا و جنس خاک محیط سکونی خود استفاده میکند بلکه اوضاع
 نامساعد آینه بدی با خود مساعدت نماید ، تشکیل جمعیت اجتماعی و تقسیم کار
 مشاغل نیز برای آنست که بهتر و بیشتر از طبیعت استفاده حاصل گردد ، استفاده از
 از طبیعت به دو طریق است : گاهی مساعدت اوضاع طبیعی را غنیمت دانسته از آن
 نایمی برای خود تحصیل نمایند مثلاً خوبی جنس خاک و فراوانی آب مساعدت تقسیم
 و هوای ابرای زراعت و برداشت محصول مناسب دیده بکار زراعت میپردازند
 مواد محصول خاک را بواسطه تغییر صورت در محل استفاده قرار میدهند مثلاً گندم را
 بآرد و آرد را بنان مبدل نمایند و یا معادن را استخراج و از آنها اشیاء لازم
 میسازند و این را صنعت میگویند

(۱۱۸)

چون هر محلی از طبیعت یک هدف استفاده ای معینی بشود میتوان کرد انسان نمیتواند
تمام احتیاجات خود را از محیط مسکو فی خویش فراهم آورد ناچار برای تهیه بسیاری
از لوازم محتاج بکار میگردود و در عوض از مساعدت محیط خود بیشتر از حیثیاج خو
اشفاده میشود یعنی مقداری زیاد تر از حاجت محصول و منابعی که تهیه آن برای او
ممكن است میآیند بعد این زیادتی را با دیگران بوسیله تجارت معاوضه کرده و بخواهد
خود را در عوض از ایشان بکسب و برای سهولت این تبدیل و معاوضه هم فراهم بودن
طرق و راههای مناسبه سهل لازم است بهین جهت انسان یار و دغا نه را برای این
عمل بکار میبرد یا در روی دریا کشتی را میگذارد و روی خشکی جاده او را بسازی
آهن درست کرده سائل ارتباطیه خویش را آسان مینماید

این جمله که ذکر کردیم تمام برای استفاده از طبیعت است همین قیمت است که موضوع جغرافیای
اقتصادی میباشد پس موضوع جغرافیای اقتصادی چهار امر مهم ذیل است

۱- زراعت ۲- صنعت ۳- تجارت ۴- طرق ارتباطیه
زراعت - چنانکه پیش گفته زراعت از برای بعضی از مل در دوره زندگی بومی
شروع گشته اما باید دانست در این دوره چندان از روی تدبیر و فکر عمل نمیده بلکه خیلی
ساده بوده زندگی زراعتی در صورتیکه زراعت آن بحد کمال نرسیده باشد جزو زندگی

(۱۱۹)

است و زراعت با نسبه کامل انسان بوسیله دادن شوه بجانهای مساعدترین
را برای برداشت محصول قابل میکند بعلاوه از بعضی حیوانات اهلی مثل گاو و اسب
در کار شخم استند و مینمایند ، در زراعتهای محلی بجای حیوانات هم ماشینهای
مخصوصی بکار میبرند

در زراعت و امر بسته مهم است اول باید در ارضی که آب کافی وجود ندارد
مصنوعاً زراعت آب برسانند این عمل را آبیاری میگویند دو قسم آبیاری
نواحی مرطوبی و با قاتی را برای خطه ریشه نباتات از فاسد شدن خشک کنند این
وسایل علمی لازم دارد و که در مالک متدنه معمول است
نباتاتی را که زراعت میکنند میتوان به دسته تقسیم کرد : نباتات صنعتی و غذائی

نباتات غذائی عبارتند از غلات - برنج - سیب زمینی - نیشکر و
چای و کاکائو .

غلات کلیه در زمستانی بهتر رشد میکنند اختلاف بین درجه حرارت تابستان
درستان نهان زیاد و آب نیز بعد رکنایت فراهم باشد
غلات عمده عبارتند از گندم و جو و جو ساه و جو دسر و آرن و ذرت

(۱۴۰)

مالک حتی که غلات آنها طرف توجه است عبارتند از مالک متحد کاناوا -

برزیل - مصر - روسیه - رومانی و مجارستان

برنج غله مخصوص برادر دواست ، مزرع آن عموماً فاعلی است که رطوبت آن با دواست
حوادث آن کافی و آب هوای معتدل است بهترین مالک برنج خیز عبارتند از

- هندوستان - هندوچین - مالک متحد و ایران

نیشکر محصول مخصوص هند است از آن مملکت بایران مصر و پادامریکا منتقل شده و
زراعت این نبات در امریکا بقدری شایع است که ظاهر تصویر میرد و امریکا وطن اصلی آن

باشد ، مالک دواچی که نیشکر آنها معتبر است عبارتند از هندوستان - جزایر ماری

- هیتلها - امریکای استوائی

قنوه اصل از چین به بلند برده شده و در اینجا بمالک دیگر منتقل یافته ، این نبات

دواچی فوق العاده گرم حاصل میاید ، مالک قنوه خیز عبارتند از برزیل - جزایر

ماری - چین - هندوستان - هیتلها - امریکای استوائی

چای خیز از محصولات مالک گرم سیر است ، آسیای شرقی (چین هندوچین و سیلان)

و جزایر ماری و آنگل و محل زراعت این نبات است

سبب مینی نبات مخصوص امریکاست از آن قنوه بمالک دیگر منتقل شده ، این نبات

(۱۴۱)

دواچی با قنوه دواچی و دواچی میاید و در بعضی مالک مثل ایران و آلمان شرقی با دوا

عمده زراعتی است

بعضی نباتات دیگر خیز که آنها را جز نباتات غذائی قنوه میاید و در بعضی نباتات

آنها عبارتند از مرکبات و اشجار میوه و اگر که گشک آنها را از ایران بمالک دیگر برد

مرکبات در منطقه معتدل و رطوبتی مخصوصاً مالک اطراف مدیترانه حاصل میاید

انگور در فسیله بیش از تمام مالک دیگر زراعت میاید و بهین حبه شراب از آن زراعت

مقدار درجه اول است

نباتات صنعتی هم عبارتند از پنبه - کتان - چغندر - شاهدانه و قوت

پنبه از نباتات اصلی آسیا است و بطبیعت در مالک گرم و رطوبت حاصل میاید ، این نبات

از برزیل در مالک متحد - برزیل - مصر - و روسیه زراعت میاید و بکار رنگ و چای

پنبه میخورد ، مالکی که ضو جات پنبه آنها قنوه است عبارتند از انگلیس -

مالک متحد و آلمان و فسیله

چغندر بیشتر در فسیله و آلمان و مالک متحد زراعت میاید و بکار رنگ و چای میخورد

از حیث مقدار قنوه آلمان در درجه اول است

قوت غذائی گرم بریشم است مالکی که تربیت گرم بریشم آنها قابل توجه است

(۱۲۲)

اول چمن دوم تراپون و ایران نیز از اینجه مهم است (در ایران تربیت کرم ابریشم
در گیلان و یزد معمول است اگر تجارت ابریشم با فرانسه است)

نباتات لغتی هم عبارتند از توتون و تریاک

توتون و تنباکو قبلاً از کشف امریکا مردم نمی شناختند پس از کشف آن قلعۀ بطوری
استعمال و خانیات در دنیا شیوع یافت که امروز کشته نقطه ایست که مردم آنجا
بستمال و خانیات بنشینند و مالک مملکتی که توتون آنها مهم است عبارتند از جزایر
آسیلیا - مصر - المان ایران (گیلان فارس آذربایجان)

تریاک در هندوستان و ایران بهل میاید استعمال آن تقریباً انحصار
بسیا دارد

صنعت - صنعت ریشون به قیمت تقیم کرد: اول استخراج معادن برای
تیه و ساختن آلات اودات کارخانه ها و سایر لوازم زندگی که باید آنها را از
صنعت فراهم نمود دوم صنایع معمول مثل نجاری - فلزکاری - ساختن ظروف
و غیره

بنظر دیگر با صنعت به و نفع تقیم میشود یک نوع صنایع بدی که باید کار عمده آن را
انسان با آلات مختلف نماید (مثلاً قالی بافندگی - پارچه بافندگی - صنایع دیگر)

(۱۲۳)

یک نوع صنایع کارخانه که در آن ماشینهای مخصوص و قوای طبیعی مثل برق و بخار
و آب بجای قوه بدنی انسان کار میکند. این نوع صنعت چون پیش از اقسام
دیگران در تنبیه لازم دارد و عالی ترین درجات آن شمرده میشود

برای هر یک از صنایع مواد مخصوصی لازمست. برای فلزکاری معدن فلزات برای
نجاتی پنبه یا پشم یا گتان یا ابریشم برای قندسازی چندر (این نوع مواد
مواد اولیه یا خام میگویند) و برای تغییر صورت و تبدیل این مواد قوای محرکه
یا مواد مولد حرارت (چوب خال نفت) محل احتیاج باشد

از ویژگیهای این صنایع اینست که قوه بخار یا برق محرکه میآورند و برای تولید
این قوه کشته اوقات خال سنگ بکار میبرند بهین جهت خال سنگ در نزدیکی
اقتصادی ممالک صنعتی و خلعت عظیمی دارد و بهین اعتبار است که فرقیها آن اما
صنعت میگویند. ممالکی که از جهت استخراج خال سنگ اهمیت دارند عبارتند
از آلمان انگلیس و ممالک متحده و بلژیک

نفت نیز از مواد مولد حرارت است ممالک نفت خیز عمده عبارتند از ممالک
ترکیه - روسیه - ایران - مجارستان - رومانی

در فلزکاری غیر از مواد مولد حرارت وجود معادن فلزات نیز از ضروریات

(۱۲۴)

مالک معادن فزات و مواد مولد عرازان نزد یک بیکدیگر است (آلمان و انگلیس ممالک متحده) اول رتبه صنعتی را در فزکاری دارند .
 فزات بر دو قسمند : فزات قیمتی و فزات سفید . فزات قیمتی عبارتند از طلا
 (در ممالک متحده - سیرری - افریقای جنوبی - استرالیا - کانادا) و فز
 (کریک - ممالک متحده - شیلی - پرو - آلمان - اسپانی - استرالیا)
 و الماس هم اگرچه فزات نیست جزو این دسته محسوب شود (در هندوستان و
 افریقای جنوبی فزات سفید عبارتند از آهن (آلمان - انگلیس - ممالک متحده
 سوئد - فرانسه - اسپانیا - روس - شیلی - ممالک متحده - کانادا) و قلع (شیبزو
 مالاکا - انگلیس - بلژیوم - استرالیا) و سرب (ممالک متحده - اسپانی -
 آلمان کریک) و روی (آلمان کریک و هلند و ممالک متحده) و نیکل (مالک
 متحده - آلمان - فنلاند) و زینق (اسپانیا ممالک متحده - اطریش -
 ایتالیا و کریک)

تجارت - اگرچه در نیمه تمدن صورت ساده را آن پیدا میشود اما حقیقت
 تمدن در اقصی صنعتی است در نتیجه ترقی در اکت و صنعت ایجاد میگردد
 تجارت برای هر قوم شامل دو قسمت است : یک قسمت فروش از محصول

(۱۲۵)

و مصنوعات خود بخارج و یک قسمت خرید متاع و محصولات از این کلیه
 محصول که از مملکتی بخارج حمل میشود صادرات و آنچه را که اهل آن مملکت از خارج
 میکنند واردات گویند .

برای تشریف تسلیع امر تجارت اهرهای منظم و متحد و سهل لازم است چنان
 بودن طرق ارتباطیه امر داد و ستد به سولت انجام میگیرد و تجارت رونقی
 را که باید حاصل میکند

طریق و وسائل ارتباطیه - برای تجارت و مسافرت دو قسم است
 راههای آبی و راههای ارضی - راههای آبی عبارتند از دریای و رودخانه ها و دیبا
 بهترین و مناسب ترین طرق شیبنا و از خیلی قدیم طرف استفاده انسان بوده
 این و آخر بواسطه استفاده ام قوه بخار و نخستین بنیان بخاری خورده ها (مثل قوه
 سوس پاناما) و راههای دریائی خیلی اهمیت یافته و یک قسمت عده از تجارت
 ممالک تاجر عالم بحسبیه تجارتی انجام میگیرد

رودخانه ها نیز در تجارت دخالت عده دارند اما همواره و خانه ها مناسب برای
 این کار نیست . رودخانه ها سیکل برشان بسته عریض و مجرایشان خلط و کم
 برای کشتی رانی مناسبند .

(۱۲۶)

مل تاجر برای آنکه بعضی دودخانه های نامناسب جهت گشتی را فی مناسب مساعد نماید
بشر آنها را عصبه بعض کرده و تحت شکنجای مجرایشان را بر طرف غیبایند بعد از
بواسطه تره ای مصنوعی آنها را بیکدیگر بیاورد و بیک نزدیک متصل میازند
انالی ممالک فرانسه آلمان و دودخانه های خود را بهین ترتیب بیکدیگر متصل نمود
بکشتی در آنها رفت و آمد میکنند

راههای رضی عبارتند از جاده های کاروانی و خیابانها و راههای آهین
جاده های کاروانی راههای مستقیم که عبور و مرور قوافل آنها را بآسودگی تسلیح
و قابل عبور و مرور نموده این قسم آنها را قدیم معمول بوده است
جاده های شور راههای مستقیم که مصنوعا آنها را در عرض معینی تسلیح کرده اند
و برای مروری و دودخانه های پل بسته یا کو بهار اشکافه توپل خور نموده اند

مهمترین طرق رضی که آهین اول دهنه در ۱۸۵۰ میلادی در انگلیس
برقرار شد و امروز قطع نیست که در آن خطوط آهین کشیده نشده باشد قطعه
از یک کار تمام قطعات دیگر بیشتر راه آهین دارد : طول آهینهای
مختلف از این قسم است

طول خط آهین بحسب کیلومتر

(۱۲۷)

اروپا ۵۲۶۰۰۰

اروپا ۳۲۴۰۰۰

آسیا و جزایر ماری ۱۵۰۰۰۰

آسیا ۲۷۰۰۰۰

اوقیانوسیه ۳۱۰۰۰۰

از حیث بحریه تجارت انگلیس از جهت طول راه آهین ممالک متحد و تمام
عالم و آلمان در اروپا درجه اول را داراست

جغرافیای قطبین

نقطه ریاضی قطبین یعنی دو قطب شمال و جنوب تا قرن بیستم معین نبود بلکه مردم این
از احوال بسیاری از اراضی اطراف و قطب هم بی اطلاع بودند از آنجا که در قرن بیستم
بعد برای کشف اراضی قطبی مسافرت های عیدیه بعمل آمده که هنوز هم دانسته آنها
استاد دارد و در نتیجه آنها اراضی قطبی و نقطه ریاضی دو قطب معلوم گردید
مانیک برای نبرد طالع مسافرت های عیدیه که در آن راه بعمل آمده است میگوینم

۱- قطب شمال

ناحیه اطراف قطب شمال حوضه ایت از قیاسوس نجد شمالی که طرف آن
به بر آسیا و اروپا و آمریکا احاطه کرده است

مسافرت های قطبی - مسافرت های اطراف قطب شمال به نظر بود و مسافرت
به قطب به دسته تقیم میوند ؛ بعضی نظر پیدا کردن راه تجاری از شمال
اروپا و آسیا بطرف د قیاسوس کیر (مخصوصا برای رسیدن بای جنوب شرقی
این راه بهر شمال شرقی میگویند) و یا از شمال آمریکا بطرف همان د قیاسوس (از
بهر شمال غربی معروف گردیده) بمافرت اقدام کرده اند ؛ بعضی دیگر نظر میدهند
مخصوصا ناحیه قطبی پیش رفته و جماعتی هم نقطه برای توسعه دادن معلومات و تحقیق

شهر واشنگتن (۴۳۸۰۰۰ نفر جمعیت) است که بنام آلرین محسوب

ارکاجرج واشنگتن باشد .

بلاد دیگر ممالک متحده اکثر انیک که در بیشتر جمعیت دارند . و همین آنها
در قسمت مجاور اوقیانوس اطلس دیده میشود

۱- در ناحیه شرقی نیویورک (۵۳۰۰۰۰ نفر) که امروز دوم شهر جمعیت عالم

(پنزلند) و اول بندر تمام دنیا محسوب میشود و از چند قسمت مرکب

و سیعترین شهرهای روی کره است بستن (۷۴۸۰۰۰ نفر) مرکز تجارت

غلات فیلا دلفی (۱۸۲۳۰۰۰) و بالتیمور (۷۳۴۰۰۰) هر دو در

و شهرهای صنعتی ققم . در دامن غربی الکاتی شهرهای مستورد (۵۸۸۰۰۰)

و سن سیناتی (۴۰۲۰۰۰)

۲- در ناحیه جنوب شرقی چارستون (۵۲۰۰۰۰) از بنا دار د قیاسوس

وارلن جدید (۳۸۸۰۰۰) در شمال مصب میسیسیپی

۳- در قسمت مرکزی شیکاگو (۲۷۵۱۰۰۰) در جنوب ناحیه شیکاگو

که دوم شهر ممالک متحده است و چون اطراف آن زراعت تربیت حیوانات

میشود مرکز تجارت غلات و گوشت است و دار کلم مستبری نیز میباشد

(۱۴۶)

سن لونی (۷۷۳۰۰۰) نزدیکی تقایبی بی بی دیویری یکی از بلاد مستقی
۴- در ناحیه بلاد شوشتر قابل ملاحظه سالت یک سستی (شهر دیرپا و شست)
که در کنار دریاچه شور سالت یک داشته.

۵- در ساحل اوقیانوس کبر و قنات کالینری، بندر سان فرانسکو
(۵۰۷۰۰۰) که در ۱۸۲۸ در کنار خلیج بهین نام ساخته شده.

ارض لاسکا - ارض لاسکا در شمال غربی امریکا و اقله و تقریباً باندازه
دست دارد و خانه نوکن از آن عبور میکند، جمیع آن قریب ۵۰۰۰ نفر
مقام آن عبارتند از شستکا و جزیره مارالف و در آن در ساحل نوکن سستی
داخل است لاسکا بعد از طلای آنست که بیشتر در حوالی کوهها و حوضه نوکن دیده
غیر از لاسکا مستقرات دیگر ممالک متحده عبارتند از مجمع الجزایر فیلیپین مادانی
و گوام ساموآ (در اوقیانوسیه) و پرتوریکو (در فلپینا)

اوضاع اقتصادی - ممالک متحده ملی از نوای پر ثروت و ثبات
و اوضاع اقتصادی آن بهرعت عجیبی در ترقی میرود

وسائل ارتباطیه - در ممالک متحده قریب ۴۵۰۰ کیلومتر ترعه موجود
دارد اگر مجاری سیاه آن قابل کشتی رانی است. از جمله طول خطوط آهن ممالک متحده

(۱۴۷)

بر تمام قطعه اروپا برتری دارد (طول خطوط اروپا ۳۴۰۰۰ کیلومتر طول خطوط ممالک متحده
۴۲۴۰۰ کیلومتر) و از این خطوط چهار خط از مرکز ممالک متحده از شرق به غرب عبور میکند
بحریه تجارتی آن نیز این و آخر ترقی عجیبی یافته، هم چنین خطوط آهن آن پسینک
جنوبی و مرکزی و شمالی است

۲- زراعت - محصول نباتی عمده ممالک متحده غلات (جو کدو و گندم و ...)
و پنبه است در درجه دوم نوتون و شکر و قهوه و چای انگور (مالک متحده اول غلات
خیز دنیا است و بعد از هند و چین در درجه اول است) تربیت حیوانات نیز در این قسمت بسیار
دارد و کجوه عمده از تجارت ملی تجارت گوشت و پوست یا خود حیوانات اهلی است
۳- صنعت - صنعت ممالک متحده با قدمهای سریعی ترقی میکند و غلات
زیادی غلات و کارگر در آن ممالک است. ناحیه شمال شرقی از جهت صنعت
تمام قسمتهای دیگر ممالک متحده ترجیح دارد

امالی ممالک متحده هر چه را که احتیاج دارند خود بسازند. بعد از صنعت غلات و
احتیاج خود را بخرج حق بار و پاهای میفرستند در صنایع ممالک متحده قسم صنعت هتلی
اول صنایع استخراجیه (مثل استخراج زغال سنگ و نفت آهن و مس و سرب و نقره)
دوم صنایع فلزکاری (مثل ساختن انواع ماشینها) سوم صنایع نجی (خصوصاً صنایع بافتنی)

1216

(در اوقیانوس اطلس) که طو بفرین آنها چنان است ۳۵۰۰ کیلو متر طول دارد
 و از پنج دریاچه معروف عبور میکند. در موقعیکه این رود خانه از دریاچه ای که در آن
 میریزد آبش عظیم نیا کار را احداث میکند که قریب ۴۵۰۰ متر ارتفاع داشته باشد
 بسیار آن جزرگانها و اوساچلین آن جزیره ها که متحد میباشد
 سواحل کانادا در طرف اوقیانوس کبیر کوهستانی و مفرس است (جزیره ای که در
 ویکتوریا است) و در سمت اوقیانوس منجمد شمالی نیز ساحل دارای ریس بالینا
 (شبه جزیره یوتیا فلیکس) پنج هودسن و شبه جزیره لابرادر) و در سمت
 اوقیانوس اطلس ساحل نسبت میباشد (تضاریر آن ارض جدید پر از
 و جزیره کاپ برتون و شبه جزیره اکس جدید و برنویک و جزیره
 محصول نباتی عمده کانادا در مرکز خلاصت و چین (مرتع حیوانات اهلی) و جنگل و درخت
 خلاصت و درختان بارور انگور است. محصول معدنی آن اگرچه ناگون بخوبی تحقیق
 بشود که بهای مغرب شرقی شایده بشود و طلا و زغال سنگ و مس و نفت آن هم باشد
 اوضاع سیاسی - کانادا ۱۷۶۳ تا ۱۷۶۴ تعلق بفرانسه داشته و در آن تاریخ
 با انگلیس تعلق یافته جمیع آن قریب ۸۷۸۸۰۰۰ نفر جمعیت بکثرت از هند
 فرستاد و اسکیموها و کاناداییهای فله انوی ترا و دوماجرین انگلیسی (اکثریت)

(۱۵۰)

جماعت آخرت است. قسمت بر جمعیت کانادا اطراف و دواخانه سن لران محل
 اوقیانوس اطلس و قتمهای کم جمعیت آن نواحی کو بهای شود مثال کانادا است
 پایتخت کانادا شهر کوچک اتاوا (۸۸۰۰۰) است که در کنار نهرا تاد او افتده
 شهرهای مهم عبارتند از بندر مایلفاکس (۵۰۰۰۰) از بنا در ساحل اوقیانوس
 اطلس و ریگس جدید. من نال (۵۰۰۰۰۰) در کنار سن لران. تورنتو
 (۳۰۰۰۰۰) از بنا در متبر کانادا و کبک (۸۰۰۰۰) در نزدیکی مستن لران
 وینی پگ در کنار دریاچه بهین نام در قسمت مرکزی کانادا. دوندو و نیکود
 و میکوتو ریا در ساحل اوقیانوس کبیر که دومی پایتخت جزایر و نیکو است و پورک کتا
 خلیج هودسن. متعلقات کانادا عبارتند از یکده جزایری که در اطراف آن افتده
 و بهترین آنها ارض جدید است که مرکز قبیلهای و غن میباشند و تکمیل ایل از رازگان
 جدا نمیشاید. پایتخت آن سن جان در جنوب ارض جدید و جزیره کوچک
 سن پیتر و میکلن واقع گردیده که هر دو بهرانه تعلق دارند.
 اوضاع اقتصادی - کانادا دارای ۲۰ میلیون کیلومتر راه آهن است
 بهترین خطوط آن خطی است که مایلفاکس را به واندکو و متقل نماید و پسا سفیک
 کانادا مشهور است طول آن ۳۹۳۲ کیلومتر

(۱۵۱)

کانادا ملکی نزار می است. مخصوصاً محصول غله آن مهم میباشد بهین جمله آن آبناب
 غله انگلیس طلب نموده اند. محصول غله آن غلات. چوبهای جنگلی. گوشت
 حیوانات. حیوانات اهلی. کره و غیره است. صنعت در کانادا اعتبار
 چندانی ندارد و خط بناست کثرت چوب کاغذ سازی آن متبر میباشد تجارت
 آن نسبت به زیاد و بیشتر با انگلیس و مالک متحد است

کرک

اجمال اوضاع طبیعی کرک یک فلات مرتفعی است وسعت ۱۹۴۷۰۰۰
 کیلومتر که رشته سیراما در از آن عبور نمیشد.
 سیراما در بدو قسمت تقیم میشود: یکی قسمت مجاور خلیج کرک یک بقعه اریز با
 دیگری قسمت مجاور اوقیانوس کبیر یا قله پوپو کاتپستل
 ارتفاع فلات کرک از ۱۱۰۰ تا ۲۵۰۰ متر میرسد قطه حاشیه کنار خلیج کرک یک
 و اوقیانوس کبیر است میباشد
 آب هوای آن در قتمهای پست گرم و مرطوبی است و غیت افزایش ارتفاع
 ملایم شود و اراضی که بیش از ۱۰۰۰ متر ارتفاع دارند گرم و اراضی بین ۱۰۰۰ و
 متر معتدل و نواحی فوق ۲۰۰۰ متر سرد هستند

(۱۵۲)

سواحل مرکزی در سمت اوقیانوس کبیر کوستانی (شیراز و خلیج کالیفرنیا) و در
 خلیج مرکزی است رسوبی است از جنس بزرگ یوکاتان و خلیج کاپیش
 چون آب و هوای مرکزی متنوع است نباتات آن نیز متنوع است و تقریباً نوع گیاهی
 که در مرکزی نزدیک محصولات معدنی نیز زیاد است. خصوصاً نقره آن طرفه جریانی است
 اوضاع سیاسی - جمعیت مرکزی نسبت به سمت آن خیلی کم است یعنی
 ۱۵۵۰۰۰ نفر تجاوز نمی نماید. اکثریت این سکنه از نژاد اسپانیایی
 باسکیان بومی حاصل گردیده زبان رسمی ایشان اسپانیایی است. پایتخت
 شهر مکزیکو (۱۴۷۱۵۰۰) است که در دشت عظیم ساخته شده ارتفاع ۲۰۰۰ متر است
 مهم آن عبارتند از بندر وراکروز (۴۹۰۰۰) که در کنار خلیج مرکزی و لئون
 (۵۸۰۰۰) و پوئرتو ری (۶۸۰۰۰) که در کنار راه راه (۱۱۹۰۰۰) در کنار
 ریوگرانده پوبلا (۹۶۰۰۰) و کاپیش در کنار خلیج کاپیش و بندر اکاپولکو
 در کنار اوقیانوس کبیر

اوضاع اقتصادی - طول راه آهنهای مرکزی قریب ۶۰۰۰ کیلومتر است
 و اوضاع اقتصادی آن رو به ترقی است از این میان صنایع استخراجیه مهم تر است
 مرکزی از حیث استخراج نقره اول مملکت دنیا است، فلزات دیگر نیز از مملکت استخراج

(۱۵۳)

می شود ولی کمتر از نقره نباتات آن از جنس نباتات منطقه حاره معتدله و مرطوب است
 آن نیز با ممالک متحد است. صادرات آن فلزات و مواد خام. واردات آن اشیا
 ساخته شده و ماشین آلات

۲-۱- امریکای مرکزی

امریکای مرکزی عبارتست از یک سلسله برزخها که امریکای شمالی و امریکای جنوبی
 و اوقیانوس اطلس و اوقیانوس کبیر متصل می نمایند. طول آن از شمال به جنوب ۱۲۰۰
 متر است آن برزخها و درزخ نیکاراگا (۲۲۰ کیلومتر) و پاناما (۵۶ کیلومتر) که این
 دو قاره را از ۱۹۱۲ خرداد ۱۹۱۴ شمار برای سیر سخاوت افتتاح نموده اند

از حیث اوضاع طبیعی امریکای مرکزی خیلی شبیه مرکزی است و محصولات آن نیز
 از جنس محصولات مرکزی است (خصوصاً قهوه) صادرات فلزات یعنی آن مهمی از مرکزی است
 و جمعیت آن قریب ۵ میلیون نفر. امریکای مرکزی سابقاً بخشی از مانی که اسپانیا در آن
 تسلط داشت یک مملکت بیشتر بود ولی امروز بخش مملکت کوچک تقسیم میشود از آنجا

- ۱- گواتمالا (۱۵۰۰۰۰ نفر جمعیت) پایتخت آن گواتمالا
- ۲- سالوادور (۱۵۰۰۰۰ نفر جمعیت) پایتخت آن سان سالوادور
- ۳- هندوراس (۳۷۰۰۰ نفر جمعیت) پایتخت آن تگوسیگالپا

(۱۵۴)

- ۴- نیکاراگوا (۳۸۰۰۰ نفر جمعیت) پایتخت آن ماناگوا
 ۵- کستاریکا (۴۷۷۰۰۰ نفر جمعیت) پایتخت آن سان ژوزه
 ۶- پاناما (۴۰۰۰۰۰ نفر) پایتخت آن پاناما و شهر مهم آن کلن که دومی کنا
 خلیج پاناما و اول در کنار ادقیانوس کبریا فته (تره پاناما در تحت نظارت ملک شیدا)
 غرض این شش قسمت در بحر اقیانوسیه کوچکی است موسوم به هند در اس
 انگلیس (۳۷۰۰۰) که پایتخت آن بندر بلتر است
 چون مالک امریکای مرکزی باید که متحد نیستند بلکه اغلب مخالفت بر میزند
 ثروتی است در سبک ریخته و محصول عدوه است که بیشتر در کواتالا بهل می آید

۳- آنتیلهها

آنتیلهها بعد از جزایری هستند در شرق امریکای مرکزی که دو امریکای شمال و جنوبی یکدیگر
 متصل و مربوط می شود و بدو قسمت تقسیم می شوند: آنتیلههای بزرگ و آنتیلههای کوچک
 جزایر و ساحل امریکا خلیج کرئیک و بحر آنتیلهها و ترتب فلورید و یوکاتان فاصلا
 آب دهنوی تمام این جزیره بجزی و مربوطی است و محصولات نباتی آنها شکوفه
 و پنبه و نون و ادویه طعام است و سکه آنها بیشتر انگلیسی و فرانسی و اسپانیایی
 هستند. عدد جمعیت این جزایر مجموعا (۶۰۰۰۰۰ نفر) است

(۱۵۵)

- از آنتیلهها دو جزیره بزرگ کوبا و ایستی مستقل و باقی با انگلیس فرانسه
 و مالک متحد و ادغام کرد و هند متعلقند
 ۱- کوبا (۲۹۰۰۰۰۰ نفر) مرکز آن کو بهستانی و سواحل جلگه ایست پایتخت آن
 لامادان (۳۶۳۰۰۰ نفر) شهرهای مهم آن پورتو پرنسپ و سان خاکیو
 این جزیره سابقا متعلق به اسپانیایی داشته پس از جنگ اسپانیا با مالک متحد
 در ۱۸۹۸ و مغلوبیت آن دولت متعلق گردید. محصول عدوه آن نون و شکر
 ۲- جزیره ایستی مرکز آن دوجهوری، اول جمهوری ایستی (۲۰۳۵۰۰۰ نفر)
 پایتخت آن پورتو پرنس (۱۲۰۰۰۰ نفر) دوم جمهوری سن دمنیک که از اول
 و سغرات ملی آبادی و اعتبار آن کمتر باشد پایتخت آن بهین نام (۴۰۰۰۰ نفر)
 ۳- آنتیلههای انگلیس: جزیره ژامائیک (۷۵۰۰۰۰ نفر) پایتخت آن
 کینگستون جزایر باهاما - قسمت عدوه آنتیلههای کوچک یعنی دمنیک
 - سنت لوسی - سن وسان - گرناد - توباگو - تری نیداد
 ۴- آنتیلههای مالک متحد: جزیره پورتو ریکو (۱۱۸۰۰۰ نفر) پایتخت آن
 سان ژوان محصول عدوه آن نون و قهوه و شکر میوه است
 ۵- آنتیلههای فرانسه: جزیره گوادلوپ - مارتینی که

(۱۵۶)

آتشان معروف به در آن واقع شده و در ۱۹۵۲ این جزیره را تفریاد کرد
۶- آتشیهای و انمارک : جزیره سنت کروا (صلب مست)

- سن ژان - سن توامس

۷- آتشیهای بلند - جزیره کوراساو و پنج جزیره دیگر

۴- امریکای جنوبی

وسعت و موقع - امریکای جنوبی قسمتی از آن در نیمکره شمالی قسمت دیگر آن
در نیمکره جنوبی خط استوا از شمال آن عبور نماید . نقطه بین ۱۳ عرض شمالی و ۵۰ عرض جنوبی قرار
دارد امریکای جنوبی از طرف شمال محدود است بر بای اقیانوس اطلس از شرق باقیانوس اطلس
از مغرب با اقیانوس کیر و وسعت آن ۱۷۸۰۰۰۰ کیلومتر مربع

پستی و بلندی - امریکای جنوبی از حیث پستی و بلندی شبیه امریکای شمالی است مانند
آن قطعه زمین تقسیم شود به دو آن مجاور اقیانوس کیر یک سلسله کوههای مرتفع و کوهستانی
موازی با اقیانوس وجود دارد ، در شرق دارای رشته کوههایی است که ارتفاع آنها
متوسط باشد در مرکز آن جلگه عظیمی دیده میشود که از بحر آتشیها تا حوالی اقیانوس اطلس جنوبی
متوسط باشد در مرکز آن جلگه عظیمی دیده میشود که از بحر آتشیها تا حوالی اقیانوس اطلس جنوبی

۱- سلسله ای غنی و بنا به کوههای شوم هستند و تا مدتها جنوبی امریکای هندو آسیا مجموع
این سلسله در رشته اند میگویند و رشته اند پس از بهایا بر تفریق ترین رشته ای عالم است

(۱۵۷)

در اکثر قسطنطنیه بیشتر از ۵۰۰ و ۶۰۰ متر ارتفاع دارند ولی ارتفاع بسیار کم از ۷۵۰ متر
نکند قسطنطنیه اند جارتند از قله کو تو پا گری (۵۹۴۲ متر) و بیشتر از ۲۵۴ متر
در شمال قسطنطنیه (۵۷۰۰ متر) و ساوا (۷۸۱ متر) و سراتا (۵۵۰ متر)
و ایلمانی (۴۵۸ متر) در مرکز قله ای کو پیاو (۶۰۰۰ متر) و اگونگا کو
(۷۰۴۰ متر) در جنوب که ارتفاع همه همین اگونگا کو است

۱- مابین کوههای آن چند عدد فلات بالنده واقع میشوند و آنقدر که اکثر آنها دارای
آتشیانی میباشد (زیرا قسطنطنیه بیشتر آتشیانی هستند و قسمت شرقی حلقه آتشیانی
کیر را تشکیل میدهند) مهم ترین این فلاتها کی فلات کیتو است که در زیر خط استوا
و دیگری فلات بلوی که در باجه تی تی کاکا در آن قرار گرفته

۲- ناحیه شرقی دارای دو قسمت شخصی است که هر کدام از آنها با آنکه دارای
دره های عمیق هستند فلاتها مانند کی فلات گویان که در رشته کوه که ارتفاع
در آن موجود است - دیگری فلات برزیل که فلات ماتو گروسو جز آنست
مهم ترین قله آن ایاتایا است با ارتفاع ۲۷۱۲ متر

۳- جلگه مرکز امریکای جنوبی جلگه عظیم پستی است که خط در سمت جنوب ارتفاعی حاصل
و فلات پاتاگونی منتهی میگردد و در سیمیک ارتفاع این فلات بیش از ۵۰۰ متر ارتفاع

(۱۵۸)

آب هوا - چون قسمت عمده امریکای جنوبی در منطقه حاره اقتت آب هوای آن گرم و مرطوب است از جهت مقدار طوبت پس چیک از قطعات امریکای جنوبی که آبروی فقط نواحی آنز بناست زیادی ارتفاع قتل دارای برف هوای سرد است قطعات نامکو آب هوا خشک و در قسمت جنوبی امریکا و جزایر مجاور آن آب هوا با لجه سخت و شدید شطوط و انهار - چون مقدار طوبت امریکای جنوبی از تمام قطعات دیگر عالم زیاد تر است شطوط آن نیز عظیم و پر آبند و پر آب ترین شطوط عالم در این قطعه قرار دارد شطوط و انهار عمده امریکای جنوبی همه در حوزه اوقیانوس اطلس اند و مهمترین آنها

۱- ریو ماگدالنا در کلمبی و حوضه بحر انیشیا

۲- شط او زنگ که با دلتای وسیعی با اوقیانوس اطلس در می شود و یکی از ثبات ایای آن با آمازون متصل است

۳- شط عظیم آمازون که در زیر خط استوا جریان دارد و ثبات آن هر که ادم حکم شط هم دیگری هستند و اهم ثبات آن عبارتند از: مادیرا و تاپاژوز و گورکوز و توکانتن. ریونگرو و مارانیون طول آمازون ۶۰۰۰ کیلومتر

۴- ساو فرانسیکو در برزیل

۵- ریو د لا پلاتا ترکیب از رودخانه پاراکو و پارانا و اروگو

(۱۵۹)

و بعضی آنها کوچک دیگر از مغرب بآن میزنند

۶- در آمازونین ریونگرو و ریو گرادو

سواحل - ساحل اوقیانوس کبیر که به سانت وینس کو ایا کیل بریدی

هم آنت جزایر این ساحل مجسمه جزایر کالاپاکس و جزایر ساحل شیلی است

ساحل اوقیانوس اطلس به پشت تر است نقاط مهمه آن مانده سان کن و خچ

مغربی آمازون. جزیره ماراژو و خلیج مینی لاپلاتا و خلیج سن ژرژ و سن

ماتیاس و جزایر مالوین یا فالکلند و باب مارشان و اراض

النار و دماغه هورن (منتهی شرقی امریکا بطرف جنوب)

نقاط مهم ساحل بحیره انیشیا عبارت است از خلیج ونزوئلا و دریاچه پاراکو

و جزایر تحت الریاح

منابع ثروتی - امریکای جنوبی دارای منابع نباتی مهم و گسترده است

نواحی خشک آن مثل محاری شیلی و آمازون از این نعمت محرومند. معروفترین

نباتی امریکای جنوبی عبارت از قهوه، خشک، کاکائو، توتون، پنبه شقایقی

و مراتع - در سمت شمال دشتهای بزرگ و گرمی قرار گرفته که آنها را لائوس میگویند

(مخصوصاً در حوضه آمازون) در نزدیکی خط استوا جنگلهای انبوه تریکی وجود دارد

(۱۶۰)

آنها را اسلوا میمانند و در قهتهای جنوبی مراتع وسیعی دیده میشود و مسووم پامپا
اکثر آنها را بزاع تبدیل کرده اند. ثروت معدن امریکای جنوبی بیشتر طلا و نقره
وس و الماس و شکر است. این در حال سنگ آن با لند کمتر است
مکتب جمعیت - امریکای جنوبی با آنکه از حیث وسعت چندان با امریکای
شمالی تفاوت ندارد جمعیت آن خیلی کمتر است و این جمعیت بانی ادایش حاصل نمائ
جمعیت آن در ۱۹۲۱ قریب ۶۵۷۰۰۰۰ نفر بود و علت قلت جمعیت امریکای جنوبی
اینست که چون نسبت بار و پاد و در تریبها بحرین اروپائی کمتر طرف آن متوجه میشوند با وجود
این و در روز بعد و با بحرین آن افزوده میگردد، بیشتر تهاجرین قسمت جنوبی برزیل
مصب لاپلاتا سکونت اختیار نمایند. ساکنین امریکای جنوبی مانند مردم امریکای شمالی
نژاد بسیار عده زرد پوستان آن (چینیها) خیلی قلیل است و سیاهان نیز چندان یافت
قزلبوستان در فلاتهای غربی و سفید بوستان در تمام مالک جنوبی متشک
سفید بوستان امریکای جنوبی اکثر پر تعلق و اسپانیایی هستند، زیرا این کشف
امریکا تمام امریکای جنوبی را این دو قوم تصرف شدند و بر تعلقها برزیل اسپانیا
در مالک دیگر قرار گرفتند

مالک امریکای جنوبی از ۱۸۲۰ تا ۱۸۳۰ تمام از تحت تصرف اسپانیا و پرتغالها

(۱۶۱)

خارج شده برای خود تشکیل جمهوریهای مستقلی داده اند ولی زبان هر صبا
اولی خود یعنی اسپانیاییها و پرتغالیها را حفظ نمودند. امروز زبان برزیل
پرتغالی و زبان مالک دیگر اسپانیایی است. مذهب اکثریت که کاتولیک است
چون که امریکای جنوبی از شعبه ثرا د لاتیسی هستند امریکای جنوبی امریکای
لاتینی نیز میگویند برخلاف امریکای شمالی که با امریکای انگلوساکن معروف است زیرا
اکثریت که آن را انگلوساکونها یعنی ژرمنها تشکیل داده اند

تقیات سیاسی - امریکای جنوبی امروز ترکیب است از دو جمهوری مستقل
فقط یک مانجه آن یعنی قسمت گویان به دولت از دول اروپائی (هند و انگلیس) تعلق
تعلق دارد و مالک امریکای جنوبی را به قسمت میتوان تقسیم کرد از این قرار:

- ۱- مالک غربی: اکواتر - پرو - بیوی - شیلی
- ۲- مالک شمالی: کلمبی - ونزوئلا - گویان
- ۳- مالک شرقی: برزیل - اردو - پاراکه - اررئینین

(وسعت بحب کیلومتر مربع) اسم
جمعیت

برزیل ۸'۳۳۰'۰۰۰ ۳۰۶۳۵'۰۰۰

(۱۶۳)

ارراشتین	۲۸۸۵۰۰۰	۸۶۹۹۰۰۰
پرد	۱۷۶۹۰۰۰	۷۳۰۰۰۰۰
بلوی	۱۲۳۴۰۰۰	۲۸۹۰۰۰۰
کلبی	۱۳۳۰۰۰۰	۵۷۴۷۰۰۰
فروطا	۱۰۲۷۰۰۰۰	۲۴۱۲۰۰۰
شلی	۷۷۶۰۰۰۰	۳۷۵۴۰۰۰
اکواتر	۲۹۹۰۰۰۰	۲۵۰۰۰۰۰
پاراک	۲۵۳۰۰۰۰	۱۶۰۰۰۰۰
گویان انگلیس	۲۴۹۰۰۰۰	۲۹۷۰۰۰۰
اردوکه	۱۷۸۷۰۰۰	۱۴۹۵۰۰۰۰
گویان هند	۱۲۹۰۰۰۰	۱۵۷۰۰۰۰
گویان فرانسه	۷۸۹۰۰۰	۴۴۰۰۰۰

مالک غربی

مالک غربی از جهت نزدت نسبت به مالک دیگر امریکای جنوبی پست تر بخند دلیل:
۱- چون بین ساحل دریا و سلسله آند فشرده شده اند قیمت عمده ارضیشان قابل استفاده

(۱۶۳)

۲- سلسله آند بین آن مالک و مالک دیگر حصار عظیمی که تقریباً غیر قابل عبور است ایجاد نموده
۳- روابط آنها با اروپا و قیمت تمام مالک متعده (قیمت شرقی آن) چندان سهل و آسان نیست
۱- اکواتر- اکواتر یا اکواتر از باین جهت باین نام میخوانند که در ناحیه استوای فشرده
مرکز آن کوهستانی و دارای غوات مرتفع است و مغرب شرقی آن نسبت به جلاله
پایتخت آن کینو (۵۰۰۰ نفر) که اطراف آن چندانش نشان خاطر شهرهای مهم
کواکیل (۹۴۰۰ نفر) و کوتکا (۵۰۰۰ نفر) صادرات عمده آن: کاکائو
پنبه- قهوه- توتون- طلا- سرب- آهن (جزایر گالاپاگس با کواتر تعلق دارد)
۲- پرد- ساحل آن خشک و بایر و قیمت کوهستانی آن معتدل و دارای دریا
نقره و فلزات شرقی آن گرو مرطوبی است و عموم محصولات منطقه حاره در قیمت بسیار
پایتخت آن لیما (۱۷۳۰۰۰ نفر) شهرهای مهم آن بندر کالالو (۵۰۰۰ نفر)
کوزکو (۴۰۰۰ نفر) و ایرکپیا (۵۰۰۰ نفر) پونو (۴۰۰۰ نفر)
صادرات عمده آن: شکر- پنبه- مس- طلا- نقره و شترلا
۳- بلوی- این مملکت سابقاً بیشتر از امروز شرقی داشته پس از نیکت از شلی
(۱۸۸۲) ایالات بحری خود را از دست داد و امروز چون بریادست ندارد

بسیاری از ترقیات بر روی مالی آن ممدود است

(۱۶۴)

پایتخت آن لاپاز (۱۱۵۰۰۰ نفر) شهرهای دیگر آن موکرا ما شوکیرا (۸۰۰۰ نفر)
 پوتوزی (۳۰۰۰ نفر) دارای معاونت سه مورد و (۳۰۰۰ نفر)
 صادرات مهم آن عبارتند از: برنج - ذرت - کاکائو - پنبه - نباتات طبی
 آهن - پنبه - معاون آن، نقره - طلا - شوره - گوگرد - سرب و من
 ۴- شیلی - باریکه طبیعی است از خشکی که بین رشته آند و اوقیانوس کبیر
 قرار گرفته، در دشت آن قلمرو قطع مخصوصاً قتلش فاشی و در ساحل آن کوهها
 بالنسبه عمیق وجود دارد، شمال آن گرم و خشک و اغلب بیابانست مرکز آن تایم
 دارای باران متوسط و در جنوب آب و هوای مرطوبی و نسبت سرد میباشد و نباتات قیمت
 مرکزی غلات و انگور و میوهجات در قیمت خوبی مرقع و جنگلهای عذیه است
 محصول معدنی شیلی فراوان زیاد است بخصوص شوره و مس و نقره و زغال سنگ
 آن اعتبار مهمی دارد (خاصه در قیمت مرکزی)
 چون قیمت مرکزی شیلی ارجه محصولات معدنی و نباتی و آب و هوا بر نو و دیگر
 مملکت برتری دارد شهرهای معتبر هم در این قیمت واقع شده اند پایتخت آن سانتیاگو
 (۵۰۸۰۰۰) شهرهای مهم آن عبارتند از: والپارازو (۸۳۰۰۰ نفر)
 که معتبرترین تمام بنا در امریکای جنوبی در ساحل اوقیانوس کبیر است

(۱۶۵)

(۲۸۰۰۰ نفر) دلا سرتا (۲۰۰۰۰) و شیلان (۳۱۰۰۰)
 کنسیون (۶۴۰۰۰) و تالکا (۳۶۰۰۰)
 در اوقیانوس کبیر یک عدد جزیره ایرل جزیره شیلو و و لسیگتن
 و مجمع الجزایر پاک (در اوقیانوسیه) و نصف ارض آن از شیلی تعلق دارد
 ممالک شمالی

۱- کلمبی - کلمبی در شمال امریکای جنوبی واقع است تنها مملکتی است از این
 که بعد اوقیانوس است دارد، قسمت غربی آن کوهستانی و مرطوب معتدل است
 محصولات منطقه حاره است و شرق آن جلگه و چمنزار میباشد و اغلب در آن
 قیمت تربیت حیوانات اهلی میباشد معاون کلمبی فسادان بیشتر در قیمت کوهستانی
 آن واقع است
 پایتخت این جمهوری شهر بوکوتا (۱۴۴۰۰۰) است نزدیک ۲۶۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع
 دارد. شهرهای مهم آن عبارتند از: مدلن (۷۴۰۰۰) و بندر بارانکیلا (۶۵۰۰۰)
 ۲- ونزوئلا - قسمتی از ونزوئلا که مجاور اوقیانوس اطلس است دارای کوهستانها
 و فلات مرتفع میباشد، و در دره های ان قیمت محصولات منطقه حاره (توتو و دیگر گیاهان)
 بسیار زیاد و در مرکز آن دشت بزرگی است (لانوس) که بکار تربیت حیوانات اهلی

(۱۶۶)

پایتخت دوزخ کاراکاس (۱۲۰۰۰) که پیش بندها را لاکوایر (۱۰۰۰۰) است
 شهرهای مهم آن عبارتند از بارکیزمیتو (۱۳۰۰۰) و ماراکایبو (۴۰۰۰۰)
 ۳- گویان - ساحل گویان پست و گرم و مرطوب و ناسازگار است محصول
 عمدتاً بنفشه و قهوه کاکائو و کائوچوک دارد و به قیمت قهوه میفروشد. گویان بنفشه
 و فزانه که هر سه کم جمعیت بدون آبادی زیادی هستند. گویان بنفشه از قیمت
 سبز است پایتخت آن ژورتون (۵۵۰۰۰) محصول عمدتاً آن قند
 گویان فزانه، کوپلرین و بی ایت ترین قیمت گویان است پایتخت آن کاین
 (۱۵۰۰۰)

گویان بند پایتخت آن پاراماریبو (۵۰۰۰۰)

مالک شرقی

در سمت اوقیانوس اطلس یعنی مشرق امریکای جنوبی چهار مملکت است و مملکت
 این چهار بمنابت من موقع و کثرت محصولات بهترین مالک امریکای جنوبی میباشند
 این مالک عبارتند از برزیل - پاراک - اردو - ارانتین
 ۱- برزیل - برزیل بزرگترین مالک امریکای جنوبی است و بیشترین
 برابر با تمام مالک دیگر و با همه آنها باستانی شبیه است

(۱۶۷)

برزیل دارای قیمت متنوع میباشد

۱- سواحل آن در سمت شمال پست و شتر دارد و قیمت جنوبی گویانی و پائین
 مهمتر است فقط همه ساحل برزیل عبارتند از خلیج مصی آمازون یا خلیج ساتارا
 و مانه سان رک - خلیج باهیا - خلیج ریو د ژانیرو و غیره
 ۲- در سمت شمال برزیل یعنی در حوضه آمازون جنگلهای عظیمی واقع شده که قریب
 به ربع اروپا وسعت دارد. جنگلهای بنوده سرد در هم سطح آنرا پوشانده اند
 رودخانه ماقوه نفوذ در آنها دارند، هوای آن گرم مرطوب و محصولات آن
 جنس محصولات منطقه استوایی خاصه کائوچوک و شایقی است
 ۳- قیمت جنوبی آن خلای است دارای آب و هوای معتدل سالم، در قیمت
 انواع نباتات مثل غلات و پنبه و بنفشه و قهوه و کاکائو مخصوصاً قهوه را
 میشود این قیمت آبادترین و پر جمعیت ترین و تمدن ترین قسمتهای برزیل است
 معادن الماس و فلزات گرانبهائی نیز دارد
 جمعیت برزیل بواسطه مهاجرت اروپاییان بآن مملکت و باز دیاد است اکثر
 مهاجرین ایتالیائی و آلمانی هستند
 پایتخت برزیل ریو د ژانیرو (۱۱۵۰۰۰) که دوم شهر پر جمعیت امریکای جنوبی

(۱۹۸)

دازبنا در مقبره ادقیانوس طلسم محبوب بود اکثر شهرهای قلم برزیل در قیمت سنگ
 قرار گرفته اند و عبارتند از پرنامپوکو (۲۳۹۰۰۰) یاریف و باهیا
 باهیان سالوادور (۷۳۸۰۰۰) و سانتوس (۱۰۲۰۰۰۰) و پلمپا
 (۲۳۶۰۰۰) - فرانزا (۳۰۰۰۰) در قیمت بری شهرهای قلم عبارتند از
 ماناوس (۷۶۰۰۰) و سالو پاولو (۵۷۹۰۰۰) مرکز تجارت قوه
 دیگر اوروپرتو (۱۳۰۰۰)، پرتو الکرا (۱۷۹۰۰۰) برزیل کی از خاکست
 و اقتصاد دی و نبات محصولات نباتی آن قلم میباشد اول درجه قوه است
 که این مکتب به تنهایی قریب ۷۵ دره ۱۰ قوه نیار حاصل میشود برزیل
 در ارضی بین ۲۴ و ۲۵ عرض جنوبی یعنی ناحیه اطراف یو و ژایرو و لونا پاولو
 زراعت میکنند و سالو پاولو ملقب بشهر قوه است
 بنا در تمام تجارت قوه عبارتند از یو و ژایرو و سانتوس و محصولات قوه
 در سال قریب ۲۰۰۰۰۰۰۰ و کور و خوار است، نیکر و تو تون و پنجه برزیل در درجه دوم
 و آن نباتات بیشتر در ناحیه شمال زراعت میشوند دازبنا در باهیا و پرنامپوکو
 صنعت برزیل اهمیت جذانی ندارد ولی تجارت آن نسبت به قلم است
 ۲- پاراکه - سابقا وسیعتر از امروز بود پس از آنکه دره ۱۸۷ از دست

(۱۹۹)

برزیل دازراشتین وارد گشت یافت مقدار زیادی از خاک قوه وارد است
 دوا خاک آن جلگه است حاصل محصول عمده آن قوه و تو تون
 پایتخت این مکتب آسومینون یا آسونیون (۱۵۰۰۰۰)
 ۳- اردوکه - اردوکه از پاراکه کوچکتر است خاک آن فلاتی است بابت هوای
 معتدل، دارای تو تون و انگور و معادن فلزات قیمتی
 پایتخت آن مونویدلو (۳۸۵۰۰۰) دازبنا در تمام ادقیانوس طلسم است
 ۴- جمهوری آراشتین - آراشتین پس از برزیل وسیعترین خاک است
 خوبی است در حوضه شط لاپاتا و شعبات آن واقع شده چون دزانویان لاپاتا
 رودخانه لغره (آراشتین) میگفتند این مکتب بزرگترین موسوم
 طول آراشتین چون از شمال بخوب است از منطقه حاره تا نزدیکی منطقه معتدل
 شده محصولات آن متنوع است، قیمت شمالی دارای محصولات منطقه حاره و
 مرکزی آن از چمنها و مراتع قرم (پامپا) و ذراع غلات مسورت
 قیمت جنوبی چون سرد است محصولات عمده ندارد، فقط معادنی قابل توجهی
 وجود دارد و مراتع آن بکار تربیت مواشی منجور و
 مهاجرت اردو پایان بزرگترین شبه زیاده است و بیشتر مهاجرین آلمانی و فرانسوی

(۱۷۵)

و ابطالبانی هستند و بزغ غلات و تربیت حیوانات استثنای دارند
 پایتخت ارثانتین پونوسس ایرس (۱۶۰۴۰۰) اول شهر جمعیت ایرانی
 جنوبی است در ساحل بین بود لاپلاناک سال سال برتری آن افزوده می شود
 شهرای دیگر ارثانتین بندر لاپلاناک (۹۰۰۰۰) رزار یو (۱۲۳۰۰۰)
 توکوبان (۹۰۰۰۰) کردوبایا قرطبه ارثانتین (۱۰۵۰۰۰) سانش
 (۱۰۰۰۰) و بابا میا بلانکا (۴۴۰۰۰)

در ارثانتین تربیت حیوانات اصلی اهمیت کلی دارد و آب گاو و گوسفندان بسیار
 محصول عمده آن گندم و پشم انکورو پوست حیوانات
 در این مملکت چند رشته راه آهن وجود دارد که از حبش طول برابر با نصف تمام
 خطوط آریکای جنوبی میباشند و طویلترین آنها حتی است که از لاپلاناک شروع
 و به دالبارز و وصل میشود و چون از آنجا میگذرد از آنجا خط مایور را اندام میگویند
 اوقیانوسیه

موقع و وسعت - در خند اوقیانوس کیر مقدیادی جزایر واقع شده اند
 که آنها را اوقیانوسیه یا عالم بحری مینامند و تحت این اسمی ۱۱۰۰۰۰۰ کیلومتر
 مربع است جزایر زبورین ۱۲ عرض شمالی و ۲۸ عرض جنوبی قرار گرفته اند

(۱۷۱)

این اراضی از حبش مستقیم است با یکدیگر یعنی تفاوت دارند، بعضی حکم براری
 بزرگ و بعضی دیگر حکم جزایر خود و کوچک دارند
 اوقیانوس کیر به قسمت تقسیم میشود: قسمت غربی که است از جزایر بزرگ بعد از آن اوقیانوس
 در این قسمت یاد است (که در آب نزدیک ۳۰۰۰ جزایر این قسمت است) قسمت شرقی
 از جزایر کوچک دارد و در آن اعلاق قسم، عده جزایر خود و اوقیانوسیه از ۴۰۰۰۰ جزایر
 اوضاع طبیعی - جزایر اوقیانوسیه بطوریکه هر یک که قسمتهای باشند از یک طرف
 که آب سطح آنرا پوشانده و قسمتهای از آن خارج گردیده اند، این جزایر از جهت اوضاع طبیعی
 یکدیگر شبیه اند، از حبش پنی و بلندی، جزایر زبورین را که بکشد از فلانهای وسیعی که سطح آنها
 صغیری و آن مستور کرده (مثل سترالیا) و یا از توده های کوهستانی که دره های عمیقی
 آنها قرار گرفته اند تشکیل یافته و در سواحل آنها جلگه های واقع شده (مانند کفیه جزایر)
 در لاند جدید) و در اغلب این جزایر مخصوصاً در جزایر مالزی عده زیادی استشن فشان وجود دارد
 آب هوای این جزایر چون تمام آنها با استثنای لاند جدید در منطقه حاره قرار گرفته اند و در طویل
 رطوبت این جزایر بواسطه بادهای منظم و موسمی زیاد است و رودخانه در تمام آنها بسته افتاده اند
 میشود، اغلب این رودخانه با پر آب و سیلابی دوگانه اند. محصول نباتی جزایر اوقیانوسیه
 محصولات منطقه حاره مرطوبی است. جزایر مالزی در سال مقدار زیادی فیکر قهوه

(۱۷۲)

و آذوقه و قوتون و پنبه حاصل می نمایند.

نباتات استرالیا مستوع و محصولات زراعت جدید منحصراً است، در استرالیا مضافات قیمتی و در مالزی قلع و در زلان جدید زغال سنگ دیده شود.

جزایر اوقیانوسیه را پنج دسته تقسیم می کنند

- ۱- قسمت استرالیا شامل بر استرالیا و جزایر تاسمانی و زلان جدید
- ۲- مالزی در جنوب شرقی آسیا که گاهی آنرا جزو آسیا هم محسوب می کنند
- ۳- ملانزی شامل کینه جدید و جزایر مجاور آن

۴- پولینزی شامل جزایر که بین ساندویچ و پاک و فی جی واقع شده و مرکب از عدد کثیری از جزایر کوچک است

۵- قسمت میکرونزی مرکب از یک دسته جزایر بالینه خود در سمت شمال غربی شامل جزایر - پالائوس - کارولین - مارشال - ژیلبرت و غیره

اوضاع سیاسی - جمعیت اوقیانوسیه چندان زیاد نیست، با شمار آن بالغ بر جمعیت مالزی قریب ۴۵ میلیون بدون جمعیت مالزی تقریباً ۱۵ میلیون

سکنه اوقیانوسیه تقریباً به دو دسته تقسیم می شوند: بومیان اروپاییان مختلف بومیان عبارتند از االی ملانزی و اروپاییان عبارتند از مهاجر نشینانیکه بجزایر

(۱۷۳)

آن قطعه رفته اند، بعلاوه مقداری چینی را بونی هم در اوقیانوسیه وجود دارد. تقیسات سیاسی - در اوقیانوسیه مملکت مستقلی دیده نمی شود، جزایر آن بین مملکت انگلیس و مملکت متحد آلمان و ژاپون و شیلی و پرتغال تقسیم

سه قسم می شود انگلیس و مملکت متحد و دارا هستند

۱- دولت شیلی جزایر پاک را تصرف است

۲- ژاپون جزایر بونی با مقداری از تصرفات سابق آلمان را تصرف کرده

۳- پرتغال قسمت شرقی تیمور را مالک است

۴- تصرفات فرانسه قریب ۴۰۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارند و جمعیت آنها

از ۱۰۰۰۰۰ نفر تجاوز نمی نماید، مهمترین تصرفات آن دولت عبارتند از کالدو

جدید در شمال شرقی استرالیا بخت آن نوها، مجمع جزایر موسوم به سمیر

قسم آن تائیتی جزایر والیس جزایر مارکیز جزایر کامیه جزایر توامو تو

و تو بون و قسمتی از همبرید جدید

۵- تصرفات آلمان قبل از ۱۹۱۴ قریب ۲۴۴۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت

و یک کرد و جمعیت داشتند و عبارت بودند از مجمع الجزایر نیز مارک -

ماریان - مارشال - کارولین و یک قسمت از جزایر ساموآ جزایر

(۱۷۴)

پالانوس و قسمتی از سیلمان و گسینه جدید - از این جزیره ایر و در آنجا
که در شمال خط استوا قرار دارد و از این بقعه را استرالیا تصرف نمود
۶- تصرفات مملکت متحده، عبارتند از مجمع الجزایر فیلیپین در مالدی
و سانچو و یاما و آلی قسمتی از ساموآ و جزیره کوآم و در میان
سانچو و مرکب از ۸ جزیره و ده جزیره کوچک است و در ۶۰۰ نفر
جمعیت دارد و در آن آتش فشانهای مهم دیده میشود که قهرین آنها کی مانوآ
(۴۲۰ متر) و یکی هم مانوآ مانوآ (۴۶۸ متر) است
محصول عمده این جزیره برنج و نیکر است پایتخت آن پوتولودر است و تجاری
امریکا و آسیا

فیلیپین شامل دو جزیره بزرگ است یکی لوسین و دیگری مین و آنان
جمعیت آن ۸ میلیون، پایتخت آن مانیل، محصول عمده این جزیره درج
اول قوتون و بعد سایر محصولات منطقه حاره است، سبک کارهای لوسین
میباشد این جزایر را مملکت متحده در ۱۸۱۸ از اسپانیا منزع نموده
۷- تصرفات هلند یا هند شرقی، هلند عبارتند از مجمع الجزایر سوند
شامل سوماترا - جاوه - فلورس - قسمتی از تیمور، جزایر صنادو

(۱۷۵)

و دولت از برنو و سلب و مجمع الجزایر ملوک شامل سرام و جیلو نو
و قسمت غربی گسینه جدید یعنی جزایر کوچک دیگر
هند هلند قریب دولت مالزی را شامل است از قدیم بحیرایرادی و یاقوت بود
زیرا بیشتر ادویه طعام را از این جزایر بمالاک اروپا میبردند، آبادترین
آنها جاوه است که قریب ۳۰ میلیون جمعیت دارد پایتخت آن بطاوی (۱۲۰۰۰ نفر)
شهر مهم آن سورابایا (۱۱۸۰۰۰) در این جزیره چندین رشته راه آهن دارد
جزایر سوماترا و برنو و سلب اگر چه از جاوه بزرگترند ولی اهمیت از آنرا
جمعیت تمام هند هلند ۳۸ میلیون است و از این حده جماعتی مسلمان میشوند
هند هلند مخصوصا جاوه از مستعمرات مهم اروپائی است هلند بسیار برای آبادی
زحمات بسیاری کشیده اند، این جزایر اغلب از جنگلهای بنوه پوشیده شده و محصولات
نباتی مخصوصا قهوه ادویه و دیگر دمنده آنها را در موقع جزایر فیلیپین و جزایر
۸- تصرفات مهم انگلیس در ادقیانوسیه عبارتند از: یک ثلث برنو، قسمتی از
گسینه جدید - قسمت استرالیا شامل هنرلیا و رنلد جدید تا سمانی و بعضی جزایر
اطراف مثل مجمع الجزایر کوک - چاتام - کرما دک - جزایر
ویتی یا فیچی - توئگا - یونون - فنیکس - قسمتی از سیلمان

(۱۴۴)

حکومت - مملکت متحده در اصل مرکب بود از ۱۳ مستعمره کوچک انگلیسی که بزرگ
 بیکدیگر در مجامعت اوقیانوس اطلس قرار داشتند. این مستعمرات اواخر قرن
 وسطه فشار یک از طرف دولت انگلیس آنها را کرده بود بیکدیگر و از نو به هم انداخته
 اعلام نمودند (۱۷۷۸) بعد قیامت مجامعت می می پی (یعنی لونی یان) از آن زمان
 خرید (۱۸۰۳) از ۱۸۴۷ تا ۱۸۴۷ استدیج بوسید غلبه بر مرکز یک پشرفتهای دیگر
 قشمتهای غریبه و مرکز یک جدید کالیفرنیا و غیره را تصرف شدند و مملکت
 امروزی را تشکیل دادند (الاسکار انیسند در ۱۸۶۷ از دوسه استیبلع کرده است)
 حالیه مملکت متحده از ۴ مملکت دیگر ناحیه مرکب است که هر کدام تقریباً مساوی
 را دارند و بر احکام دولت متحده خود را خود برای عمومی انتخاب میکنند
 طرز حکومت مملکت متحده جمهوری موقته است و قوه مقننه آن در دست کنگره و
 دکنگره مرکب است از سنات و مجلس نمایندگان ریاست قوه اجرائیه در دست رئیس
 که آن را چهار سال چهار سال بیکترباب رئیس انتخاب میکند و انتخاب بایرین
 اینست که اگر قبل از اختتام چهار سال رئیس جمهوری فوت نماید و مقصدی ریاست
 و امر ریاست قوه اجرائیه متوقف نماند، بیست و نه روز در رئیس جمهوری میل خواهد
 پایتخت و بلا مقبره - پایتخت تمام مملکت متحده و مستر ریاست و دکنگره

(۱۷۷)

در این قسمت جاری هستند و عبارتند از دو ندر اریسنگ و موری که
 بیکدیگر اتصال حاصل میکنند

سواحل استرالیا چندان ضرر تن نیست نقاط مهم این سواحل عبارتند از: باب
 تورس (در استرالیا و کینه جدید) شبه جزیره یورک - کارپانتاری
 خلیج بزرگ جنوبی استرالیا - باب باس (بین تاسمانی و استرالیا)
 اوضاع سیاسی - استرالیا در ابتدا ایندیه کشف کرده و بعد جدید
 اما انگلیسها آن را از چنگ ایشان بدر برد و استرالیا (مخفف استرال آسیا که معنی
 در جنوب آسیاست) نامیدند جمعیت آن بزرگ ۵۰۰۰۰۰ نفر و بیش قسمت

۱- ویکتوریا پایتخت آن ملبورن (۷۸۳۰۰۰)

۲- کال جدید جنوبی پایتخت آن سید (۹۰۶۰۰۰)

۳- ارض ملکه کوئینسلند پایتخت آن برسبان (۲۱۵۰۰۰)

۴- قسمت شمالی استرالیا پایتخت آن پرت اردین

۵- استرالیا غربی پایتخت آن پرت (۱۵۵۰۰۰)

۶- استرالیا جنوبی پایتخت آن ادلاید (۲۵۵۰۰۰)

تاسمانی جزیره است در جنوب شرقی استرالیا پایتخت آن هوبارت (۵۲۰۰۰)



در استرالیا تقریباً در سال ثلث طلای عالم استخراج می شود و قسمتهای شرقی و غربی آن هر دو دارای معادن طلا میباشند

زائد جدید - زائد در ۱۹۵۰ کیلومتری جنوب شرقی استرابی قرار گرفته و مثل
در جزیره بزرگ جزیره شمالی - جزیره جنوبی - و یک عدد جزایر کوچک است
و مساحت آن ۲۶۸۰۰۰ کیلومتر. جمعیت آن ۱۲۷۲۰۰۰ نفر است، شهرهای مهم
جزیره عبارتند از: اوکلند (۱۵۸۰۰۰) در جزیره شمالی - وینسین (۱۵۸۰۰۰)
در کنار باب کوک - کریست چرچ (۱۱۰۵۰۰۰) در جزیره جنوبی زائد جدید. کیلومتر
راه آهن دارد و ارضی آن اغلب مرتع و مزارع خلالت است و تنهائی قریب ۵۰۰۰۰۰۰

چون پلی در آن چو میکند صادرات عمده آن بشم و لیسینات و حیوانات است

کتابت العبد حسین میر خانی

در مطبعه انجمن مطبع رسيد

